



پوهنتون سلام  
پوهنځی شریعات و قانون  
پروگرام ماستری فقه و قانون



جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
ریاست پوهنتونهای خصوصی

## بررسی حکم ذبح در مسلخ های معاصر و احکام

### گوشت های وارداتی

(رساله ماستری)

محقق: فریبا "فهیم"

استاد رهنما: دکتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال: ۱۳۹۹ هجری شمسی



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

پوهنتونهای خصوصی

# بررسی حکم ذبح در مسلخ های معاصر و احکام گوشت های وارداتی

(پایان نامه ماستری)

محقق: فریبا " فهیم "

استاد راهنما: دکتور محمد یونس " ابراهیمی "

سال ..... ۱۳۹۹ هجری شمسی

الحمد لله  
البرحمين



# پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت فقه و قانون

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترم فریبا بنت محمد عمر ID نمبر Sh-msf-97-385 (از دور ششم فقه و قانون) از پایان نامه ماستری خویش زیر عنوان: بررسی حکم ذبح در مسلخ های معاصر و حکم گوشت های وارداتی . به روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۵ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر هیأت ژوری مستحق ۱۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیأت ژوری:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور رفیع الله عطاء	عضو هیأت	
۲	دکتور عبد الله حقیار	عضو هیأت	
۳	دکتور محمد یونس ابراهیمی	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

معاون علمی

آمر بورده ماستری

## اهداء!

- ۱- در قدم اول، به والدین خود اهداء مینمایم، که همیشه ما را در راه ادامه تحصیل تشویق و ترغیب نموده اند، و درین راستا زحمات فراوان را متحمل شده اند.
- ۲- به تمام اساتید گرانقدری اهداء مینمایم، که من را در عرصه یی تعلیم و تربیه اسلامی، یاری کرده اند.
- ۳- همچنان برای تمام دعوتگران و بیدارگران که لحظه به لحظه در فکر رشد روحی و معنوی جوانان این سرزمین بشکل حقیقی و واقعی هستند و عملاً در این قسمت سعی و تلاش دارند، اهداء مینمایم.  
فربیا " فهمیم "

## سپاس گزاری

سپاس فراوان آن ذاتی را که یکی از نامهایش السلام است که قلم را آفرید و انسان ها را از جهل، ظلم و بربریت نجات داد و همچنان نهایت مدیون آن ذات هستیم که نخستین حرفی را که برای منجی عالم بشریت حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وسلم) که یکی از نامهای آن آمین است، تعلیم داد: اِقْرَأْ یعنی بخوان بود و شکر آن ذاتی را بجا می آورم که با مهربانی و مرحمتش موفق به ورود مرحله تحصیلات عالی شدم و با تمام معضلات نا محدود و امکانات معدودی که داشتم، توانستم تحصیلات خود را الی درجه ماستری به پایه اکمال برسانم.

طبق قانون و مقررات وزارت تحصیلات عالی هر محصل باید در اخیر مرحله تحصیلی خود، یک رساله و تیزس تحقیقی تهیه نماید. من هم به یاری استاد محترم رهنماء دکتور محمد یونس "ابراهیمی" موضوع تیزس خود را تحت عنوان (بررسی حکم ذبح در مسلخ های معاصرو احکام گوشت های وارداتی) به رشته تحریر در آوردم.

بدین وسیله میخوامم از وزارت محترم تحصیلات عالی کشور، رهبری پوهنتون سلام، اعضاء محترم بورد ماستری پوهنحی شرعیات و استادانی که در این راستا پیش قدم بوده اند و با اندیشه های عالمانه خویش جهان معنویت و بیداری اسلامی را در اذهان محصلین زنده گردانیدند؛ سپاس و امتنان نمایم.

و جا دارد که در اینجا از همه اساتید محترم و بزرگوار پوهنحی شرعیات پوهنتون سلام که طی سالها، با وجود همه مصروفیت های علمی و فرهنگی خویش با حوصله مندی تمام و زحمات خستگی ناپذیر و بی شایبه خویش، ما را تدریس نمودند و ما را وا داشتند تا از علم و دانش و اندوخته های ایشان استفاده اعظمی برده و قادر به تهیه و ترتیب این رساله گردم، سپاس گزاری نمایم.

و در آخر از رهنمائی ها، هدایات و تلاشهای استاد بزرگوارم محترم دکتور محمد یونس "ابراهیمی" نهایت سپاس و امتنان میکنم، زیرا؛ ایشان با وجود مصروفیت های بیشتر علاوه از اینکه اوقات گرانبهای خویش را با جبین کشاده صرف رهنمائی کردند. از ایزد منان سرفرازی، عزت، اجر جزیل و سعادت دارین را برایش استدعا میدارم، و امیدوارم که برای بنده توفیق عنایت فرماید تا آنچه را که آموخته ام، عمل نموده و به دیگران برسانم، و اندوخته های خویش را در خدمت بیداری اسلامی، ترقی و تعالی امت مسلمه به خصوص اصلاح نظام سیاسی کشورم که متعلق به ملت است، قرار دهم.

## خلاصه بحث

در این رساله، نخست مقدمه ای درباره ذبح، اهمیت بحث روی احکام ذبح و گوشت های وارداتی، همچنان پیشینه بحث روی این موضوع صحبت شده است.

همچنان بحثی فقهی پیرامون چگونگی ذبح، نحر و عقر، و این که در ذبح، چه اعضایی باید قطع شوند مطرح شده است و اقوال مذاهب چهارگانه در این مساله و قول مختار و راجح با ادله بررسی گردیده است.

برای واضح تر شدن مساله، بحثی علمی در مورد اجزاء گردن حیوان و شاه رگ های آن به طور مختصر ذکر شده است و علماء اتفاق دارند بر اینکه در ذبح وقتیکه ودجان، مری و حلقوم قطع گردید، خوردن آن مذبوحه حلال است.

برای اینکه یک حیوانی که گوشتش حلال است برای خوردن پاک شود، علمای اسلام شرایطی را بیان داشته اند، که این شرایط عبارت است از: ۱- شرایط درحیوان از قبیل: ۱- حیوان در وقت ذبح زنده باشد، ۲- قطع کردن حلقوم، مری و ودجین(دوشاه رگ) حیوان، ۳- روح بمحض ذبح کردن از بین رود، ۴- تسمیه و گفتن نام الله متعال به هنگام ذبح است. ۲- شرایط درذبح کننده از قبیل: ۱- صاحب ملت توحید باشد، ۲- محرم نباشد، ۳- تسمیه گفتن را بداند، ۴- ضبط و آگاهی از شرایط ذبح را داشته باشد، ۵- نام غیر از الله را ذکر نکرده باشد، ۶- ذبح از مقدم گردن صورت گیرد. ۳- شرایط تسمیه مراعات گردد از قبیل: ۱- الله متعال تنها در ذبح ذکر گردد، ۲- ذبح کننده خودش تسمیه را در جریان ذبح بگوید، ۳- ذبح مستقیماً بعد از تسمیه شروع گردد بدون ایجاد فاصله و تبدیل کردن مجلس، ۴- هدف از ذکر تسمیه قصد ذبح حیوان باشد، ۵- در ذکر تسمیه تعظیم الله متعال مراد باشد.

دلایلی که ذبح شرعی را ثابت میکند، دو چیز است: ۱- قرآن کریم ۲- سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم.

فقههای اسلامی اتفاق دارند بر اینکه هر آنچیزیکه خون را میریزاند و رگها را قطع میکند، برابر است از آهن باشد، یا از سنگ، یا از شاخه درخت و یا از شیشه، ذبح کردن با آنها درست است. اما اختلاف فقهاء در قسمت ذبح کردن توسط سه چیز است: ۱. دندان، ۲. ناخن، ۳. استخوان، که قول راجح اینست که با دندان و ناخن ذبح کردن با کراهیت درست است که از جایش کشیده شده باشد، اما اگر در جایشان باشند درست نیست.

ذبیحه اهل کتاب، از حیث مبدأ به اتفاق فقهای اسلامی جایز است، اما وقتی دانسته شد که ذبح کننده اهل کتاب بر ذبیحه اش غیر از اسم الله را گرفته است، به شکلیکه: مسیحی به اسم مسیح، یهودی به اسم عزیر ذبح کردند. جمهور فقهاء بر عدم حلال بودن آن گوشت حکم میکنند.

همچنین مسأله بیهوش کردن حیوان قبل از ذبح و نحر، مطرح گشته و نظر برخی فقها و قول مختار و راجح در مورد آن بیان شده است.

به همین شکل بحث دیگری راجع به گوشت های که از کشورها وارد می گردد، و این کشورها سه قسم است، کشورهای اسلامی، غیر اسلامی و مختلط، احکام همه شان بحث شده است.

در پایان نیز طی بحثی، گوشت های وارداتی به افغانستان که چگونه و از کدام کشورها وارد می گردد، حلال است و یا حرام، بحث شده است، و با نتیجه گیری، پیشنهادات و فهارس ختم شده است.



## فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۲	اسباب اختیار موضوع.....
۲	اهمیت موضوع.....
۲	سوالات تحقیق.....
۲	الف: سوالات اصلی.....
۲	ب: سوالات فرعی.....
۳	اهداف تحقیق.....
۳	پیشینه تحقیق.....
۴	روش تحقیق.....
۵	پلان تفصیلی بحث.....

## فصل اول

### مفاهیم مقدماتی تذکیه شرعی و دلایل مشروعیت آن

۷	مبحث اول : ذبح شرعی، شرایط و احکام آن.....
۸	مطلب اول : تعریف لغوی و اصطلاحی ذبح، نحر و عقر.....
۹	الف - تعریف لغوی ذبح.....
۱۱	ب - تعریف اصطلاحی ذبح.....
۱۵	ج - تعریف برگزیده یا راجح ذبح.....
۱۵	مطلب دوم : شرایط پاک شدن ذبیحه.....
۱۵	الف - شرایط در حیوان.....
۲۳	ب - شرایط در ذبح کننده.....
۲۸	ج- شرایط تسمیه.....

- مطلب سوم : دلایل شرعی ذبح..... ۳۰
- الف – دلایل قرآنی ذبح شرعی..... ۳۰
- ب – دلایل سنت ذبح شرعی..... ۳۲
- مبحث دوم: آله ذبح..... ۳۴**
- مطلب اول: نوع آلاتی که ذبح توسط آن درست است..... ۳۵
- مطلب دوم: کشتن حیوان بدون بریدن رگ ها..... ۴۰
- مبحث سوم: تسمیه گفتن هنگام ذبح..... ۴۳**
- مطلب اول: دلیل از آیات قرآنی..... ۴۴
- مطلب دوم: دلایل از احادیث نبوی..... ۴۷
- مطلب سوم: حکم ذبیحه اهل کتاب..... ۴۹
- مطلب چهارم: حکم ذبیحه ماتریالیست ها و دهریانی که خود را مسیحی می دانند..... ۵۳
- مطلب پنجم: ذبح شخص نامعلوم..... ۵۶
- مبحث چهارم : حکم گوشت های حیواناتی که از حرام تغذیه می شوند..... ۵۹**
- مطلب اول : تغذیه حیوان از نجاست..... ۶۰
- مطلب دوم : اختلاف ائمه مذاهب اسلامی در رابطه به مدت حبس حیوان نجاست خور..... ۶۲
- مطلب سوم: حکم حیوانات وطی شده توسط انسان و حیوانات که از مدفوع انسان تغذیه شده..... ۶۶

## فصل دوم

### شیوه های معاصر ذبح و حکم شرعی آن

- مبحث اول : شیوه های مختلف ذبح..... ۶۹**
- مطلب اول: روش کشتار مرغ ها..... ۷۰

- الف - کشتار مرغ ها ذریعه آب گرم و چاقوی دوار ماشینی..... ۷۱
- ب - کشتار مرغ ها با آویزان کردن توسط گیرا و ذبح آن با دست..... ۷۳
- مطلب دوم: استفاده از شوک برقی قبل از ذبح حیوانات و پرنده گان..... ۷۳
- ۱- شوک دادن حیوانات..... ۷۴
- ۲- تطبیق شوک..... ۷۶
- ۳- ولتاژ برق..... ۷۶
- ۴- شدت جریان برق..... ۷۷
- ۵- وقت و زمان شوک..... ۷۷
- مبحث دوم : نتایج بحث کشتار مرغ ها به روش میکانیزه ( ماشینی)..... ۷۹**
- مطلب اول: کشتار چهارپایان..... ۸۱
- الف: ذبح حیوان پس از اقدامات بیهوش سازی..... ۸۳

## فصل سوم

### احکام گوشت های وارداتی

- مبحث اول: ذبائح اهل کتاب..... ۸۹
- مطلب اول : روش مشروع ذبح حیوان توسط اهل کتاب..... ۹۰
- مطلب دوم : حکم تسمیه بر ذبیحه اهل کتاب..... ۹۴
- مبحث دوم: حکم گوشت های وارداتی از کشورهای غیر اسلامی به کشورهای اسلامی..... ۹۷
- مطلب اول : واردات گوشت از کشورهای غیر اسلامی کتابی (اهل کتاب)..... ۹۸
- مطلب دوم: واردات گوشت از کشورهای غیر اسلامی غیر اهل کتاب و کشورهای مختلط..... ۱۰۰
- مبحث سوم : گوشت های موجود مورد استفاده در افغانستان..... ۱۰۲
- مطلب اول : گوشت های حاصل دامداری داخلی..... ۱۰۳

- الف: گوشت های داخلی « چهارپایان» ..... ۱۰۳
- ب: مرغ های فارم های داخلی..... ۱۰۳
- مطلب دوم : گوشت های وارداتی در بازارهای افغانستان..... ۱۰۳
- ۱- مرغ های پاکستانی..... ۱۰۳
- ۲- مرغ های برزیلی و امریکایی..... ۱۰۴
- ۳- گوشت های هند..... ۱۰۵
- مطلب سوم : مشکلات فروشنده ها..... ۱۰۶
- ۱- فروشنده های آگاه..... ۱۰۶
- ۲- فروشنده های غیر آگاه..... ۱۰۶
- نتیجه بحث..... ۱۰۷
- پیشنهادات..... ۱۰۹
- فهرست آیات قرآنکریم..... ۱۱۰
- فهرست احادیث و آثار..... ۱۱۳
- فهرست اعلام..... ۱۱۷
- فهرست منابع..... ۱۱۹

## مقدمه

الحمد لله الذي جعل الطعام و الماء سببا لحياة الانسان والصلاة والسلام على محمد و على اله واصحابه الى يوم القيام ومن تبع باحسان الى يوم الميزان.

از اینکه در این اواخر واردات گوشتها و غذاهای خارجی به کشور عزیز ما افغانستان زیاد رواج یافته است، و تاکنون در قسمت چگونگی ذبح شرعی و گوشت های وارداتی در قوانین مدنی افغانستان بحثی صورت نگرفته است.

مشکل اساسی مسلمانان اینست که در بعضی حالات با بسیار بی تفاوتی و بدون تحقیق از این گوشت ها استفاده می نمایند و هرگوشتی را که از هرجا وارده شده باشد، میخورند.

امروز که اقتصاد جهان بسیار رشد نموده است و کالاهای خویش را بدون بررسی مراجع قانونی به کشورهای رو به انکشاف صادر می نمایند، بخصوص در کشور ما افغانستان مواد ارتزاقی از بسیاری از کشورهای جهان وارد میگردد مانند: گوشتهای مرغ، گوسفند، گاو و غیره از کشورهای مختلف مثل امریکا، اروپا، هندوستان و غیره.

مشکل بسیاری از علمائی ما اینست که آنان به این گمان هستند که امریکا و اروپا کشورهای اهل کتاب هستند، بناءً حیوانات ذبح شده آنجا مربوط اهل کتاب میشود که استفاده از آن در شریعت اسلامی جایز است.

این دسته از علماء تحقیق درست نکرده، بلکه امریکا و اروپا را مثل زمان قدیم فکر میکنند، در حالیکه امروز در امریکا و اروپا نه تنها مردم بی دین و سیکولر بسیار زیاد اند، بل وسایل ذبح نیز تغییر نموده است.

همچنان: درین کشورها به هیچ دینی در قسمت ذبح حیوانات ارزشی گذاشته نمیشود، فقط مسأله تجارتی است، هرگاه کسی به اساس قرار داد بالای شان کدام شرطی را بقبولاند خوب، وگرنه آنان به همان طریقه عادی بدون در نظر داشت شرایط اسلامی حیوانات را ذبح میکنند.

## ۱- اسباب اختیار موضوع:

۱. بررسی حکم ذبح درمسلخ های معاصر و احکام گوشت های وارداتی، موضوعی است، که مردم به احکام ذبح شرعی آن آشنایی کامل ندارند. خواستم آنرا موضوع بحث خود انتخاب نمایم.
۲. خواستم هموطنانم با احکام ممنوع و غیرممنوع ذبح درمسلخ های معاصر و گوشت های وارداتی به شکلی تفصیلی آشنایی بیشتر حاصل نمایند.
۳. امروزه بسیاری مردم فرق بین ذبح شرعی و غیر شرعی را نمی دانند، بناءً خواستم که در این موضوع، مردم بیشتر آگاهی یابند.
۴. خواستم راجع به این موضوع، مسؤلیت شرعی خود را اداء نمایم، بخاطری که درموضوع حکم ذبح در مسلخ های معاصر و احکام گوشت های وارداتی کدام رساله و کتاب مفصل به زبان های ملی افغانستان که همه جانبه بحث کرده باشد؛ وجود نداشت.

## ۲- اهمیت موضوع :

این بحث دارای اهمیت زیاد است؛ زیرا خوردن حرام در تمام بخش های عبادت انسان تاثیر گذاشته و معلومات دادن برای مردم در این زمینه از وظایف اساسی دعوتگران، فقهاء و مفتیان اسلام می باشد. بناءً بحث پیرامون این موضوع برای همهء مسلمانان دارای اهمیت است.

## ۳- سوالات تحقیق:

### الف: سوال اصلی

- ۱- حکم ذبح درمسلخ های معاصر چگونه است؟
- ۲- احکام گوشت های وارداتی از خارج به داخل افغانستان حلال است و یا حرام؟

### ب: سوالات فرعی

- ۱- ذبح چیست؟
- ۲- آیا گوشت های وارد شده از کشورهای خارج حلال است؟
- ۳- حکم ذبح کردن حیوانات در مسلخ های معاصر چیست؟

۴- امروز که در بسیاری از کشورها حیوانات و پرندگان توسط برق کشته می شوند چه حکم دارند؟

۵- آیا دین مقدس اسلام استفاده از برق را قبل از کشتن حیوانات اجازه می دهد؟

## اهداف تحقیق

برای هر تحقیق اهداف وجود دارد که بخاطر آن شخص محقق تحقیق شان را می نویسد، هدف که من برای نوشتن این تحقیق دارم، قرار ذیل است:

۱- اولین هدفی که دارم بیان نمودن احکام ذبح، ذبح در مسلخ های معاصر و گوشت های وارداتی از خارج به داخل افغانستان است، تا مردم و ملت افغانستان از چگونگی ذبح شرعی، ذبح در مسلخ های معاصر و حکم گوشت های وارداتی آگاه شوند و از ذبیحه های حلال استفاده نمایند.

۲- دومین هدفی که دارم، چون از جمله مکلفیت های دوره ماستری است تا یک رساله بعد از ختم این دوره، توسط شخص که از این دوره فارغ می گردد، تحقیق و تحریر صورت گیرد، بنابراین خواستم تا روی این عنوان رساله خود را بنویسم و مکلفیت خود را اداء نمایم.

۳- سومین هدفی که دارم، آگاهی دادن صاحبان مراکز ذبح اند، تا حیوانات را بشکل شرعی آن ذبح نمایند، تا مردم از خوردن ذبیحه های حلال استفاده نمایند.

۴- چهارمین هدفی که دارم، آگاهی دادن تجاران است، تا در قسمت وارد کردن گوشت های وارداتی توجه نمایند و از آوردن گوشت های که بشکل درست و شرعی ذبح نگردیده، یا از کشورهای غیر اسلامی و غیر اهل کتاب اند، خود داری نمایند.

## ۴- پیشینه تحقیق

درمورد این بحث کتب و رسالات زیادی نوشته شده و تحقیقاتی نیز صورت گرفته است که از آن جمله کتاب الفتاوی المعاصر تالیف دکتور یوسف قرضاوی، فقه السنه تالیف سید سابق، البحوث العلمیه تالیف هیات علمای عربستان سعودی، احکام ذبح و ذبائح در اسلام تهیه و ترتیب کنفرانس رابطه عالم اسلامی و سازمان صحتی جهان و مجموعه از مقالات که مجله بحوث آنرا انجام داده، همچنان کتاب حلال و حرام در اسلام از دکتور یوسف قرضاوی، پژوهشی در مباحث نوین فقهی

تالیف علامه محمد تقی عثمانی، مسایل فقهی معاصر تالیف دکتورمصطفی نیازی، گوشت‌های وارداتی از خارج کشور رساله نوشته شده توسط پوهنمل عبدالظاهر داعی را می‌شود، نام برد. همه کتاب‌های که تذکر رفتند، به زبان عربی بود و به زبان دری که زبان وطن ام است روی حکم ذبح در مسلخ‌های معاصر و گوشت‌های وارداتی چیزی نوشته نشده بود و یا هم نوشته شده بود، ولی بشکل تفصیلی و همه جانبه و این که قول راجح نقل گردیده باشد، نوشته نشده بود، بنابر این خواستم تا این موضوع را به زبان فارسی نوشته و هم تمام زوایای آن را بررسی نمایم، تا مردم و ملت از این موضوع آگاهی کامل پیدا کنند.

همچنان با توسعه روابط کشور با دول خارجی و رونق امورتجاری و ایجاد تنوع درصنعت ذبح و کشتار حیوانات با توجه به انکشاف تکنالوژی امروزه درجهان از یکسو و از سوی دیگرعدم کنترل دقیق نهاد ها دینی، شاروالی ها و مراجع صحی و پایان بودن سطح آگاهی عامه مردم ایجاب مینمود، تا دراین مورد تحقیقاتی بیشتری صورت گیرد و از چگونگی واردات گوشت از کشورهای خارجی و حلال و حرام بودن آن به مردم معلومات داده شود تا به صحت، اقتصاد و مهمتر از همه ایمان شان زیان نرسد.

## روش تحقیق

تحقیق حاضر از جمله تحقیق کتابخانه‌ی محسوب می‌گردد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

الف: ذکر آیات در رابطه به مطالب ذبح همراهی نام سوره و شماره آیات، با ترجمه آیات از ترجمه فارسی صفوة التفاسیر که توسط محمد علی صابونی تألیف گردیده و توسط عبدالباری ابراهیمی به فارسی ترجمه گردیده است.

ب: بیان کردن صورت مسئله و ذکر اقوال علماء از کتاب‌های شان، پیرامون آن در صورت که مسئله اختلافی باشد، همراهی دلایل شان و نقل قول راجح در اخیر مسئله‌ی که میان فقها اختلاف است.

ج: تخریح احادیث که در رابطه با احکام ذبح اند، از کتاب‌های حدیث، با ذکر نام نویسنده کتاب، خود کتاب، محل چاپ، نام ناشر، طبع و سال طبع، همراهی جلد و صفحه آن.

د: از منابع معتبرقدیم استفاده نموده ام و کمتر به منابع معاصر مراجعه نمودم مگر اینکه درمنابع قدیم، پیدا نکردم.



هـ: از منابع اهل سنت والجماعة استفاده نموده ام.

و: به کتب تخریج احادیث مراجعه نموده، صحت و سقم احادیث را تخریج نموده و حکم آن را واضح ساخته ام و در پهلوی آن وجه استدلال حدیث را نیز ذکر کرده ام.

ز: قواعد دستوری نگارش مانند کامه(،)، شارحه(:)، نداییه(!)، سوالیه(؟)، قوس ها( ) و نقطه (.) را تا حدی توان مراعات نموده ام.

## ۵- پلان تفصیلی بحث

این رساله شامل یک مقدمه - سه فصل - نتیجه گیری و فهرس می باشد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

۱- فصل اول: مفاهیم مقدماتی ذبح شرعی و دلایل مشروعیت آن است، که در مبحث اول این فصل به بررسی ذبح شرعی، شرایط و احکام آن صحبت شده است. متعاقباً در مبحث دوم روی آله ذبح و چگونگی آن صحبت مفصل شده است، در مبحث سوم روی تسمیه گفتن هنگام ذبح و شرایط آن بحث شده است و در مبحث چهارم حکم گوشت های حیواناتی که از حرام تغذیه می شوند و طریقه پاک کردن آن بحث مفصل شده است.

۲- فصل دوم: شیوه های معاصر ذبح و حکم شرعی آن بحث شده است، که در مبحث اول آن، شیوه های مختلف ذبح، روش کشتار مرغ ها و استفاده از شوک برقی قبل از ذبح حیوانات و پرند گان صحبت شده است. سپس در مبحث دوم نتایج بحث کشتار مرغ ها به روش میکانیزه ( ماشینی)، کشتار چهارپایان و اختراع و ایجاد اسالیب جدید کشتن حیوانات صحبت شده است.

۳- فصل سوم: احکام گوشت های وارداتی بحث شده است، که در مبحث اول آن روی ذبائح اهل کتاب، روش مشروع ذبح حیوان توسط اهل کتاب و حکم تسمیه بر ذبیحه اهل کتاب صحبت شده است. در مبحث دوم حکم گوشت های وارداتی از کشورهای غیر اسلامی به کشورهای اسلامی، واردات گوشت از کشورهای غیر اسلامی (اهل کتاب) و واردات گوشت از کشورهای غیر اسلامی غیر اهل کتاب و کشورهای غیر اسلامی مختلط صحبت شده است. متعاقباً این رساله با نتیجه گیری و توضیحات حاصل شده از خلال همین بحث پایان یافته است.

## فصل اول

مفاهیم مقدماتی ذبح شرعی و دلایل مشروعیت آن

این فصل دارای چهار مبحث است:

مبحث اول : ذبح شرعی، شرایط و احکام آن

مبحث دوم : آله ذبح

مبحث سوم : تسمیه گفتن هنگام ذبح

مبحث چهارم : حکم گوشت های حیواناتی که از حرام تغذیه می شوند

## مبحث اول

ذبح شرعی، شرایط و احکام آن

این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول : تعریف لغوی و اصطلاحی ذبح، نحر و عقر.

مطلب دوم : شرایط پاک شدن ذبیحه

مطلب سوم : دلایل شرعی ذبح

## مطلب اول : تعریف لغوی واصطلاحی ذبح، نحر و عقر:

علت اساسی این تقسیم ذبح، نحر و عقر اینست که: الله جل جلاله در قرآن عظیم الشان، این سه را برای پایان بخشیدن حیات حیوان بکار برده است، طوری که الله متعال ذبح را در مورد کشتن گوسفند بکار برده است: {وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ} (۱)

ترجمه: و قوچ بزرگی بهشت را فدا او کردیم. (۲)

همچنان در مورد ذبح گاو فرموده است: {إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً} (۳)

ترجمه: خداوند به شما دستور داده که گاوی را سر ببرید. (۴)

همچنان الله متعال فرموده است: {فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ} (۵)

ترجمه: تنها برای پروردگارت نماز را بگزار که این همه فیوضات را بتو ارزانی داشت و تنها برای پروردگارت شتر قربانی بکن که بهترین مال از دیدگاه عربها است تا سپاس این خیر و برکت بیکران او تعالی را بجا آورده باشی. (۶)

واژه عقر را هم بکار برده است: {فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ...} (۷)

ترجمه: شتر را پی کردن و از امتثال امر خدا سرکشی نمودند. (۸)

چون هر سه اینها (ذبح، نحر و عقر) برای پایان بخشیدن حیات حیوان بکار میرود، بناءً لازم است تا اینها را معرفی نمایم:

---

۱- {الصافات، آیه ۱۰۷}

۲- محمد علی الصابونی، ترجمه فارسی صفة التفسیر، مترجم: عبدالباری ابراهیمی، مکتبه فاروقیه، محله جنگی پشاور، ۴ جلد، ج ۳ ص ۳۶۶.

۳- {البقره، آیه ۶۷}

۴- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۵۲.

۵- {الکوثر، آیه ۲}

۶- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۴ ص ۴۷۰.

۷- {الاعراف، آیه ۷۷}

۸- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۵۴۰.

## الف - تعریف لغوی ذبح:

۱. **ذبح در لغت:** ذبح در لغت شق نمودن چیزی را گویند و بعدها به معنای قطع حلقوم حیوانات استعمال گردیده است.<sup>(۱)</sup>

الله متعال در مورد میفرماید: **{وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: و قوچ بزرگی بهشت را فدا او کردیم.<sup>(۳)</sup>

مراد از ذبح مذبوح و قربانی است. ناگفته نماند اگر اصل آن درباره حیوانات باشد در غیر آن بطور مجاز و تشبیه بکار رفته است.<sup>(۴)</sup>

در جای دیگری میفرماید: **{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً}**<sup>(۵)</sup>

ترجمه: خداوند به شما دستور داده که گاوی را سر ببرید.<sup>(۶)</sup>

باز هم الله متعال میفرماید: **{يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ}**<sup>(۷)</sup>

ترجمه: پسرانتان را سر می زدند و دخترانتان را زنده می گذاشتند تا به خدمت آنان کمر بندند.<sup>۸</sup>

طوری که راغب اصفهانی<sup>(۹)</sup> در تفسیر این آیت می گوید: یعنی پسران شما را بطور مدام سر می بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند، مراد از تذبیح تکثیر است یعنی یکی را پس از دیگری ذبح می

۱- ابن درید، جمهرة اللغة، بيروت، الناشر: دارالفکر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م: ج ۱ ص ۱۱۱

۲- {الصفات، آیه ۱۰۷}

۳- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۳ ص ۳۶۶.

۴- سید علی اکبر ابن سید محمد قرشی، قاموس قرآن فارس، دار الکتب الاسلامیة، ایران، طبع دوم، جمادی الاولى ۱۳۹۵ هـ ق مطابق

۲/ ۱۳۵۴ هـ ش، ج ۱ ص ۷۳۰.

۵- {البقره، آیه ۶۷}

۶- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۵۲.

۷- {البقره، آیه ۴۹}

۸- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۳۹.

۹- ابو القاسم، حسین بن محمد بن المفضل معروف به راغب اصفهانی، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه قرن پنجم یا ششم است. ولادت او در اصفهان بوده اما بیشتر عمرش را در بغداد سپری نموده است، آثار و تألیفات اصفهانی: مفردات الفاظ القرآن،

کردند. عربها میگوید: ذبحت الفارة: موش را پاره کردم، که تشبیهی است از ذبح حیوان، و همچنین عبارت: ذبح الدنّ: سر مشک و کوزه را باز کردم.<sup>(۱)</sup>

ذبح: بریدن سر گاو و گوسفند و مانند آن، قطع کردن.<sup>(۲)</sup>

**۲. نحر در لغت:** راغب اصفهانی میگوید: نحر یعنی گردن و محل قلاده که بالاتر از سینه است، نحرته- به گردنش زدم، مثل: نحر البعیر- شتر را قربانی کردن.<sup>(۳)</sup>

الله متعال در مورد میفرماید: **{فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ}**<sup>(۴)</sup>

ترجمه: تنها برای پروردگارت نماز را بگزار که این همه فیوضات را بتو ارزانی داشت و تنها برای پروردگارت شتر قربانی بکن که بهترین مال از دیدگاه عربها است تا سپاس این خیر و برکت بیکران او تعالی را بجا آورده باشی.<sup>(۵)</sup>

نَحَرَ البعيرَ يَنْحِرُهُ نَحْرًا: شتر را در جای نحرش طعن زد، جاییکه حلقوم آن از بلندترین موقعیت سینه معلوم میگردد، و يومُ النَّحْرِ: دهم ذی الحجه روز عید اضحی است، زیرا شتران در آن قربانی میشوند.<sup>(۶)</sup>

نَحَرَ- نَحْرًا، نَحَرَ البهيمة: حیوان را ذبح و قربانی کرد، گلایش را برید.<sup>(۷)</sup>

---

الذريعه الى مكارم الشريعة، تفصيل النشأتين و تحصيل السعادتین، جامع التفاسیر، حل متشابهات القرآن، تحقیق البیان در لغت و حکمت، الاعتقاد، افانین البلاغه یا مجمع البلاغه، محاضرات الادباء و غیره میباشد. تاریخ وفات ۵۰۲ هـ میباشد. راغب اصفهانی؛ قرآن پژوه و مفسر قرآن، بررسی شخصیت راغب اصفهانی و تاثیر احوالات و عصر راغب بر مباحث قرآن پژوهی وی. ایازی، سید محمدعلی، مطالعات روش شناسی دینی؛ بهار و تابستان ۱۳۹۳، سال اول - شماره ۱، چاپ اول، ایران، انتشارات امیرکبیر: ص ۳-۲۶.

۱- حسین بن محمد راغب اصفهانی، ابو القاسم، ترجمه مفردات قرآن- راغب اصفهانی، مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا، تهران - ایران، ناشر: مرتضوی، ۳ جلد، چاپ دوم، سال نشر: ۱۳۷۴ هـ ش: ج ۱ ص ۸۳۰.

۲- محمد معین، فرهنگ معین، تهران، ناشر: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، چاپ سوم، ۶ جلدی، ۱۳۸۸ هـ ش، ج ۲ ص ۴۶۷

۳- ترجمه مفردات قرآن: ج ۱ ص ۲۱۷۴.

۴- {الکوثر، آیه ۲}

۵- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۴ ص ۴۷۰.

۶- لسان العرب: ج ۵ ص ۱۹۵.

۷- فوادافرام، بستانی، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی: ترجمه کامل المنجد الابجدی، مترجم: رضا مهیارزبان، تهران، ناشر:

اسلامی، نوبت چاپ: دوم، سال چاپ: ۱۳۷۶ هـ ش: ج ۱ ص ۲۳۳۳

۳. عقر در لغت: به معنای بریدن. راغب گفته است: «عَقَرَ الْكَلْبَ وَ الْفَرَسَ وَ الْإِبِلَ: قَطَعَ قَوَائِمَهَا بِالسَّيْفِ»<sup>(۱)</sup> ترجمه: سگ، اسب و شتر را برید، یعنی پاهای شان را قطع کرد.

عُقِرَ (بر وزن قفل) بمعنی اصل است «عَقَرْتُ النَّخْلَ» خرما را از بیخش بریدم.<sup>(۲)</sup>

الله متعال میفرماید: {فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَ عَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ}<sup>(۳)</sup>

ترجمه: شتر را پی کردن و از امتثال امر خدا سرکشی نمودند.<sup>۴</sup>

«عَقَرُوا» ظاهرا اشاره است که کشتن شتر با قطع پاهایش بوده است.<sup>(۵)</sup>

## ب - تعریف اصطلاحی ذبح:

۱- تعریف اصطلاحی ذبح: در تعریف اصطلاحی ذبح و طریقه آن و در تعیین وجوب قطع در بین مجتهدین بزرگ اختلاف وجود دارد.

ولی آنچیزیکه ضرورت است یک نگاه اجمالی به انواع ذبح است ، تا توسط آن تعریف ذبح و نحر و عقر بدرستی بدست آید:

ذبح بر دو قسم است: الف - ذبح اختیاری. ب - ذبح اضطراری

ذبح اختیاری: ذبحی است که انسان به اختیار خود حیوانات را با مراعات نمودن شرایط ذبح و طبق شریعت اسلام و مطابق به مذهبی که از آن پیروی میکند ذبح نماید.

و ذبح اضطراری: عبارت است از آن ذبحی است که با جرح و زخم نمودن حیوانات در هر موضعی از بدن حیوان باشد و آن را از پایی در آورد و یا زخم شود و آن زخم باعث ارهاق روح آن حیوان شود.<sup>(۶)</sup>

۱- ترجمه مفردات قرآن: ج ۱ ص ۲۱۷۴.

۲- قاموس قرآن: ج ۱ ص ۱۰۹

۳- {الأعراف، آیه ۷۷}

۴- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۵۴۰.

۵- قاموس قرآن: ج ۱ ص ۱۰۹

۶- وَهْبَةُ الرَّحِيلِيِّ ، الْفِقْهُ الْإِسْلَامِيُّ وَأَدْلَتُهُ، سوريّة، الناشر: دار الفكر - سوريّة - دمشق، الطبعة: الطّبعة الرّابعة، عدد الأجزاء: ۱۰: ج ۴ ص ۳۱۰.

## نظریات علما در باره تعریف ذبح:

۱ - نظریه احناف<sup>(۱)</sup> و مالکیه<sup>(۲)</sup>: احناف و مالکیه در باره ذبح اختیاری چنین تعریف ارائه نموده اند: ذبح اختیاری عبارت از قطع کردن عروق است، البته قطع کردن عروق در نزد احناف و مالکیه واجب است، در تعیین عروقی که در ذبح، قطع آن واجب است، گفته اند که: قطع کردن حلقوم (مجرای تنفس)، مری (مجرای غذا)، ودجان (دو رگ بزرگی که در پهلوی مری و حلقوم قرار دارند که مجرای خون است). یعنی از مجموع اشیای چهارگانه: حلقوم، هر دو شاه رگ و مری، واجب است که قطع شوند. بدو دلیل:

دلیل اول: حدیث است: عَنْ حُذِيفَةَ ٣ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ادْبَحُوا بِكُلِّ شَيْءٍ فَرَى الْأَوْدَاجَ، وَأَنْهَرَ الدَّمَ، مَا خَلَا السِّنَّ وَالطُّفْرَ»<sup>(۴)</sup>

ترجمه: از حذیفه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ذبح کنید به هر چیزیکه خون را جاری و رگها را قطع کند غیر از دندان و ناخن.

وجه استدلال از حدیث: پیامبر صلی الله علیه و سلم در این حدیث، قطع رگها را مطلق ذکر کرده است، بدون قید به یک رگ و یا دو رگ، پس لازم شد که همه قطع گردد.

دلیل دوم: مقصود و هدف از ذبح: برون ساختن خون و پاک شدن گوشت است، و این هدف تنها بقطع همه رگها حاصل میگردد.

---

۱- الکاسانی، علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد الکاسانی الحنفی (المتوفی: ۵۸۷هـ)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۶م: ج ۵ ص ۴۱. الميداني، عبد الغني بن طالب بن حمادة بن إبراهيم الغنيمي الدمشقي الحنفي (المتوفى: ۱۲۹۸هـ) اللباب في شرح الكتاب، بيروت - لبنان، الناشر: المكتبة العلمية: ج ۳ ص ۲۲۵.

۲- محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي، المالكي (المتوفى: ۱۲۳۰هـ)، الشرح الكبير، بيروت، الناشر: دار الفكر، ب ط: ج ۲ ص ۹۹.

۳- حُذِيفَةُ بْنُ الْيَمَانِ بْنِ جَابِرِ بْنِ أُسَيْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَبْسِيِّ، [المتوفى: ۳۶ هـ]، یکی از صحابه های مشهور و صاحب سر رسول الله صلی الله علیه و سلم است: شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، (المتوفى: ۷۴۸هـ)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ۲۰۰۳ م: ج ۲ ص ۲۷۷.

۴- سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمي الشامي، الطبراني، أبو القاسم (المتوفى: ۳۶۰هـ)، المعجم الأوسط، الناشر: دار الحرمین - القاهرة، ب ط: ج ۷ ص ۱۷۲ رقم الحدیث ۷۱۹۰. این حدیث صحیح است، بدلیل حدیث که در بخاری آمده است: ما أنهر الدم، وذكر اسم الله عليه فكلوه، إلا السن والظفر: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م: ج ۵ ص ۴۸.



ومحل ذبح در نزد احناف مابین لبه(شروع گردن) ولحیه(موی زرخ) است و ذبح برای حیواناتی غیر از شتر اطلاق میشود یعنی حیواناتی که محل ذبح آنها ما بین لبه و لحن است، ذبح میشوند. و حیواناتی که از نزدیک سینه ذبح میشوند نحر اطلاق میشود، یعنی درنحر هم قطع کردن رگهای گردن، مری و حلقوم واجب است و محل نحر، آخر حلقوم نزدیک سینه است.(۱)

**دلیل شان:** حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم است: «الذَّكَاةُ مَا بَيْنَ اللَّبَّةِ وَاللَّحْيَةِ» (۲)

ترجمه: ذبح از شروع گردن تا موی زرخ است.

**وجه استدلال از حدیث:** یعنی محل ذبح از شروع گردن تا موی زرخ است.(۳)

و ذبح اضطراری را احناف<sup>۴</sup> و مالکیه<sup>۵</sup> چنین تعریف نموده اند: ذبح اضطراری عبارت از ذبح است که انسان دسترسی کامل به ذبح حیوان ندارد و نمی تواند بطوری اختیاری حیوان را ذبح نماید، زیرا: که حیوان اهلی بوده وحشی شده است و به انسان دست نمی دهد و یا اینکه حیوان دراصل خود وحشی است و از نزد انسان فرار میکند و انسان به آن دسترسی ندارد. پس ذبح آن بصورت اضطراری جواز دارد. ذبح اضطراری عبارت از: زخم نمودن نقطه از بدن حیوان که همان زخم باعث از هاق و کشیدن روح حیوان شود؛ میباشد و آنرا عقر هم میگویند.(۶)

دلیل مشروعیت ذبح اضطراری نزد احناف: حالت عجز و ضرورت است، و قاعده است که: (الضَّرُورَاتُ تُبِيحُ الْمَحْظُورَاتِ). (۷) یعنی ضرورات، محظورات را مباح می گرداند.

---

۱- علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: ۵۸۷هـ)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت - لبنان، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۶م: ج ۵ ص ۴۱.

۲- أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي، سنن البيهقي الكبرى، مكة المكرمة، الناشر: مكتبة دار الباز، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴: ج ۹ ص ۲۷۸. تحقيق الألباني: این حدیث ضعیف است، بخاطریکه در سند حدیث شخص بنام ابو عثراء است، مجهول است. محمد ناصر الدین الألبانی، إرواء الغلیل في تخريج أحاديث منار السبيل، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية - ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵م: ج ۵ رقم الحدیث ۲۵۳۵.

۳- بدائع الصنائع: ج ۵ ص ۴۱.

۴- اللباب في شرح الكتاب: ج ۳ ص ۲۲۵.

۵- الشرح الكبير: ج ۲ ص ۹۹.

۶- (الفقه الإسلامي وأدلته: ج ۴ ص ۲۹۲).

۷- زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: ۹۷۰هـ)، الأشباه والنظائر على مذهب أبي حنيفة النعمان، بيروت - لبنان الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م: ج ۱ ص ۱۰۷.

۲- نظریات علمای شوافع (۱) و حنابله (۲): شوافع و حنابله در مورد ذبح اختیاری چنین تعریفی را ارائه نموده اند: ذبح اختیاری عبارت از ذبح نمودن حیواناتی که انسانها به کشتن آنها قدرت دارند و به دسترس انسانها قرار دارد، میباشد. و به قطع کردن حلقوم و مری آن، خوردن گوشت آن حیوان مباح می گردد. و محل ذبح در نزد شوافع و حنابله حلق میباشد و حلق در نزد آنها عبارت از: بلند استخوان برآمده که در گلوئی حیوانات موجود است، میباشد. و همین عمل را نحر نیز میگویند. و ذبح اضطراری در نزد شوافع و حنابله عبارت از قطع کردن عضوی از اعضای حیوان وحشی میباشد که قطع همان عضو باعث مرگ حیوان شود. که این حالت را عقر هم میگویند.

دلیل شوافع و حنابله در قسمت ذبح کردن حیوان با قطع حلقوم و مری: اول: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ «بَعَثَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بُدَيْلَ بْنِ وَرْقَاءَ الْخَزَاعِيِّ<sup>۳</sup> يَصِيحُ فِي فَجَاجٍ مَنَى أَلَا إِنَّ الذَّكَاءَ فِي الْحَلْقِ وَاللَّبَّةِ» (۴)

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت اس که: پیامبر صلی الله علیه و سلم بدیل بن ورقاء را فرستاد که اعلام کند در ذبحگاه منا: آگاه باشید! ذبح در حلق و شروع کردن صورت میگیرد.

دوم: زیرا: مقصود از ذبح از بین رفتن حیات حیوان است، حیات حیوان توسط قطع حلقوم و مری از بین میرود، بناءً مقصود حاصل گردید. (۵)

**۲-تعریف اصطلاحی نحر:** قطع رگهای شتر است، که در آخرین قسمت گردن و نزدیک سینه اش

۱- شمس الدین، محمد بن أحمد الخطیب الشربینی، الشافعی (المتوفی: ۹۷۷هـ)، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۴م: ج ۴ ص ۲۶۵-۲۷۰.

۲- منصور بن یونس بن صلاح الدین ابن حسن بن إدريس البهوتی، الحنبلی (المتوفی: ۱۰۵۱هـ)، کشف القناع عن متن الإقناع، الناشر: دار الکتب العلمیة، ب ط: ج ۳ ص ۲۰۱.

۳- بدیل بن ورقاء بن عبد العزی بن ربیعة الخزاعی، یکی از اهالی خزاعه بود، اسلام آورد همراهی فرزندش عبد الله بن بدیل وحکیم بن حزام در روز فتح مکه به مرالظهران. أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي، (المتوفی: ۴۶۳هـ)، الاستیعاب في معرفة الأصحاب، الناشر: دار الجیل، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۲م: ج ۱ ص ۱۵۰.

۴- علي بن عمر أبو الحسن البغدادي الدارقطني، سنن الدارقطني، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶م: ج ۴ ص ۲۸۳ رقم الحدیث ۴۵. این حدیث موضوعی است، بخاطریکه در سند آن شخص بنام سعید بن سلام العطار است که متهم به وضع حدیث است. إرواء الغلیل في تخريج أحاديث منار السبيل: ج ۸ ص ۲۴۵.

۵- مغنی المحتاج: ج ۴ ص ۲۶۶. کشف القناع عن متن الإقناع: ج ۳ ص ۲۰۲.

میباشد.<sup>(۱)</sup>

**۳-تعریف اصطلاحی عقر:** عقر به نزد فقهای اسلامی: مجروح نمودن حیوان به قصد قتلش در هر قسمتی از بدنش در هنگام قدرت نداشتن به ذبح آن میباشد.<sup>(۲)</sup>

### ج: تعریف بر گزیده و راجح

با تحقیق و تلاش به این نتیجه میرسیم که تعریف راجح از احناف و مالکیه است، به چند دلیل:

۱- حدیثی که آنها استدلال میکنند، حدیث صحیح است، اما از شوافع و مالکیه موضوعی است. طوری که امام آلبانی - رحمه الله - حدیثی که از آن شوافع و مالکیه استدلال میکنند، موضوعی خوانده است.<sup>(۳)</sup>

۲- مقصود از ذبح، علاوه از اینکه حیات حیوان از بین برود، پاک گردیدن حیوان هم است از خون مسفوح، این خون زمانی تصفیه و پاک میگردد که تمام رگها قطع گردد، و این نظری احناف و مالکیه است.<sup>(۴)</sup>

### مطلب دوم: شرایط پاک شدن ذبیحه

برای اینکه یک حیوانی که گوشتش حلال است برای خوردن پاک شود، علمای اسلام شرایطی را بیان داشته اند، که این شرایط قرار ذیل اند:

۱- شرایط در حیوان.

۲- شرایط ذبح کننده.

۳- شرایط تسمیه

### ۱- شرایط در حیوان:

شرایط در حیوان قرار ذیل است:

---

۱- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية و ملاحق تراجم الفقهاء الموسوعة الفقهية: ج ۲۵ ص ۱.

۲- الموسوعة الفقهية الكويتية: ج ۲۵ ص ۱.

۳- آلبانی، إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل: ج ۸ ص ۲۴۵.

۴- بدائع الصنائع: ج ۵ ص ۴۱.

**الف - حیوان در وقت ذبح زنده باشد:** هرگاه روح حیوان قبل از ذبح توسط کدام حادثه از بین برود، سپس ذبح گردد، خوردن گوشت آن حیوان حرام است. اما اگر درحالت زنده بودن ذبح شد، حلال است و در غیر آن در نزد همه علماء گوشت آن حرام است، این هم درصورت است که بعد از حمله حیوان و غیره زنده مانده باشد. اما اگر عاجز بود از ذبح حیوان بشکل شرعی در آن محل، از قبیل: نداشتن تسلط در محل ذبح مانند: شکار کردن، حیوانات وحشی، افتیده در چاه و غیره، پس ذبح کردن در این صورت ها توسط زخم درست میشود در هر جای از بدنش که این زخم واقع گردد و او حکم ذبح است.<sup>(۱)</sup>

الله متعال در مورد میفرماید: {حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْفُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ}.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ای مؤمنان برای شما حرام قرار داده شده است خوردن حیوان مردار، خون، گوشت خوک، آنچه که در هنگام ذبح نام غیر از خداوند بدان برده شده یا بخاطر غیر از خداوند ذبح گردیده باشد، آنچه که توسط ریسمان و غیره خفه کرده شود، آنچه که به ضرب عصا یا سنگ جان داده باشد، آنچه که از کوه یا ناحیه بلند به زمین افتاده و مرده باشد، حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر بمیرد، حیوان که قسمتی از آن را درنده بخورد و به سبب آن جان بازد مگر حیوانی که قبل از مرگ آن را دریابید و به طریقه شرعی آن را ذبح کنید.<sup>(۳)</sup>

و هم بدلیل حدیث رافع ابن خدیج<sup>(۴)</sup> رضی الله عنه: « فَنَدَّ مِنْهَا بَعِيرٌ فَطَلَّبُوهُ فَأَعْيَاهُمْ ، وَكَانَ فِي الْقَوْمِ خَيْلٌ يَسِيرَةٌ فَأَهْوَى رَجُلٌ مِنْهُمْ بِسَهْمٍ ، فَحَبَسَهُ اللَّهُ ، فَقَالَ: إِنَّ لِهَذِهِ الْبَهَائِمِ أَوَابِدَ كَأَوَابِدِ الْوَحْشِ ، فَمَا نَدَّ

۱- مجموعه من المؤلفين، الفقه الميسر في ضوء الكتاب والسنة، السعودية، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، سنة الطبع:

۱۴۲۴هـ: ج ۱ ص ۴۰۷.

۲- {المائدة، آیه ۳}

۳- ترجمه فارسی صفوة التفسير، ج ۱ ص ۳۷۵.

۴- رَافِعُ بْنُ خَدِيجِ بْنِ رَافِعِ بْنِ عَدِيِّ بْنِ تَرَيْدِ الْأَنْصَارِيِّ، یکی از یاران و صحابه رسول الله صلی الله علیه وسلم است، در غزوه احد اشتراک نکرد که خورد بود، و در غزوه احد و دیگر غزوات بعد از آن همراهی رسول الله اشتراک ورزید، برایش تیری در غزوه احد اصابت کرد سپس آن تیر را کشید ولی نوك نیزه در گوشتش باقی ماند تا وفات کرد، جماعت زیاد از او حدیث روایت کرده است، و عالمی زراعت و آبیاری بود، یکی از مقتبان مشهور مدینه در زمان خلافت امیر معاویه رضی الله عنه بود، در سن ۸۴ سالگی در ۷۳ - ۷۴ هـ وفات یافت، در مدینه منوره دفن گردید. شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م: ج ۳ ص ۱۸۳.

عَلَيْكُمْ مِنْهَا فَاصْنَعُوا بِهِ هَكَذَا»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: یکی از شترها فرار کرد، به دنبال آن دویدند ولی خسته شدند و نتوانستند آن را بگیرند، در بین مردم اسب کم بود تا بتوانند با اسب، آن شتر را رام کنند، شخصی آن شتر را با نیزه زد، اینگونه خداوند آن شتر را از حرکت باز داشت، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: (در این حیوانات اهلی سرشت وحشی بودن وجود دارد، اگر حیوانی فرار کرد همین کار را با او انجام بدهید).

**وجه استدلال از حدیث:** اجازه پیامبر است در قسمت حیوانیکه بالایش تسلط نداریم و حالت عجز است، از گزینه عقر و زخم باید کار گرفت.<sup>(۲)</sup>

**ب - قطع کردن حلقوم، مری و ودجین (دوشاه رگ) حیوان:** بخاطریکه حلقوم مجرای تنفس، مری مجرای غذا و دوشاه رگ مجرای خون است، پس قطع هر کدام شان شرط است.<sup>(۳)</sup>

بدلیل حدیث شریف: عن رافع بن خدیج - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «مَا أَهَرَ الدَّمَ، وَذُكِرَ اسْمُ اللهِ عَلَيْهِ؛ فَكُلُوهُ؛ لَيْسَ السِّنُّ وَالظُّفْرُ»<sup>(۴)</sup>.

ترجمه: از رافع پسر خدیج روایت شده است: که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: هر وسیله ای که خون را بریزد و هنگام ذبح بسم الله نیز گفته شود آن ذبیحه را بخورید، مگر اینکه با دندان یا ناخن سر بریده شود.

**وجه استدلال از حدیث:** اجازه پیامبر صلی الله علیه و سلم است به خوردن گوشت حیوانیکه خون

---

۱- محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، [الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري]، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ ق: ج ٢ برقم: ٥٥٠٣.

٢- فخر الدين عثمان بن علي الزيلعي، الحنفي، تبين الحقائق شرح كنز الدقائق، مكان النشر القاهرة، الناشر: دار الكتب الإسلامي، سنة النشر ١٣١٣هـ: ج ٥ ص ٢٩٣.

٣- ابن عابدين، محمد أمين الحنفي، حاشية رد المحتار على الدر المختار شرح تنوير الابصار، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ب ط: ج ١ ص ٥٢٤.

٤- محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، [الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري]، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ ق: ج ٢ برقم ٥٥٠٣.

آن ریختانده میشود، و خون آن با قطع کردن حلقوم و مری و دو شارگ حاصل میگردد.<sup>(۱)</sup>

همچنان با قطع کردن رگ های گردن، حلقوم و مری حیوان، خون نجس کاملاً از وجود حیوان خارج می گردد و هم گوشتش را پاکیزه میسازد، و مرگ حیوان سبک و آسان میشود.<sup>(۲)</sup>

ج - روح بمحض ذبح کردن از بین رود. هرگاه کسی حیوانی را ذبح نماید، ولی روحش توسط برق، گاز و غیره از بین رفته باشد، بناءً خوردن گوشت این حیوان درست نمیشود.<sup>(۳)</sup>

د: تسمیه و گفتن نام الله متعال به هنگام ذبح است: در قسمت شرط تسمیه در هنگام ذبح بین علماء اختلاف وجود دارد، اساس این اختلاف را معارض بودن آیت با حدیث تشکیل میدهد:

اول آیت، الله متعال میفرماید: {وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ} <sup>(۴)</sup>

ترجمه: ای مؤمنان آنچه بخاطر دیگران جز از خداوند ذبح گردیده یا در هنگام ذبح نام دیگران جز از خداوند بدان برده شده، از آن نخورید، همان حیوانی که بنام بتان ذبح می گردد، خوردن از گوشت آن خروج از حدود اطاعت خداوند به حساب می آید.<sup>(۵)</sup>

اما حدیث که معارض این آیت است: سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ نَاسًا مِنَ الْبَادِيَةِ يَأْتُونَنَا بِالْحَمَانِ وَلَا نَدْرِي أَسْمَاؤُا اللَّهِ عَلَيْهَا أَمْ لَا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَمُوا اللَّهَ عَلَيْهَا ثُمَّ كُلُّوها».<sup>(۶)</sup>

ترجمه: از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال شد در مورد گوشتی که مردم صحرا نشین میآورند و میدانیم که اسم الله را در جریان ذبح بکار برده اند و یاخیر؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم در

۱- عبد الله بن محمود بن مودود الموصلي، الحنفي، الاختيار لتعليل المختار، بيروت / لبنان، دار النشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثالثة، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م: ج ۵ ص ۸.

۲- زين الدين ابن نجيم الحنفي، (الوفاة ۹۷۰هـ)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، بيروت، الناشر دار المعرفة، ب ط: ج ۸ ص ۱۹۱.

۳- لجنة الفتوى بالشبكة الإسلامية، فتاوى الشبكة الإسلامية معدلة، في ۱ ذو الحجة ۱۴۳۰ هـ = ۱۸ نومبر، ۲۰۰۹ م: جزء ۳ ص ۲۹۴۶.

۴- {الانعام، آیه ۱۲۱}

۵- ترجمه فارسی صفة التفاسير، ج ۱ ص ۴۸۹.

۶- مالك بن أنس بن مالك بن عامر المدني، الأصبحي (المتوفى: ۱۷۹هـ)، موطأ الإمام مالك، بيروت - لبنان، الناشر: دار إحياء التراث العربي، عام النشر: ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۵ م: ج ۳ ص ۶۹۷. این حدیث صحیح است، بدلیل مؤید اش در صحیح البخاری. ابن الأثیر، مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی الجزری (المتوفى: ۶۰۶هـ)، جامع الأصول في أحاديث الرسول، الناشر: مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة: الأولى، ۱۳۸۹ هـ، ۱۹۶۹ م: ج ۴ ص ۹۷.

پاسخ گفت: نام الله را بالایش بگیرد و سپس بخورد.

در روایتی از عائشه (۱) رضی الله عنها روایت شده است که: «أَنَّ قَوْمًا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ قَوْمًا يَأْتُونَنَا بِاللَّحْمِ لَا نَدْرِي أَذَكَرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمْ لَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «سَمُّوا اللَّهَ عَلَيْهِ وَكُلُّوهُ» (۲).

ترجمه: گروهی از پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - سوال کردند که ای رسول الله گاهی بعضی از مردم بر ایمان گوشت می آورند ما نمی دانیم که بر آن نام خدا گفته شده یا خیر؟ پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: شما خودتان نام خدا را ببرید و آن را بخورید.

در این آیت و دو حدیث تعارض واضح است: آیت به منع از خوردن گوشت بدون تسمیه حکم میکند، اما این دو حدیث به جواز آن (۳).

امام مالک رحمه الله گفته است: مادامی که در هنگام ذبح نام خدا برده نشود، ذبیحه حرام است، برابر است بعمد آن را ترك کرده باشد یا از روی فراموشی و نسیان (۴).

و ابن سیرین نیز چنین گفته است (۵).

دلیل شان: همین آیت است، اما در پاسخ به این دو حدیث میگویند: این حکم در اول اسلام بود (۶).

---

۱- نامش: عایشه - رضي الله عنها - لقب: صديقه و حميراء، كنيته: أم المؤمنين، دختری ابوبکر صديق - رضي الله عنه - مادرش: زينب - رضي الله عنها - كنيته: أم رومان، ولادته: سال چهارم بعثت، و در سن ۹ سالگی در عقد ازدواج رسول الله صلی الله علیه و سلم داخل گردید، عایشه - رضي الله عنها - نیم قرن عالم اسلام را از انوار الهیه و أسوة حسنه خویش منور کردند، و بالاخره در سنة ۵۸ هجری بیمار شدند و در هفدهم رمضان المبارک سنة ۵۸ پس از نماز عشاء در سن ۶۷ سالگی دار فانی را وداع گفتند، ابوهریره - رضي الله عنها - بر جنازه صديقه كائنات نماز خواندند، و همه اصحاب كيار در مراسم نماز شرکت داشتند، و جنازه ایشان به وسیله برادرزاده ها و خواهرزاده هایشان در جَنَّتِ البَقِيعِ به خاک سپرده شد. عبدالعزيز، خالقي، زندگانی ملكة عفت أم المؤمنين عائشه - رضي الله عنها - تهران: ناشر: احمدیان، ۱۳۸۰ هـ.ش: ص ۱۹ و ۸۶.

۲- صحيح البخاری: جزء ۷ ص ۹۲ برقم ۲۰۵۷.

۳- بداية المجتهد ونهاية المقتصد: ج ۱ ص ۳۶۹.

۴- محمد بن يوسف بن أبي القاسم بن يوسف العبدي الغرناطي المالكي، أبو عبد الله المواق (المتوفى: ۸۹۷ هـ)، التاج والإكليل لمختصر خليل، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۶ هـ- ۱۹۹۴ م: ج ۴ ص ۲۸۹.

۵- أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد الحفي، القرطبي الشهير بابن رشد (المتوفى: ۵۹۵ هـ)، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، الناشر: دار الحديث - القاهرة، تاريخ النشر: ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م: ج ۱ ص ۳۶۰.

۶- بداية المجتهد ونهاية المقتصد: ج ۱ ص ۳۶۹.

امام ابوحنيفه رحمه الله مي گويد: اگر به عمد نام خدا را ترك كند حرام است و اگر از روي فراموشي باشد اشكال ندارد. (۱)

**دلایل امام ابوحنيفه رحمه الله:** در صورت ترك تسميه بشكل عمدی، خوردنش حرام است، زیرا؛  
الله متعال ميفرمايد: {وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ} (۲)

ترجمه: ای مؤمنان آنچه بخاطر ديگران جز از خداوند ذبح گرديده يا در هنگام ذبح نام ديگران جز از خداوند بدان برده شده، از آن نخوريد، همان حیوانی که بنام بتان ذبح می گردد. (۳)

امام ابوحنيفه رحمه الله اين آيت را حمل ميکند در حالت که تسميه قصداً ترك گردد، اما در احاديث که خوردن حيوان بدون ذکر تسميه جواز دارد، که شخص ذکر تسميه را فراموش نموده باشد. (۴)

همچنان پيامبر صلی الله عليه وسلم ميفرمايد: «إِذَا أُرْسِلَتْ كَلْبُكَ الْمُعَلَّمِ وَذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ فَكُلْ». (۵)  
ترجمه: هر گاه سگ تربيت شده ات را فرستادي و بسم الله هم گفتي هر آنچه را که سگت براي شکار مي کند بخور.

**وجه استدلال از حديث:** پيامبر صلي الله عليه وسلم علت حلال شدن شکار توسط سگ را ذکر تسميه خوانده است. (۶)

اما در صورت حلال بودن گوشت به ترك شدن تسميه بشكل نسيان و فراموشي: بدليل حديثي که پيامبر صلي الله عليه وسلم فرموده است: «رُفِعَ عَنِّ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنَّسْيَانَ وَ مَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ». (۷)

۱- البحر الرائق شرح كنز الدقائق: ج ۸ ص ۱۹۱.

۲- {الانعام، آيه ۱۲۱}

۳- ترجمه فارسی صفة التفاسير، ج ۱ ص ۴۸۹.

۴- البحر الرائق شرح كنز الدقائق: ج ۸ ص ۱۹۱.

۵- صحيح البخاري: رقم الحديث ۵۴۷۶.

۶- محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين البائري، الرومي (المتوفى: ۷۸۶هـ)، العناية شرح الهداية، الناشر: دار الفكر: ج ۱ ص ۱۳۶.

۷- أبو عبد الله محمد بن يزيد ابن ماجه، الفزويني (المتوفى: ۲۷۳هـ)، سنن ابن ماجه، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰هـ.

هـ - ۲۰۰۹ م: ج ۳ ص ۲۰۱ رقم الحديث ۲۰۴۵. ابن حبيب صحيح است بخاطري طرق زيادش. أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني، (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، صحيح الجامع الصغير وزياداته، الناشر: المكتب الإسلامي: ج ۱ ص ۶۵۹.



ترجمه: قلم تکلیف و گناه در حال خطاء و فراموشی و اجبار و اکراه از امت من برداشته شده است.  
**وجه استدلال از حدیث:** حلال بودن گوشت، از شخصیکه به شکل نسیان و فراموشی تسمیه را در جریان ذبح ترک میکند.<sup>(۱)</sup>

همچنان انسان از نگاه سرشت و طبیعت فراموشی دارد، بناءً در این حالت تکالیف شرع رفع گردید.<sup>(۲)</sup>

همچنان در صورت اعتبار دادن جانب حرمت را، یک نوع حرج و تکلیف واقع میگردد، که مردم را به مشکل دچار میسازد.<sup>(۳)</sup>

امام شافعی رحمه الله می گوید: اگر نام خدا را بر آن نام نبرده باشند خواه بعمد یا از روی خطا اشکالی ندارد، مشروط برآنکه ذابح و کسی که ذبح را انجام می دهد اهل ذبح باشد و ذبیحه حلال است.<sup>(۴)</sup>

دلایل امام شافعی رحمه الله: اول احادیث است: ۱- عَنِ الصَّلْتِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ذَبِيحَةُ الْمُسْلِمِ حَلَالٌ، ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ أَوْ لَمْ يَذْكُرْ». <sup>(۱)</sup>

ترجمه: از صلت روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: ذبیحه مسلمان حلال است، برابر است اسم الله را بکار برده است و یاخیر.

**وجه استدلال از حدیث:** جواز خوردن گوشت ذبیحه مسلمان بدون ذکر تسمیه، تسمیه اگر شرط

۱- البحر الرائق شرح كنز الدقائق: ج ۸ ص ۱۹۲.

۲- العناية شرح الهداية: ج ۱۴ ص ۱۳۷.

۳- البحر الرائق شرح كنز الدقائق: ج ۸ ص ۱۹۲.

۴- ابو عبد الله محمد بن ادریس الشافعی، (۱۵۰ - ۲۰۴ هـ ق)، الأم، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى ۱۴۰۰ هـ ۱۹۸۰ م: ج ۲ ص ۲۵۷.

۵- الصلت بن عبد الله بن نوفل بن الحارث بن عبد المطلب بن هاشم القرشي الهاشمی، یکی از صغار تابعین بود، بخاری و نسائی از او روایت کرده است، در سال ۲۰۰ هـ ق وفات یافت. تهذیب التهذیب: ج ۴ ص ۴۳۶.

۶- أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُو جردی الخراساني، أبو بكر البيهقي، (المتوفى: ۴۵۸ هـ)، معرفة السنن والآثار، المنصورة - القاهرة، الناشر: دار الوفاء، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۱ م: ج ۱۳ ص ۴۴۷. این حدیث ضعیف است و از مراسیل است. أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني، (المتوفى: ۱۴۲۰ هـ)، سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة، دار النشر: دار المعارف، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۲ م: ج ۶ ص ۲۹۱.

می‌بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم چنین نمی گفت. (۱)

۲- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (۲) قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مِمَّا يَذْبُحُ وَيُنْسِي أَنْ يُسَمِّيَ اللَّهَ؟ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اسْمُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ». و في الرواية: «اسْمُ اللَّهِ عَلَى فَمِ كُلِّ مُسْلِمٍ». (۳)

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: یک شخص از رسول الله صلی الله علیه و سلم سوال کرد: خبر بدهید از شخصی از ما (مسلمانان) ذبح میکند ولی اسم الله را در جریان ذبح فراموش میکند؟ در پاسخ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: اسم الله بر هر مسلمان موجود است. و در دیگر روایت: اسم الله بر دهن هر مسلمان موجود است.

**وجه استدلال از این حدیث:** این حدیث هم اشاره به جواز خوردن ذبیحه مسلمان دارد، اسم الله را ذکر کرده باشد و یاخیر. (۴)

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی قول راجح از ابوحنیفه رحمه الله است، به چند دلیل:

- ۱- متوسط است، و بهتریت هم در وسط است.
- ۲- دلایل شان قوی است، نسبت به دلایل دیگران، زیرا، دلایل امام شافعی - رحمه الله - طوریکه امام آلبانی حدیثی را که امام شافعی استدلال نموده است، ضعیف خوانده است<sup>۵</sup> و دلایل امام مالک رحمه الله هم که در قسمت حدیث گفته است ضعیف است زیرا؛ به ظاهر اتکاء دارد. (۱)

---

۱- أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري الماوردي، البغدادي (المتوفى: ۴۵۰هـ)، الحاوي في فقه الشافعي - الماوردي، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۴م؛ ج ۱۵ ص ۹۵.

۲- عبدالرحمن بن صخره الدوسي مشهور به ابوهریره صحابی جلیل القدر ، کنیه اش را پیامبر صلی اله علیه وسلم برایش گذاشته است، اسلام آورد در سال خبیر و اکثر وقت همراهی پیامبر صلی الله علیه و سلم بود و اکثریت احادیث را روایت نموده است، و وفات نمود در مدینه: الاصابة في معرفة الصحابة، ج ۴ ص ۲۰۲.

۳- سنن الدارقطني: ج ۵ ص ۵۳۳. این حدیث موضوع است زیرا در سند آن مروان بن سالم القرطساني قرار دارد که متهم به وضع است. سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة: رقم الحديث ۲۷۷۴.

۴- الحاوي الكبير - الماوردي: ج ۱۵ ص ۲۰.

۵- آلبانی، سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة، ج ۶ ص ۲۹۱.

۶- العناية شرح الهداية: ج ۱۴ ص ۱۳۶.

۳- وهم حدیث در ابتدای اسلام نیست بلکه ظاهراً در مدینه است و آیت در مکه.<sup>(۱)</sup>

۱- ه: از حیوانات شکار شده حرم شریف نباشد: منظور از صید حرم، حیوانات و پرندگان وحشی حرم شریف میباشند، اما مرغها و حیوانات اهلی شکار گفته نمیشوند. {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْياً بِالْعُقُوبَةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَاماً لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ...}.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ای مؤمنان در حال احرام حج و عمره نخچیر را مکشید و هر کسی از شما در حالت احرام نخچیر را بکشد بر او کفاره معادل از چهارپایان همانند شتر، گاو و گوسفند است، دو نفر مسلمان عادل به معادل بودن آن حکم می کنند، چنین حیوانی قربانی می گردد و بر مستمندان سرزمین حرم توزیع می شود، اگر معادل حیوان شکار شده را نیافت، به آن قیمت می گذارد و به پول آن غذا خریداری نماید و به مستمندان مکه توزیع نماید، یا معادل غذا روزه بدارد و در برابر هر مُد (بیمانه) یک روز روزه بدارد، تا کیفر هتک احرام را بچشد.<sup>(۳)</sup>

تمام فقهاء با استدلال از این آیت اتفاق دارند که شکار حیوان خشکه در حرم شریف حرام میباشد.<sup>(۴)</sup>

## ۲- شرایط در ذبح کننده:

کسیکه حیوانی را ذبح میکند، نیز دارای شرایطی است که عبارت اند از:

الف - صاحب ملت توحید باشد: آنچه درباره ذبح کننده شرط و معتبر است، که باید مسلمان و یا یهودی یا نصرانی باشد، به دلیل قول الله متعال: {إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ}<sup>(۵)</sup>

ترجمه: مگر حیوانی که قبل از مرگ آن را دریابید و به طریقه شرعی آن را ذبح کنید.<sup>(۶)</sup>

۱- بداية المجتهد ونهاية المقتصد: ج ۱ ص ۳۶۱.

۲- {المائدة، آیه ۹۵}.

۳- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۴۲۴.

۴- الموسوعة الفقهية الكويتية ۱-۳۹ وملاحق تراجم الفقهاء الموسوعة الفقهية: ج ۲ ص ۱۰۰۲۶.

۵- {المائدة، آیه ۳}.

۶- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۳۷۵.

آیت فوق خطاب به مسلمانان است و نسبت به اهل کتاب الله متعال می فرماید: { وَطَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا  
الْكِتَابِ حِلٌّ لَكُمْ } (۱)

ترجمه: و ذبایح اهل کتاب برای شما حلال است. (۲)

و مراد از طعام نزدی عرب: اسم است برای چیزیکه خورده میشود، مثل شراب که برای تمام  
نوشیدنی ها اسم است. (۳)

و اما دلیل بر حرام بودن ذبیحه غیر اهل کتاب قول پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است که می  
فرماید: «سُنُّوَابِهِمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ غَيْرَ أَكْلِي ذَبَائِحِهِمْ وَنَاكِحِي نِسَائِهِمْ». (۴)

ترجمه: با (مجوسیان) چون اهل کتاب رفتار کنید جز آنکه ذبیحه شان را نخورید و زنانشان را  
نکاح نکنید.

بت پرست و مجوس، اهل کتاب نیستند. و ذبیحه مرتد نیز خورده نمی شود چون حال وی بدتر از  
بت پرست و مجوس است. (۵)

**ب - محرم نباشد:** علامه سرخسی (۶) میگوید: آنچه را محرم ذبح نموده است، برای هیچ کس خوردن  
آن حلال نیست. (۷)

---

۱- {المائدة، آیه ۵}

۲- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۳۷۷.

۳- أبو الحسن علي بن أحمد بن محمد بن علي الواحدي، النيسابوري، الشافعي، (المتوفى: ۴۶۸هـ)، التفسير البسيط، الناشر: عمادة البحث  
العلمي - جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ: ج ۷ ص ۲۷۰.

۴- عبدالله بن يوسف أبو محمد الزيلعي، الحنفي، نصب الرأية لأحاديث الهداية، مصر، الناشر: دار الحديث: ج ۴ ص ۱۸۱) ولی با این  
لفظ غریب است و بیشتر اختصار آمده است «سُنُّوَابِهِمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ» أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع المطلبي  
القرشي المكي الشافعي (المتوفى: ۲۰۴هـ)، مسند الإمام الشافعي، الكويت، الناشر: شركة غراس للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵  
هـ - ۲۰۰۴ م: ج ۴ ص ۵۰.

۵- الفقه الإسلامي وأدلته: ج ۴ ص ۲۹۷

۶- محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: ۴۸۳هـ)، یکی از فقهاء و مجتهدین مذهب حنفی و اعلام وقت بود،  
تصانیف و تألیفات زیاد دارد. سیر اعلام النبلاء: ج ۲۲ ص ۳۴۵.

۷- محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي، (المتوفى: ۴۸۳هـ)، المبسوط، بيروت، الناشر: دار المعرفة، تاریخ النشر: ۱۴۱۴ هـ-  
۱۹۹۳ م: ج ۴ ص ۸۵.

دلایل شان:

۱. الله متعال میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ} (۱)

ترجمه: ای مؤمنان در حال احرام حج و عمره نخچیر را مکشید. (۲)

۲. وعن أبي قتادة الأنصاري<sup>۳</sup> رضي الله عنه في قصة صَيْدِ الحِمَارِ الوَحْشِيِّ وَهُوَ غَيْرُ

مُحْرَمٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ وَكَانُوا مُحْرَمِينَ: «هَلْ

مِنْكُمْ أَحَدٌ أَمَرَهُ أَوْ أَشَارَ إِلَيْهِ بِشَيْءٍ؟» قَالُوا: لَا قَالَ: «فَكُلُوا مَا بَقِيَ مِنْ لَحْمِهِ». (۴)

ترجمه: ابو قتاده انصاري رضي الله عنه درباره ماجرای گورخري را که در حالت

غير احرام شكار کرده بود، میگوید: پیامبر صلي الله عليه و آله وسلم به اصحابش که

محرّم بودند، فرمود: آیا کسی از شما دستور داده یا اشاره کرده است؟ گفتند: خیر،

فرمود: پس باقی مانده گوشتش را بخورید.

**وجه استدلال از حدیث:** وقتی ثابت گردید که اعانت و همکاری محرّم، واجب میکند

حرمت گوشت را، مباشرت در قتل بطریق اولی واجب میکند این حرمت را. (۵)

**ج - تسمیه گفتن را بدانند:** زیرا تسمیه گفتن بر ذبیحه به نص شرط است، هرگاه کسی تسمیه را

ندانند، خوردن ذبیحه آن جایز نمی باشد. (۶)

**د - ضبط و آگاهی داشته باشد شرایط ذبح را:** یعنی طریقه کشتن و گفتن تسمیه را بدانند، اگر چه

طفل غیر بالغ و یا دیوانه متوسط و یا هم زن باشد. (۷)

---

۱- {المائدة، آیه ۹۵}

۲- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۴۲۴.

۳- الحارث بن ربیع مشهور به أبو قتادة الأنصاري السلمی الخزرجی المديني، فارس (قهرمان، دلیر) رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود که لقب فارس را رسول الله برایش داد، در سال ۵۴ هـ در مدینه وفات یافت. أحمد بن محمد بن الحسين بن الحسن، أبو نصر الكلابادي، البخاري (المتوفى: ۳۹۸هـ)، الهداية والإرشاد في معرفة أهل الثقة والساد، بيروت، الناشر: دار المعرفة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷: ج ۱ ص ۱۸۷.

۴- صحيح البخاري: ج ۲ ص ۶۴۸ رقم الحديث ۱۷۲۸.

۵- المبسوط: ج ۴ ص ۸۵.

۶- علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني، أبو الحسن برهان الدين المرغيناني، (المتوفى: ۵۹۳هـ)، الهداية شرح البداية، بيروت - لبنان، الناشر: دار احياء التراث العربي: ج ۹ ص ۴۹۷.

۷- الهداية: ج ۹ ص ۴۹۷.

و - نام غیر از الله را ذکر نکرده باشد: یکی از شرایط حلال بودن ذبیحه اینست که: ذبح کننده در هنگام ذبح نام غیر از الله متعال را نگیرد.<sup>(۱)</sup>

البته باید گفت که: در قسمت بردن نام غیر از الله سه حالت است:

۱- نام غیر از الله را با نام الله بشکل وصل ذکر کند، نه بشکل عطف، در این حالت ذبیحه مکروه است، حرام نیست مثل: باسم الله محمد رسول الله، زیرا شرکت با نام الله متعال واقع نشده است، ولی تنها مکروه است از جهت تصور بردنش به حرام از آیت قرآن.<sup>(۲)</sup>

الله متعال میفرماید: { وَمَا أَهْلَ لِنَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ }<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و آنچه را که در هنگام سربریدن نام غیر خداوند بدان برده شده است که خوردن گوشت آن به بدن و عقیده انسان ضرر دارد.<sup>(۴)</sup>

«أَهْلًا» از اهلال گرفته شده است، به معنای بلند کردن صدا، چون مشرکین وقتیکه برای بت های شان حیوانات را ذبح می کردند، صداهای شان را با ذکر بت های شان بلند می کردند، سپس این کلمه به هر ذبح که برای غیر الله متعال صورت گیرد، بکار می رود. پس یک نوع تعارض آمد بین کلام شخص و آیت بشکل ظاهر، زیرا آیت از مطلق بکارگیری نام غیر در ذبح منع کرده است.<sup>(۵)</sup>

۲- نام غیر از الله را با نام الله متعال بشکل عطف و شرکت ذکر کند، مثل: به اسم الله واسم فلان، یا به اسم الله و محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم، در این حالت ذبیحه حرام است، زیرا ذبح شده است به اسم غیر از الله متعال.<sup>(۶)</sup>

---

۱- أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی بدر الدین العینی، (المتوفی: ۸۵۵هـ)، البناية شرح الهدایة، بیروت، لبنان، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م: ج ۱۱ ص ۵۴۷.

۲- عثمان بن علي بن محجن البارعی، فخر الدین الزیلعی، الحنفی (المتوفی: ۷۴۳ هـ)، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشَّيْبَانِي، الحاشية: شهاب الدین أحمد بن محمد بن أحمد بن یونس بن إسماعیل بن یونس الشَّيْبَانِي (المتوفی: ۱۰۲۱ هـ)، بولاق، القاهرة، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، الطبعة: الأولى، ۱۳۱۳ هـ: ج ۵ ص ۲۸۸.

۳- {النحل، آیه ۱۱۵}

۴- ترجمه فارسی صفوة التفاسیر، ج ۲ ص ۳۵۳.

۵- أبو محمد الحسین بن مسعود البغوي [المتوفی ۵۱۶ هـ]، معالم التنزیل، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بیروت، الطبعة: الرابعة، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، ج ۱ ص ۱۸۲.

۶- البناية شرح الهدایة: ج ۱۱ ص ۵۴۷.

۷- العناية شرح الهدایة: ج ۹ ص ۴۹۲.

در حالیکه الله متعال میفرماید: {وَمَا أَهْلٌ بِهِ لغيرِ اللَّهِ} (۱)

ترجمه: و آنچه را که در هنگام سربریدن نام غیر خداوند بدان برده شده است که خوردن گوشت آن به بدن و عقیده انسان ضرر دارد. (۲)

۳- نام غیر از الله را بشکل جدا از نام الله متعال ذکر کند صورتاً و معنأ، مثلاً: قبل از تسمیه و قبل از اینکه حیوان را بخواباند تا ذبح کند، یا بعد از ذبح، نام غیر از الله متعال را ذکر کند، در این صورت مشکل نیست. (۳)

دلیل حدیث شریف است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا : «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- أَمَرَ بِكَبْشِ أَقْرَنَ يَطَأُ فِي سَوَادٍ وَيَبْرُكُ فِي سَوَادٍ وَيَنْظُرُ فِي سَوَادٍ فَأَتَى بِهِ لِيُضْحِيَ بِهِ قَالَ: يَا عَائِشَةُ هَلْمِي الْمُدْيَةَ اشْحَذِيهَا بِحَجْرٍ. فَفَعَلْتُ ثُمَّ أَخَذَهَا وَأَخَذَ الْكَبْشَ فَأَضْجَعَهُ ثُمَّ ذَبَحَهُ ثُمَّ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ. ثُمَّ ضَحَى بِهِ.» (۴)

ترجمه: از عایشه رضي الله عنها روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم دستور داد؛ قوچ شاخ داری که پاها و شکم و اطراف چشمانش سیاه بود بیاورند تا قربانی کند، و (خطاب به عایشه) فرمود: کارد را بیاور، سپس فرمود: با سنگ آن را تیز کن، سپس آن را گرفت و به پهلو خواباند و ذبح کرد و فرمود: بنام خدا! خداوند از (طرف) محمد و آل محمد و امت محمد قبول کن، سپس آن را قربانی کرد.

**وجه استدلال از حدیث:** پیامبر صلی الله علیه بعد از ذبح، نام خود، اهل خود و امت خود را بکار برده است، این صراحت بجواز این کار دارد. (۵)

**ز - ذبح از مقدم گردن صورت گیرد:** یکی از شرایط ذبح شرعی حیوانات اینست که: ذبح آن از طرف پیش گلو در قسمتی که مری و شارگها قرار دارد، صورت گیرد. (۶)

۱- {البقره، آیه ۱۷۳}

۲- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۲ ص ۳۵۳.

۳- الهدایة: ج ۴ ص ۳۴۸.

۴- مسلم بن الحجاج بن مسلم، أبو الحسین القشیری النیسابوری، الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم، بیروت، الناشر: دار الجیل بیروت + دار الأفاق الجدیة: ج ۶ ص ۷۸ رقم الحدیث ۵۲۰۳.

۵- البیایة شرح الهدایة: ج ۱۱ ص ۵۴۷.

۶- عبد الرحمن بن محمد بن سلیمان الکلیبولی المدعو بشیخی زاده (الوفاة ۱۰۷۸هـ)، مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر، مکان النشر لبنان/ بیروت، الناشر: دار الکتب العلمیة، سنة النشر ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م: ج ۴ ص ۱۵۹.

### ۳- شرایط تسمیه:

دانشمندان اسلامی پیرامون تسمیه شرایط ذیل را ذکر کرده اند:

**الف - الله متعال تنها در ذبح ذکر گردد:** بشکلی که اسمی از اسماء الله متعال ذکر گردد، برابر است این اسم همراهی صفات الله متعال پیوسته باشد مانند: الله أعظم، یا پیوسته با صفات الله متعال نباشد مانند: الله، رحمن، یا ذکر شود اسم الله متعال به همراهی تسییح و تهلیل.<sup>(۱)</sup>

اگر ذکر کرد اسم الله متعال را همراهی دعاء مانند: اللهم اغفر لي (الهی مرا ببخش!)، در این صورت این ذبیحه حلال نیست.<sup>(۲)</sup>

و سنت است که ذبح کننده بگوید: بسم الله، الله أكبر.<sup>(۳)</sup>

**ب - ذبح کننده خودش تسمیه را در جریان ذبح بگوید:** پس اگر تسمیه را غیر از ذبح کننده بگوید، ذبیحه حلال نمیشود.<sup>(۴)</sup>

**ج - ذبح مستقیماً بعد از تسمیه شروع گردد بدون ایجاد فاصله و تبدیل کردن مجلس:** در صورتیکه تسمیه را گفت، سپس مشغول شد به خوردن یا نوشیدن، پس اگر این حالت طول بکشد حلال نیست، اگر دوباره تسمیه را در شروع ذبح تکرار کرد، حلال است. اندازه فاصله بین تسمیه و ذبح همان اندازه یی است که شخصی ناظری ذبح آن را زیاد بداند.<sup>(۵)</sup>

اما در ذبح اضطراری تسمیه باید در وقت انداختن تیر و ارسال آن گفته شود، نه در وقت اصابت آن.<sup>(۶)</sup>

---

۱- الشيخ نظام وجماعة من علماء الهند، الفتاوى الهندية في مذهب الإمام الأعظم أبي حنيفة النعمان، بيروت، الناشر: دار الفكر، سنة النشر ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۱م: ج ۵ ص ۲۸۶.

۲- محمود بن أحمد بن الصدر الشهيد النجاري برهان الدين مازة، المحيط البرهاني، بيروت، الناشر: دار إحياء التراث العربي، ب ط: ج ۵ ص ۶۵۲.

۳- الاختيار لتعليل المختار: ج ۵ ص ۱۲. أبو بكر بن علي بن محمد الحدادي العبادي اليمني الزبيدي، الحنفي (المتوفى: ۸۰۰هـ)، الجوهرة النيرة، الناشر: المطبعة الخيرية، الطبعة: الأولى، ۱۳۲۲هـ: ج ۵ ص ۲۵۹.

۴- كاساني، بدائع الصنائع: ج ۵ ص ۴۹.

۵- همان اثر، ج ۵ ص ۴۹.

۶- همان اثر، ج ۵ ص ۴۹.



بدلیل حدیث: عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ، إِنِّي أُرْسِلُ الْكِلَابَ الْمُعَلَّمَةَ، فَيُمَسِّكُنَّ عَلَيَّ، وَأَذْكُرُ اسْمَ اللهِ، فَقَالَ: «إِذَا أُرْسَلَتْ كَلْبُكَ الْمُعَلَّمُ وَذَكَرْتَ اسْمَ اللهِ، فَكُلْ».(۲)

ترجمه: از عدي بن حاتم رضی الله عنه روایت می کند که فرمود: گفتیم: یا رسول الله، من سگهای تربیت شده را به دنبال شکار می فرستم و بسم الله می گویم، آن سگها شکارم را برایم می گیرند. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر گاه سگ تربیت شده ات را ارسال کردی و بسم الله هم گفتی هر آنچه را که سگت برایت شکار می کند بخور.

**وجه استدلال از حدیث:** پیامبر صلی الله علیه و سلم وقت تسمیه را در حالت اضطرار، برای عدی میگوید، که همانا وقت ارسال است.(۳)

**د - هدف از ذکر تسمیه قصد ذبح حیوان باشد:** یکی از شرایط تسمیه اینست که: ذبح کننده وقتیکه تسمیه را ذکر میکند، نیت اش ذبح حیوان باشد، اما اگر هدف از ذکر تسمیه اش شروع و آغاز یک عمل دیگر باشد، این ذبیحه حلال نیست، مثل کسیکه در شروع نماز، الله اکبر بگوید و هدفش اجابت آذان باشد، نه شروع نماز، شروع نمازش با این الله اکبر درست نیست.(۴)

زیرا الله متعال دستور ذکر تسمیه را بالای حیوان ذبیحه داده است، اما در اینجا این امر صورت نگرفته است؛ بلکه: بر چیزی دیگر صورت گرفته است.(۵)

**ه - در ذکر تسمیه تعظیم الله متعال مراد باشد:** یکی از شرایط تسمیه اینست که: در ذکر تسمیه

---

۱- عَدِيُّ بْنُ حَاتِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعْدِ الطَّائِي، امیر، شریف، ابووهب و ابوشریف طائی، یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و سلم بود، پسری حاتم طائی است که به سخاوت شهرت دارد، در سنه ۷ هـ ق مسلمان شد، احادیث زیادی از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت کرده است، در سنه ۶۸ هـ ق به عمری ۱۲۰ سالگی وفات یافت. سیر اعلام النبلاء: ج ۵ ص ۱۵۹.

۲- صحیح المسلم: رقم الحدیث: ۱۹۲۹.

۳- بدائع الصنائع: ج ۵ ص ۴۹.

۴- الجوهرة النيرة: ج ۵ ص ۲۵۹.

۵- بدائع الصنائع: ج ۵ ص ۴۹.

باید تعظیم الله متعال هدف و مراد باشد، بشکل خالصانه و صادقانه.<sup>(۱)</sup>

## مطلب سوم: دلایل ذبح شرعی

دلایلی که ذبح شرعی را ثابت میکند، دو چیز است: ۱- قرآن کریم ۲- سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم، که قرار ذیل است:

## الف - دلایل قرآنی ذبح شرعی

در قرآن کریم چندین آیت است که دلایل ذبح شرعی را بیان میکند، که تعدادی از این آیات را ذکر میکنم:

الله متعال در مورد میفرماید: **{حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَالْحُمُّ الْخَنِزِيرُ وَمَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ}**<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: ای مؤمنان برای شما حرام قرار داده شده است خوردن حیوان مردار، خون، گوشت خوک، آنچه که در هنگام ذبح نام غیر از خداوند بدان برده شده یا بخاطر غیر از خداوند ذبح گردیده باشد، آنچه که توسط ریسمان و غیره خفه کرده شود، آنچه که به ضرب عصا یا سنگ جان داده باشد، آنچه که از کوه یا ناحیه بلند به زمین افتاده و مرده باشد، حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر بمیرد، حیوان که قسمتی از آن را درنده بخورد و به سبب آن جان بازد مگر حیوانی که قبل از مرگ آن را دریابید و به طریقه شرعی آن را ذبح کنید.<sup>(۳)</sup>

در جای دیگری الله متعال در مورد خوردن مذبوحه شرعی امر مینماید و از خوردن مذبوحه غیر شرعی منع کرده است، مگر در حالت اضطرار، طوری که میفرماید: **{فَكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ**

---

۱- عبد الرحمن بن محمد عوض الجزیری، الجزیری (المتوفی: ۱۳۶۰هـ)، الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت - لبنان، الناشر: دار الکتب العلمیة، عدد الأجزاء: ۵، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م، ج ۱ ص ۶۵۲.

۲- {المائدة، آیه ۳}

۳- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۳۷۵.

عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۱۸) وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُررْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ<sup>(۱)</sup>

ترجمه: آنچه را که ذبح می کنید و نام خدا را بدان می برید از آن بخورید، اگر مؤمنان راستین هستید. چه مانع وجود دارد، از آنچه که در هنگام ذبح نام الله را بدان برده اید و بدست خود ذبح کرده اید، بخورید؟ و حال آنکه خداوند حلال و حرام را برای شما بیان داشته و در آیه محرمات آنچه را بشما حرام گردانیده توضیح داده مگر در حالت درماندگی برای شما استفاده از محرمات را نیز مباح قرار داده است. بسیاری از کافران لجوج با تحریم حلال و تحلیل حرام مردم را گمراه می سازند و در این زمینه دلیلی ندارند جز پیروی از هواء و هوس، خداوند متجاوزین از حدود خدا را می داند که بدون دلیلی از قرآن و سنت به تحلیل و تحریم می پردازند.<sup>(۲)</sup>

همچنان الله متعال اشخاصی را که ذبیحه غیر شرعی را میخورد نافرمانی و فسق خوانده است، الله متعال میفرماید: {وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكُمْ لِيَجَادِلُواكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ} (۱۲۱)<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: ای مؤمنان آنچه بخاطر دیگران جز از خداوند ذبح گردیده یا در هنگام ذبح نام دیگران جز از خداوند بدان برده شده، از آن نخورید، همان حیوانی که بنام بتان ذبح می گردد، خوردن از گوشت آن خروج از حدود اطاعت خداوند به حساب می آید، شیطان صفتان مشرکان را که در راه ضلالت دوستان آنان اند، وسوسه می کنند، تا با حرف های باطل با مؤمنان به مجادله بپردازند و می گویند: عجباً آنچه را که خود ذبح می کنید می خورید و از آنچه که خداوند آن را کشته است نمی خورید، اگر در تحلیل حرام از مشرکان اطاعت کنید و در این زمینه با آنان مساعدت نمایید، شما همانند آنها خواهید بود.<sup>(۴)</sup>

**خلاصه:** خداوند متعال بندگان مؤمنش را به مقتضای ایمانشان فرمان می دهد که: اگر مؤمن هستند باید گوشت حلال چهارپایان و دیگر حیوانات را طبق ذبح شرعی بخورند، حیواناتی که هنگام

۱- {الأنعام، آیه ۱۱۸-۱۱۹}

۲- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۴۸۹.

۳- {الأنعام، آیه ۱۲۱}.

۴- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۴۸۹ - ۴۹۰.

سربریدن، نام الله بر آنها برده شده است. و به حلال بودن آن اعتقاد دارد. و نباید مانند اهل جاهلیت عمل کنند، که از جانب خودشان بسیاری از چیزهای حلال را حرام ساخته بودند، و این ناشی از گمراهی آنان بود و شیطان هایشان آنان را بدان سو سوق داده بودند.<sup>(۱)</sup>

## ب - دلایل سنت ذبح شرعی

همچنین در قسمت ذبح شرعی از پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز دلایل زیادی نقل شده است که نمونه های آن را ذکر می‌کنم:

عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا لَأَقْوَى الْعَدُوِّ غَدَاً، وَلَيْسَتْ مَعَنَا مُدَى، فَقَالَ: «اعْجَلْ، أَوْ أَرْنِ، مَا أَنْهَرَ الدَّمَ وَذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ فَكُلْ، لَيْسَ السِّنُّ وَالظُّفْرُ، وَسَأُحَدِّثُكَ: أَمَّا السِّنُّ فَعَظْمٌ، وَأَمَّا الظُّفْرُ فَمُدَى الْحَبْسَةِ». وَأَصَبْنَا نَهَبَ إِبِلٍ وَغَنَمٍ، فَتَدَّ مِنْهَا بَعِيرٌ فَرَمَاهُ رَجُلٌ بِسَهْمٍ فَحَبَسَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: «إِنَّ لِهَذِهِ الْإِبِلِ أَوْبِدَ كَأَوْبِدِ الْوَحْشِ، فَإِذَا غَلَبَكُمْ مِنْهَا شَيْءٌ فَافْعَلُوا بِهِ هَكَذَا».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از رافع بن خدیج رضی الله عنه روایت است: گفتیم ای رسول خدا! فردا با دشمن روبرو خواهیم شد، (و از آنان حیوان به غنیمت می‌گیریم) و کارد به همراه نداریم (چکار کنیم؟) پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «عجله کن یا با هر وسیله‌ای که خون را جاری کند، (آن را) ذبح کند، و (اگر) اسم خدا بر آن برده شد، بخور، به جز دندان و ناخن، و به شما خواهیم گفت: دندان، استخوان است، و ناخن چاقوی اهل حبشه»، یکی از صحابی می‌گوید: شتران و گوسفندانی را به غنیمت گرفتیم، شتری از آنها فرار کرد مردی آن را با تیر زد و گرفت، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «این شترها ترسی همانند ترس حیوانات وحشی دارند که از انسان فرار می‌کنند، پس هرگاه شتری از دست شما فرار کرد با آن اینطور (عمل) کنید.

**وجه استدلال از حدیث:** در این حدیث برخی از شروط ذبح شرعی تصریح گردیده است:

**الف - آلت ذبح:** ذبح به هر وسیله‌ای که خون را جاری می‌سازد درست است، غیر از دندان و ناخن.

۱- عبدالرحمن بن ناصر، السعدی، متوفای (۱۳۷۶ هـ ق . ۱۳۳۴ هـ ش)، تفسیر راستین ترجمه تیسیر الکریم الرحمن، ترجمه: محمد گل گمشاد زهی، ایران، انتشارات خاور، چاپ اول، ۱۳۹۱ هـ: ج ۳ ص ۱۱۷.

۲- صحیح البخاری: رقم ۵۵۰۹.

ب - دلیلی که چرا دندان و ناخن درست نیست در ذبح شرعی: دندان، استخوان است، و

ناخن چاقوی اهل حبشه.<sup>(۱)</sup>

ج - ذکر تسمیه در ذبح شرعی.

د: حکم حیوانی که فرار میکند، ذبح شرعی آن، عقر است.<sup>(۲)</sup>

همچنان حدیث دیگری است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: أَنَّ قَوْمًا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ، إِنَّ قَوْمًا يَأْتُونَنَا بِاللَّحْمِ لَا نَدْرِي أَذَكَرُوا اسْمَ اللهِ عَلَيْهِ أَمْ لَا، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : « سَمُّوا اللهُ عَلَيْهِ وَكُلُوهُ ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که گروهی از مردم، گفتند: یا رسول الله! بعضی برای ما، گوشت می آورند ولی ما نمی دانیم که هنگام ذبح کردن، بسم الله گفته اند یا خیر؟ (تکلیف ما چیست)؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: بسم الله بگویید و بخورید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث یکی از راههای ذبح شرعی را بیان کرده است که همانا: خوردن گوشت است که معلوم نیست ذبح کننده اش نام الله متعال را بکار برده است و یا خیر؟ باید در وقت خوردنش نام الله متعال ذکر گردد.<sup>(۴)</sup>

پس این دو حدیث نمونه بی از دلایل ذبح شرعی است.

---

۱- المبسوط: ج ۱۱ ص ۲۲۷.

۲- العناية شرح الهدایة: ج ۹ ص ۴۹۶.

۳- صحیح البخاری: برقم ۲۰۵۷.

۴- تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشیة الشلبی: ج ۵ ص ۲۹۳.

## مبحث دوم

### آله ذبح

این مبحث دارای دو مطلب اند:

مطلب اول: نوع آلاتی که ذبح توسط آن درست است

مطلب دوم: کشتن حیوان بدون بریدن رگ ها

## مطلب اول: نوع آلاتی که ذبح توسط آن درست است

فقهای اسلامی اتفاق دارند بر اینکه هر آنچه‌یکه خون را میریزاند و رگها را قطع میکند، برابر است از آهن باشد، یا از سنگ، یا از شاخه درخت و یا از شیشه، ذبح کردن با آنها درست است.<sup>(۱)</sup> اما اختلاف فقهاء در قسمت ذبح کردن توسط سه چیز است: ۱. دندان، ۲. ناخن، ۳. استخوان، که این اختلاف قرار ذیل است:

احناف و مالکیه جایز دانسته اند، ذبح کردن را به این سه چیز، اما شوافع و حنابلة منع کرده اند ذبح کردن با اینها را ولی در جزئیات هر مذهب دلیل خود را دارد.<sup>(۲)</sup>

۱. **احناف میگویند:** جایز است ذبح کردن به هر آنچه‌یکه رگها را قطع و خون را سیلان میدهد، اگر چند آتش هم باشد، یا پوست نئی، یا به مروه (سنگ سفید است مانند چاقو که توسط آن ذبح میشود)، یا ناخن، یا استخوان، یا شاخ، یا دندان که کشیده شده از جایش و در محلش قایم نیست، ولی با آن هم کراهیت در ناخن، استخوان، شاخ و دندان موجود است، بخاطریکه در این چهار ضرر بحیوان است، به شکل که ضرر می بیند حیوان به ذبح کردن توسط چاقوی کند.<sup>(۳)</sup>

**دلایل احناف:** اول: حدیث است که: پیامبر علیه الصلاة والسلام فرمود: «أَنْهَرُ الدَّمَ بِمَا شِئْتَ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: خون حیوان را جاری کن توسط هر چیزیکه میخواهی.

و در روایت دیگر آمده است: «أَفْرَأُ الْوَدَاجَ بِمَا شِئْتَ»<sup>(۵)</sup>

---

۱- محمد بن علی بن محمد الجصنی المعروف بعلاء الدین الحصکفی، الحنفی (المتوفی: ۱۰۸۸هـ)، الدر المختار شرح تنویر الأبصار وجامع البحار، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۳هـ-۲۰۰۲م: ج ۱ ص ۶۴۰.

۲- الفقه الاسلام وادلته: ج ۴ ص ۳۲۰.

۳- کمال الدین محمد بن عبد الواحد السیواسی المعروف بابن الهمام الحنفی، (المتوفی: ۸۶۱هـ)، تکملة فتح القدير، بیروت، الناشر: دار الفکر، ب ط: ج ۹ ص ۴۹۵. تبیین الحقائق: ج ۵ ص ۲۹۰. اللباب شرح الكتاب: ج ۳ ص ۲۲۷.

۴- سلیمان بن أحمد بن أبوب القاسم الطبرانی، المعجم الكبير، الموصل، الناشر: مكتبة العلوم والحكم، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳: ج ۴ ص ۲۷۳ رقم الحدیث ۴۳۹۵. این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی، صحیح وضعیف الجامع الصغیر، بیروت، دار الفکر، ب ط: ج ۱۰ ص ۲۳۱ رقم الحدیث ۴۲۸۴.

۵- بن أبي شيببة أبو بكر عبد الله بن محمد الكوفي، المصنف في الأحاديث والآثار (مصنف ابن أبي شيبة)، الرياض، الناشر: مكتبة الرشد، الطبعة الأولى، ۱۴۰۹: ج ۴ ص ۲۵۵ رقم الحدیث بالمعنى ۱۹۸۲۷. این حدیث غریب است طوریکه زیلعی میگوید نصب الرأیة: ج ۴ ص ۱۸۵.

ترجمه: قطع کن رگها را به وسیله هر چیزیکه می خواهی.

وجه استدلال از هردو حدیث: جواز ذبح است توسط هر وسیله که خون را جاری و رگها را قطع میکند.<sup>(۱)</sup>

دوم: مقصود از ذبح اخراج کردن خون است و اینها هم آله جارحه است، که خون را اخراج میکند، پس مقصود توسط اینها حاصل میگردد، بناءً استخوان و غیره در ذبح مانند: حکم ذبح توسط سنگ و آهن گرفت.<sup>(۲)</sup>

اما اگر ناخن یا استخوان در محلش قایم بود و کشیده نشده است، پس ذبح توسط شان حلال نیست، اگر چند قطع کند رگها را و بریزاند خون را به اتفاق احناف از جهت اذیت دیدن حیوان در این مورد.<sup>(۳)</sup>

سوم: استثنای دندان و ناخن در حدیث رافع بن خدیج رضی الله عنه محمول است بر دندان و استخوان که کشیده از جایش نشده است، زیرا؛ ناخن و مثل آن قتل میکند بشکل بسیار سخت که حتا فشار آورده میشود بالای حیوان.<sup>(۴)</sup>

ولی مکروه است ذبح توسط ناخن و مانندش، همچنان مکروه است ذبح کردن به غیر از آهن و سلاح بدون حاجت و ضرورت بخاطریکه بدون فایده تعذیب حیوان میشود، و هم از جهت امر به حدیث، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ، وَلِيُجِدَّ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ وَلِيُرْحَ ذَبِيحَتَهُ». <sup>(۵)</sup>

ترجمه: خداوند احسان و نیکو رفتار کردن با هر چیزی را واجب کرده است، هرگاه حیوانی را کشتید با بهترین شیوه آن را بکشید و هرگاه حیوانی را سر بریدید آن را با بهترین شیوه ذبح کنید، باید کارد را تیز کنید تا به آسانی سر حیوان بریده شود.

۱- تکملة فتح القدیر: ج ۹ ص ۴۹۶.

۲- البحر الرائق شرح کنز الدقائق: ج ۸ ص ۱۹۳.

۳- العناية شرح الهدایة: ج ۱۴ ص ۱۵۱.

۴- الهدایة شرح بدایة المبتدی: ج ۴ ص ۶۵.

۵- صحیح المسلم: برقم ۱۹۵۵.



**وجه استدلال از حدیث:** احسان در ذبح است تا حیوان تعذیب نگردد.<sup>(۱)</sup>

همچنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: لَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ تُمِيتَهَا مَوْتَاتٍ.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: تو می‌خواهی که آن حیوان را چندین بار از بین ببری.

**وجه استدلال از حدیث:** تعذیب بیشتر بمثابة چندین مرگ است، باید خود داری کرد، از همین جهت

با وسائل گند و غیر از آهن، در غیر از ضرورت نباید استفاده گردد.<sup>(۳)</sup>

**۲. مالکیه میگویند:** اگر موجود بود آله جارحه از قبیل آهن مانند: چاقو و غیره، ذبح همراهی او

باید صورت گیرد، اما اگر غیر از آهن موجود باشد مانند: سنگ، شیشه همراهی ناخن و دندان، در

صورت ذبح توسط دندان و ناخن از امام مالک چهار قول است:

**اول:** همراهی اینها مطلقاً جایز است، برابر است ناخن و دندان در جایش باشند و یا از جایش کشیده

اند.<sup>(۴)</sup>

**دوم:** مطلقاً منع است، پس حلال نمیشود حیوانیکه توسط اینها ذبح شده باشد.<sup>(۵)</sup>

**سوم:** جایز است که از محلش جدا باشد، و در صورت اتصال بمحلش منع است.<sup>(۶)</sup>

**چهارم:** ذبح توسط دندان مطلقاً مکروه است و توسط ناخن مطلقاً جایز است.<sup>(۷)</sup>

جایز است اگر موجود نبود غیر از دندان و ناخن به این دو ذبح کردن، و اگر تمام شد ذبح به یک

قطعه‌ی از استخوان تیز، پس در جوازش کدام خلاف نیست.<sup>(۸)</sup>

---

۱- المبسوط: ج ۷ ص ۴۰۰.

۲- سنن البیهقی الکبری: ج ۹ ص ۲۸۰ رقم الحدیث ۱۸۹۲۲. این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف الجامع الصغیر: ج ۱ ص ۹۳.

۳- العنایة شرح الهدایة: ج ۱۴ ص ۱۵۱.

۴- الشرح الکبیر: ج ۲ ص ۱۰۷. بدایة المجتهد: ج ۱ ص ۴۳. أبو القاسم محمد بن أحمد بن جزئی الکلبی الغرناطی، (المتوفی: ۷۴۱هـ)، القوانين الفقہیة، بیروت، دار الفکر: ص ۱۸۳.

۵- محمد بن عبد الله المالکی أبو عبد الله الخرشی، (المتوفی: ۱۱۰۱هـ)، شرح مختصر خلیل للخرشی، الناشر: دار الفکر للطباعة - بیروت: ج ۳ ص ۱۷.

۶- بدایة المجتهد: ج ۱ ص ۴۳.

۷- القوانين الفقہیة: ص ۱۸۳.

۸- بدایة المجتهد ونهایة المقتصد: ج ۱ ص ۴۳.

این اختلاف در اقوال ناشی از اختلاف در نصوص حدیث است، بناءً قول صحیح در این بخش از امام مالک مشخص نشده است.<sup>(۱)</sup>

۳. شوافع<sup>(۲)</sup> و حنابله<sup>(۳)</sup> میگویند: حلال است ذبح کردن به هر بُرنده بی که تیزی داشته باشد، که زخم و قطع، یا پاره کند وجود حیوان را توسط تیزی اش مانند: آهن، مس، طلا، چوپ، نئ، سنگ، شیشه و غیره مگر دندان و ناخن.

همچنان در نزد شافعیه: به سائر استخوان برابر است متصل باشد و یا منفصل، از آدم باشد و یا غیره درست نیست، زیرا؛ منع از ذبح با اینها بخاطری اینست که استخوان است، هر وسیله که از استخوان ساخته شده باشد، ذبح توسط اش درست نیست.<sup>(۴)</sup>

اما حنابله: اجازه داد است ذبح کردن را توسط استخوان بجز از دندان و ناخن.<sup>(۵)</sup>

زیرا استخوان داخل است در عمومی لفظ مباح سپس خاص استثناء شده است دندان و استخوان، پس سائر استخوان بر جواز ذبح توسط شان باقی ماند، و دلیل منطقی بهتر است از دلیل تعلیلی، لذا تعلیل کرد ناخن را که از چاقوی اهل حبشه است، همچنان مقصود ذبح است، در استخوانها ذبح حاصل میگردد، پس مشابهت پیدا کرد به سائری آله ذبح.<sup>(۶)</sup>

اما چاقوی کُند: اگر ذبح توسط این چاقو صورت گیرد، نزد شوافع درست است به دو شرط: اول:

---

۱- شرح مختصر خلیل للخرشي: ج ۸ ص ۴۲۷.

۲- أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي، (المتوفى: ۴۷۶هـ)، المهذب في فقه الإمام الشافعي، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية: ج ۱ ص ۴۵۷. زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى السنيكي، (المتوفى: ۹۲۶هـ)، الغرر البهية في شرح البهجة الوردية، الناشر: المطبعة الميمنية، ب ط: ج ۵ ص ۱۵۶. أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي، (المتوفى: ۶۷۶هـ)، منهاج الطالبين وعمدة المفتين في الفقه، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵هـ/ ۲۰۰۵م: ج ۱ ص ۳۱۸.

۳- موسى بن أحمد بن موسى بن سالم بن عيسى بن سالم الحجاوي، ثم الصالحي، شرف الدين، أبو النجا المقدسي، (المتوفى: ۹۶۸هـ)، الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل، بيروت - لبنان، الناشر: دار المعرفة: ج ۴ ص ۳۱۷. أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعلي المقدسي ثم دمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي، (المتوفى: ۶۲۰هـ)، الكافي في فقه الإمام أحمد، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۴ م: ج ۱ ص ۵۴۹.

۴- الحاوي في فقه الشافعي - الماوردي: ج ۱۵ ص ۴۹.

۵- منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس البهوتي الحنبلي، (المتوفى: ۱۰۵۱هـ)، كشاف القناع عن متن الإقناع، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، عدد الأجزاء: ۶: ج ۶ ص ۲۰۳.

۶- مغني المحتاج: ج ۴ ص ۲۷۲.

اینکه در قطع کردن نیاز به قوت ذبح کننده نباشد، دوم: اینکه قطع کند حلقوم و مری را پیش از پایان رسیدن حیوان از حرکت ذبح.<sup>(۱)</sup>

به این قول حنبله هم نزدیک است: اگر آله گند است، و قطع کردن حیوان را به تأخیر انداختن و تعذیب حیوان به درازا کشید، حلال نیست خوردنش زیرا؛ مشکوک است که حلال شده باشد.<sup>(۲)</sup>

**دلایل شوافع و حنبله:** اول حدیث است: **عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا نَرَجُو - أَوْ نَخَافُ - أَنْ نَلْقَى الْعَدُوَّ غَدًا وَلَيْسَ مَعَنَا مَدَى، فَقَالَ: «اعْجَلْ - أَوْ أَرْنِي - مَا أَنْهَرَ الدَّمَ، وَذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَكُلُوا لَيْسَ السِّنُّ، وَالظُّفْرُ، وَسَأَحْدِثُكُمْ عَنْ ذَلِكَ، أَمَّا السِّنُّ: فَعَظْمٌ، وَأَمَّا الظُّفْرُ: فَمُدَى الْحَبَشَةِ».**<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از رافع بن خدیج رضی الله عنه روایت است، گفتیم: ای رسول خدا! صلی الله علیه و سلم فردا با دشمن روبرو خواهیم شد، (و از آنان حیوان به غنیمت می گیریم) و کارد به همراه نداریم، (چکار کنیم؟) پیامبر - صلی الله علیه و سلم - فرمود: عجله کن یا با هر وسیله ای که خون را جاری کند، (حیوان را) ذبح کند، و (اگر) اسم خدا بر آن برده شد، بخورید، به جز دندان و ناخن، و به شما خواهیم گفت: دندان، استخوان است، و ناخن چاقوی اهل حبشه.

**وجه استدلال از حدیث:** پیامبر صلی الله علیه و سلم ذبح کردن را به هر وسیله درست دانسته است، جز دندان و ناخن.<sup>(۴)</sup>

**قول راجح:** اگر به دقت دیده شود قول راجح قولی احناف است، یعنی با دندان و ناخن ذبح کردن با کراهیت درست است که از جایش کشیده شده باشد، اما اگر در جایشان باشند درست نیست به چند دلیل:

۱- بخاطری این علت که مردم حبشه با دندان و ناخنی که از جایشان کشیده نشده بود، ذبح می کردند، پیامبر صلی الله علیه و سلم از آن منع کرد.<sup>(۵)</sup>

۱- روضة الطالبین: ج ۴ ص ۴۰.

۲- الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل: ج ۴ ص ۱۸.

۳- صحيح البخاري: برقم: ۵۵۰۳.

۴- بداية المجتهد: ج ۱ ص ۴۳.

۵- العناية شرح الهداية: ج ۹ ص ۴۹۵.

۲- در قول احناف اعتدال است، زیرا حسب نیاز در بخش ذبح برخی وقت از آن دو باید کار گرفت.<sup>(۱)</sup>

۳- و هم مقصود ریختن خون و قطع رگها است که توسط این دو حاصل میگردد، ولی از جهت تعذیب حیوان مکروه است.<sup>(۲)</sup>

۴- در حدیث آمده است: عَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ: أَنَّهُ كَانَتْ لَهُمْ عَنَمٌ تَزَعَى بِسَلْعٍ، فَأَبْصَرَتْ جَارِيَةً لَنَا بِشَاةٍ مِنْ عَنَمِنَا مَوْتًا، فَكَسَرَتْ حَجْرًا فَدَبَّحَتْهَا بِهِ، فَقَالَ لَهُمْ: لَا تَأْكُلُوا حَتَّى أَسْأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَوْ أُرْسِلَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ يَسْأَلُهُ، وَأَنَّهُ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذَلِكَ، أَوْ أُرْسِلَ، «فَأَمَرَهُ بِأَكْلِهَا».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: کعب بن مالک رضی الله عنه روایت می کند که: وی تعدادی گوسفند داشت که در منطقه سلع، مشغول چرا بودند. کنیزی، یکی از گوسفندان ما را در حال مردن، دید. سنگی را دو نیم کرد و بوسیله آن، گوسفند را ذبح نمود. کعب به مردم گفت: آنرا نخورید تا از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بپرسم یا کسی را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم بفرستم تا از ایشان بپرسد. سرانجام، کعب از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در این باره پرسید یا کسی را فرستاد تا بپرسد. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - دستور داد تا آن را بخورند. **وجه استدلال از حدیث:** وقتی که توسط سنگ ذبح صورت گرفته میتواند، دندان و ناخن بطریق اولی صورت گرفته میتواند، ولی منع شده است، که کشیده نشده باشد.<sup>(۴)</sup>

## مطلب دوم : کشتن حیوان بدون بریدن رگ ها

علماء اتفاق دارند بر اینکه در ذبح وقتیکه: ودجان، مری و حلقوم قطع گردید، خوردن آن مذبوحه حلال است، اختلاف در قطع برخی رگها و باقی ماندن برخی دیگر آن است:

۱- ابوحنیفه رحمه الله میگوید: واجب است قطع کردن اکثریت این چهار (دو شاهرگ، مری

---

۱- أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني، (المتوفى: ۸۵۵هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ۱۴۲۷ هـ: ج ۱۹ ص ۳۸۵.

۲- البناية شرح الهداية: ج ۱۱ ص ۵۵۸.

۳- صحيح البخاري: رقم الحديث: ۲۳۰۴.

۴- القاري، علي بن سلطان محمد، شرح الوقاية، بيروت، دار الفكر، ب ط: ج ۵ ص ۲۱۹.

و حلقوم) یعنی حتماً سه آنها قطع گردد، پس اگر ذبح کننده قطع نکرد یکی از آنها را ذبیحه حلال است.<sup>(۱)</sup>

بدلیل حدیث که: «أفرا الأوداج بما شئت».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: قطع کن رگها را به وسیله هر چیزیکه میخواهی.

وجه استدلال از حدیث: اوداج اسم جمع است، اقل جمع سه است.<sup>(۳)</sup>

۲- ابویوسف؛ رحمه الله هم موافق است با ابوحنیفه رحمه الله ولی با این تفاوت: لازم است تا قطع گردد حلقوم، مری و یکی از دو شاهرگ؛ زیرا؛ هر کدام رگ ها مقصود است در قطع کردن که به قطع دیگر حاصل نمیشود، بخاطریکه: حلقوم: مجرای تنفس است و مری: مجرای غذا است و ودجین: مجرای خون.<sup>(۴)</sup>

۳- امام محمد<sup>۱</sup> رحمه الله میگوید: ذبح درست نیست تا وقتیکه قطع نگردیده است اکثریتی از هر کدام این چهارتا، زیرا؛ وقتیکه قطع گردید اکثریت هرکدامش، مقصود خروج خون است حاصل میگردد.<sup>(۵)</sup>

**قول راجح:** قول ابوحنیفه رحمه الله است. بدلائل ذیل:

۱- اکثر حکم همه را دارد در قواعد و اصول.

---

۱- ابن عابدین، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي (المتوفى: ۱۲۵۲هـ)، رد المحتار على الدر المختار، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۲م: ج ۵ ص ۲۰۷.

۲- بن أبي شيبه أبو بكر عبد الله بن محمد الكوفي، المصنف في الأحاديث والآثار (مصنف ابن أبي شيبة)، الرياض، الناشر: مكتبة الرشد، الطبعة الأولى، ۱۴۰۹: ج ۴ ص ۲۵۵ رقم الحديث بالمعنى ۱۹۸۲۷. ابن حدیث غریب است طوریکه زبلی میگوید نصب الرایة: ج ۴ ص ۱۸۵.

۳- رد المحتار على الدر المختار: ج ۵ ص ۲۰۷.

۴- یعقوب بن ابراهیم بن حبیب بن حُنَيس بن سعد بن حَبَّه، مشهور به أبو يوسف القاضي، یکی از شاگردان بزرگ و مطرح امام ابوحنیفه رحمه الله است، در زمان خلافت های المهدي، والهادي، والرشيدي منصب قضاء را پیش برده است، وفات کرد در بغداد روز پنجشنبه به سن ۸۶ سالگی در سال ۱۸۱هـ ق. ابن فُطْلُوْبِغَا، أبو الفداء زين الدين أبو العدل قاسم بن فُطْلُوْبِغَا السوداني الجمالي الحنفي (المتوفى: ۸۷۹هـ)، تاج التراجم، دمشق، الناشر: دار القلم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۲م: ج ۱ ص ۳۱۵).

۵- الاختيار لتعليل المختار: ج ۵ ص ۱۳.

۶- محمد بن الحسن بن فرقد الشيبان، اصلش از دمشق است و فقه را از ابوحنیفه سپس از ابویوسف گرفته است، او مشهور به ناشر علم ابوحنیفه است و کتاب های زیاد نوشته است از جمله: کتابهای ظاهر الروایه، در سرزمین ری وفات یافت در سال ۱۸۹ هـ ق به عمر ۸۵ سالگی. تاج التراجم: ج ۱ ص ۲۳۸.

۷- الفقه الاسلام و ادلته: ج ۴ ص ۲۹۹.

۲- مقصود ریختن خون است که حاصل می‌گردد.

۳- وهم مقصود کشیدن روح حیوان است که با قطع اکثریت رگها حاصل میشود، زیرا حیات

حیوان باقی نمی‌ماند بعد از قطع حلقوم، مری و یکی از شاه‌رگ.<sup>(۱)</sup>

---

۱- الاختیار لتعلیل المختار: ج ۵ ص ۱۳.

## مبحث سوم

### تسمیه گفتن هنگام ذبح

این مبحث دارای پنج مطلب اند:

مطلب اول: دلیل از آیات قرآنی

مطلب دوم: دلیل از احادیث نبوی

مطلب سوم: حکم ذبیحه اهل کتاب

مطلب چهارم: حکم ذبیحه ماتریالیست ها و دهریانی که خود را مسیحی می دانند

مطلب پنجم: ذبح شخص نامعلوم

## مطلب اول : دلیل از آیات قرآنی

دلایل زیادی در قرآن کریم ذکر گردیده است که در وقت ذبح باید نام الله متعال ذکر گردد، از جمله: الله متعال به خوردن آن ذبیحه پی که ذکر نامش در وقت ذبح صورت گرفته است دستور میدهد: **{فَكُلُوا مِمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ}** (۱)

ترجمه: آنچه را که ذبح می کنید و نام خدا را بدان می برید از آن بخورید، اگر مؤمنان راستین هستید. (۲)

همچنان در قسمت حلال شدن حیوانی که سگ های تعلیمی آن را شکار میکنند، دستور میدهد که در وقت خوردن آن نام الله متعال را بکار ببرید، یعنی اگر حیوان زنده بود با نام الله متعال ذبح صورت گیرد و اگر از بین رفته است در جریان شکار سگ، باید در وقت خوردن، نام الله متعال ذکر گردد، الله متعال میفرماید: **{يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ}** (۳)

ترجمه: از تو ای محمد سوال می کنند که از خوردنیها کدام چیزها برای آنها حلال گردانیده شده؟ به آنها بگو: چیزهای که پلید نباشند و پاکیزه هستند برای شما حلال گردانیده شده است و چیزهای پلید نظیر خوارپشت و موش ها و امثال آن بشما حرام گردانیده شده است و جانوران شکاری همانند سگ ها و امثال آن که آموزش داده اید شکار آنها برای شما حلال است، آموزش داده اید برای سگ ها شکار را. آنها را روش شکار و چگونگی حصول پرنده را تعلیم داده اید. این جانوران که شکار را نگهدارند و از آن تناول نمی کنند، آن را بخورید و اگر تناول کردند آن را مخورید، در حین ارسال نام خداوند را بر وی بخوانید، خداوند را مراقب اعمال خویشان بدانید که او تعالی بندگان را به زودی کیفر می دهد. (۴)

الله متعال در جای دیگری میفرماید: **{وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنَ**

۱- {الأنعام، آیه ۱۱۸}

۲- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۴۸۹.

۳- {المائدة، آیه ۴}

۴- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۳۷۶ - ۳۷۷.



بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ }<sup>(۱)</sup>

ترجمه: ما برای ملت‌های پیشین از عهد ابراهیم علیه السلام مکانی را برای ذبح و قربانی قرار داده ایم، بدانان دستور دادیم که به هنگام ذبح نام خدا را ببرید و بخاطر تقرب به او تعالی، قربانی کنید بخاطر سپاسگذاری از چهارپایان که خداوند نصیب شما کرده است، همانند شتر، گاو و گوسفند، ای مردم پروردگار شما، خدای یگانه است، فقط او را پرستش کنید و فرمانبردار حکم او باشید و بندگان متواضع را به بهشت مژده بده.<sup>(۲)</sup>

همچنان الله متعال میفرماید: { وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ }<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و شتر فربه را - شتر را بخاطر تنومندی و بزرگیش بدن گویند - از نشانه های دین خدا قرار داده ایم، در آن نفع دنیا و پاداش اخروی شما است و به هنگام ذبح در حالی که ایستاده اند و پای و دست شان را جفت هم کردند، نام خدا را بر آنها ببرید، پس وقتی که نقش بر زمین شدند، کنایه از مرگ است، از گوشت حیوانات قربانی بخورید و به فقیر غیر سائل و فقیر سائل بخورانید، بدینگونه این حیوان را که دارای بدنه قوی است برای شما تسخیر کردیم تا سپاس نعمت های خداوند را بجا آورید.<sup>(۴)</sup>

الله متعال آن حیواناتی را که ذکر تسمیه بالای صورت نگرفته است، حرام خوانده است، طوری که میفرماید: { حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ }<sup>(۵)</sup>

ترجمه: ای مؤمنان برای شما حرام قرار داده شده است خوردن حیوان مردار، خون، گوشت خوک، آنچه که در هنگام ذبح نام غیر از خداوند بدان برده شده یا بخاطر غیر از خداوند ذبح گردیده باشد،

۱- {الحج، آیه ۳۴} صفة التفاسیر، ج ۲ ص ۵۲۵.

۱- {الحج، آیه ۳۶}

۲- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۲ ص ۵۲۵.

۳- {الحج، آیه ۳۶}

۴- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۲ ص ۵۲۵ - ۵۲۶.

۵- {المائدة، آیه ۳}

آنچه که توسط ریسمان و غیره خفه کرده شود، آنچه که به ضرب عصا یا سنگ جان داده باشد، آنچه که از کوه یا ناحیه بلند به زمین افتاده و مرده باشد، حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر بمیرد، حیوان که قسمتی از آن را درنده بخورد و به سبب آن جان بازد مگر حیوانی که قبل از مرگ آن را دریابید و به طریقه شرعی آن را ذبح کنید.<sup>۱</sup>

همچنان الله متعال منع کرده است از خوردن حیوانات که اسم الله در وقت ذبح اش بکار نرفته است، و آنرا فسق خوانده است، طوری که میفرماید: **{وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ}**<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ای مؤمنان آنچه بخاطر دیگران جز از خداوند ذبح گردیده یا در هنگام ذبح نام دیگران جز از خداوند بدان برده شده، از آن نخورید، همان حیوانی که بنام بتان ذبح می گردد، خوردن از گوشت آن خروج از حدود اطاعت خداوند به حساب می آید.<sup>(۳)</sup>

همچنان الله متعال میفرماید: **{وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرَّتْ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ}**<sup>(۴)</sup>

ترجمه: به زعم خودشان - گفتند: اینها چهارپایان و کشتزار (های) ممنوع است، که جز کسی که ما می خواهیم نباید از آن بخورد، و چهارپایانی است که (سوار شدن بر) پشت آنها حرام شده است. و چهارپایانی (داشتند) که هنگام ذبح نام خدا را بر آن نمی بردند. بر خدا دروغ می بندند، و به زودی آنها را به خاطر دروغی که می بندند مجازات خواهد کرد.

این همه آیات با اسلوب های مختلفه دلالت میکند بر اینکه، ذکر اسم الله متعال از مهمترین عناصری است که برای مسلمان خوردن گوشت حیوان را حلال میسازد، قرآن در این مورد به یک و یا دو آیه اکتفاء نکرده است، بلکه تسمیه را یک شرط قرار داده است در هر ذبیحه و شکار و قربانی، و

۱- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۳۷۵.

۲- {الأنعام، آیه ۱۲۱}

۳- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۴۸۹.

۴- {الأنعام، آیه ۱۳۸}

اشخاصیکه انکار میکند از حکم تسمیه، افتراء کرده است بر الله متعال.<sup>(۱)</sup>

**خلاصه:** این همه آیات دلیل و بیانگر اهمیت ذکر تسمیه در وقت ذبح میباشد. ذکر تسمیه برای حلال شدن ذبیحه در آیات زیادی از قرآن تاکید و شرط شده است.<sup>(۲)</sup>

### مطلب دوم: دلایل از احادیث نبوی

در قسمت ذکر تسمیه در وقت ذبح احادیث زیاد وجود دارد که از آن جمله میتوان این احادیث را منحیث دلیل نام برد:

۱- حدیث رافع بن خدیج که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «ما أنهر الدم وذكر اسم الله عليه فكلوا ما لم يكن سنا أو ظفرا».<sup>(۳)</sup>  
ترجمه: با هر وسیله ای که خون را جاری کند، (آن را) ذبح کند، و (اگر) اسم الله بر آن برده شد، بخورید، به جز دندان و ناخن.

**وجه استدلال از حدیث:** ذبح شرعی حیوان وابسته به ذکر تسمیه است.<sup>(۴)</sup>

۲- عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أُرْسِلُ الْكِلَابَ الْمُعَلَّمَةَ، فَيُمْسِكُنَّ عَلَيَّ، وَأَذْكَرُ اسْمَ اللَّهِ، فَقَالَ: «إِذَا أُرْسِلَتْ كَلْبُكَ الْمُعَلَّمُ وَذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ، فَكُلْ مَا أَمْسَكَ عَلَيْكَ...».<sup>(۵)</sup>  
ترجمه: از عدي بن حاتم رضي الله عنه روایت می کند که فرمود: گفتم: یا رسول الله، من سگهای تربیت شده را به دنبال شکار می فرستم و بسم الله می گویم، آن سگها شکارم را برایم می گیرند. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر گاه سگ تربیت شده ات را فرستادی و بسم الله هم گفתי هر آنچه را که سگت برایت شکار می کند بخور.

**وجه استدلال از حدیث:** ذکر تسمیه در هنگام انداختن تیر بطرف حیوان، تا ذبیحه حلال گردد.<sup>(۶)</sup>

۱- مجلة مجمع الفقه الإسلامي، وهي مجلة معروفة تصدر عن مجمع الفقه الإسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الإسلامي، المجلد: اربعون، : جزء ۲ ص ۱۹۶۴۴.

۲- مجلة مجمع الفقه الإسلامي: جزء ۲ ص ۱۹۶۴۵.

۳- صحيح البخاري: برقم: ۵۵۰۳.

۴- عمده القاری شرح صحيح البخاری: ج ۷ ص ۲۳۴.

۵- صحيح البخاري: رقم الحديث ۵۱۶۹.

۶- البحر الرائق شرح كنز الدقائق: ج ۸ ص ۲۵۲.

۳- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ (۱) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: « أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَقِيَ زَيْدَ بْنَ عَمْرٍو بْنَ نُفَيْلٍ (۲) بِأَسْفَلِ بَلَدِ حِمْيَرَ قَبْلَ أَنْ يَنْزَلَ عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - الْوَحْيُ، فَقَدِمَتْ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - سَفْرَةٌ، فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا، ثُمَّ قَالَ زَيْدٌ: إِنِّي لَسْتُ أَكُلُ مِمَّا تَدْبُحُونَ عَلَى أَنْصَابِكُمْ، وَلَا أَكُلُ إِلَّا مَا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَأَنَّ زَيْدَ بْنَ عَمْرٍو كَانَ يَعِيبُ عَلَى قُرَيْشٍ ذَبَائِحَهُمْ، وَيَقُولُ: الشَّاةُ خَلَقَهَا اللَّهُ، وَأَنْزَلَ لَهَا مِنَ السَّمَاءِ الْمَاءَ، وَأَنْبَتَ لَهَا مِنَ الْأَرْضِ، ثُمَّ تَدْبُحُونَهَا عَلَى غَيْرِ اسْمِ اللَّهِ، إِنْكَارًا لِذَلِكَ، وَإِعْظَامًا لَهُ. (۳)

ترجمه: عبدالله بن عمر رضي الله عنهما مي گوید: قبل از اينکه بر نبي اکرم صلی الله عليه وسلم وحی نازل شود، با زيد بن عمرو بن نفيل در قسمت پايين «بلاخ» ملاقات کرد. سپس، سفره غذايي براي رسول الله صلی الله عليه وسلم آوردند. پيامبر صلی الله عليه وسلم از خوردن آن، امتناع ورزید. زيد گفت: من هم از آنچه شما براي بت هايتان ذبح مي کنيد، نمي خورم و فقط گوشتي را مي خورم که نام خدا بر آن، گرفته شده باشد. راوي مي گوید: زيد بن عمرو بر ذبيحه هاي قریش، عيب مي گرفت، کار آنان را زشت و گناهي بزرگ مي دانست و مي گفت: گوسفند را خدا آفريده است و از آسمان برایش آب نازل کرده است و از زمين برایش، گياه رويانیده است. آنگاه، شما آنرا بنام غير خدا، ذبح مي کنيد.

**وجه استدلال از حدیث:** اهميت تسميه در ذبح که حتا رسول الله صلی الله عليه و سلم قبل از بعثت آنرا مورد توجه قرار میداد. (۴)

۴- عَنْ جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ (۵) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ النَّحْرِ، ثُمَّ حَطَبَ، ثُمَّ ذَبَحَ وَقَالَ: «مَنْ ذَبَحَ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ فَلْيَذْبَحْ أُخْرَى مَكَانَهَا، وَمَنْ لَمْ

۱- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ بْنِ نُفَيْلِ الْعَدَوِيِّ، پسرى أمير المؤمنين عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ، محدث، امام و قدوه و شيخ الاسلام بود، در خوردی اسلام آورد، احاديث زيادی روايت کرده است، و در مکه بتاريخ: ۷۴ هـ به عمرى ۸۴ سالگى وفات يافت. سيرالعلام النبلاء: ج ۵ ص ۱۹۹.

۲- زَيْدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلِ ابْنِ عَبْدِ الْعَزْزَى بْنِ رِيَّاحِ بْنِ قُرْطِ بْنِ رَزَّاحِ بْنِ عَدِيِّ بْنِ كَعْبِ بْنِ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبِ، پدر سعيد بن زيد که يکى از عشره مبشره بود. سيرالعلام النبلاء: ج ۱ ص ۱۰۰.

۳- صحيح البخاري: برقم ۳۸۲۶.

۴- أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، (المتوفى: ۸۵۲هـ)، فتح الباري، بيروت، الناشر: دار الفكر (مصور عن الطبعة السلفية)، ب ط: ج ۷ ص ۱۴۲.

۵- جُنْدُبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَفْيَانَ الْبَجَلِيِّ، امام، ابو عبدالله بجلى، يکى از ياران مشهورى پيامبر صلی الله عليه و سلم بود، احاديث زيادی روايت کرده است، در سنه ۷۰ هـ وفات يافته است. سيرالعلام النبلاء: ج ۵ ص ۱۶۹.

يَذْبَحُ فَلْيَذْبَحْ بِاسْمِ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از جندب بن عبد الله البجلي رضی الله عنه می فرماید: رسول الله صلی الله علیه و سلم روز عید قربان نماز عید را خواند سپس خطبه ی عید را ایراد فرمودند، سپس قربانی را انجام داد و فرمود: هر کس قبل از خواندن نماز عید قربانی کرده است گوسفند دیگری را قربانی کند، و هر کس هنوز قربانی نکرده است با گفتن باسم الله بر گوسفند آن را قربانی کند.

**وجه استدلال از حدیث:** ذبح قربانی با ذکر تسمیه مشروع است.<sup>(۲)</sup>

این همه احادیث دلالت میکنند بر تاکید و تمرکز روی ذکر تسمیه در وقت ذبح، در حالیکه یکی از این آیات و احادیث برای اینکه تسمیه شرط است کفایت میکند، ولی شارع اکتفاء نکرد به ذکر یک آیت و یا حدیث، بلکه به تکرار پیهم و با اسلوب های مختلف ذکر کرد، این همه اهمیت بیشتر و بیشتری تسمیه را نشان میدهد، و هم شرط قطعی است برای حلال شدن ذبح شرعی در حیوان.<sup>(۳)</sup>

### **مطلب سوم : حکم ذبیحه اهل کتاب**

از حیث مبدأ به اتفاق فقهای اسلامی ذبیحه اهل کتاب، جایز است، بدلیل که الله متعال میفرماید:

{وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلْلٌ لَهُمْ}<sup>(۴)</sup>

ترجمه: و ذبایح اهل کتاب برای شما مؤمنان حلال است، و ذبایح شما برای آنان حلال است.

وقتی حلال و جایز است که در شریعت شان حلال و حرام را اعتقاد داشته باشند، مانند: گوشت خنزیر، و اگر معلوم گردید که آنها نام الله را بکار نبرده است و یا ذبیحه برای کنیسه و اعیاد شان است جایز نیست، اگر چند عقیده تحریم را هم داشته باشند.<sup>(۵)</sup>

۱- صحیح البخاری: رقم: ۵۰۰۰.

۲- سلیمان بن محمد اللهمیدی، إیقاظ الأفهام شرح عمدة الأحكام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۶هـ: ج ۳ ص ۵۷.

۳- مجلة مجمع الفقه الإسلامی: جزء ۲ ص ۱۹۶۴۵.

۴- {المائدة، آیه ۵}

۵- بدایة المجتهد: ج ۱ ص ۴۳۶. الشرح الكبير لابن قدامة حنبلی: ج ۱۱ ص ۶۲. البحر الرائق شرح كنز الدقائق: ج ۸ ص ۱۹۱. التاج والإكليل لمختصر خليل: ج ۴ ص ۲۶۰.

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما میگوید: «إنما أحلت ذبائح اليهود والنصارى لأنهم آمنوا بالتوراة والإنجيل»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: ذبیحه یهودی و مسیحی وقتی حلال است که آنها ایمان به تورات و انجیل داشته باشند.  
امام مالک رحمه الله میگوید: آن ذبیحه های که برایشان حرام است، برای ما مکروه است، مانند: شتر و چربوی خالص.<sup>(۲)</sup>

طوریکه الله متعال در مورد میفرماید: { وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمًا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالنَّعَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَعْضِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ }<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و تنها بر یهودان حیوانات ناخن دار را حرام کرده بودیم، بر آنان خوردن چربی های گاو و گوسفند را حرام کردیم مگر چربیهای که بر پشت آنان قرار دارد یا بروده ها چسپیده یا آمیزه استخوان انداین تحریم را به سبب ظلم و تجاوز شان بر آنها مقرر داشتیم که پیامبران را به ناحق می کشتند، سود می خوردند و اموال مردم را با شیوه باطل حلال گردانیده و همچنان کذب یهود را به اثبات می رساند.<sup>۴</sup>

ولی جمهور علماء اجازه داده اند، زیرا سکوت شده است در شریعت ما، پس بر اصل اباحت باقی ماند.<sup>(۵)</sup>

اما وقتی دانسته شد، که ذبح کننده اهل کتاب بر ذبیحه اش غیر از اسم الله را گرفته است، به

---

۱- سنن البيهقي الكبرى: ج ۹ ص ۲۸۲ رقم: ۱۸۹۳۷. امام دارقطنی این حدیث را ضعیف خوانده است. نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، (المتوفى ۸۰۷ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت، طبعة دار الفكر، طبعة ۱۴۱۲ هـ، الموافق ۱۹۹۲ میلادی: ج ۴ ص ۴۴ رقم الحدیث ۶۰۵۴.

۲- التاج والإكليل لمختصر خليل: ج ۴ ص ۲۴۶.

۳- {الانعام، آیه ۱۴۶}

۴- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۵۰۲.

۵- الاختيار لتعليل المختار: ج ۵ ص ۱۱. صالح عبد السميع الابی الأزهری، ، الثمر الدانی فی تقریب المعانی شرح رسالة ابن أبی زید القيرواني، بيروت لبنان، الناشر: المكتبة الثقافية: ج ۱ ص ۴۰۶. الأم: ج ۲ ص ۲۴۳. أبو المنذر محمود بن محمد بن مصطفى بن عبد اللطيف المنياوي، التحرير شرح الدليل (شرح دليل الطالب)، مصر، الناشر: المكتبة الشاملة، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م: ج ۱ ص ۴۳. الفقه الاسلام و ادلته: ج ۴ ص ۲۹۵.

شکلیکه: مسیحی به اسم مسیح، یهودی به اسم عزیر ذبح کردند. جمهور فقهاء بر عدم حلال بودن آن گوشت حکم میکنند.<sup>(۱)</sup>

**دلایل جمهور قرار ذیل اند:**

الله متعال میفرماید: **{وَمَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ}**<sup>(۲)</sup>

ترجمه: و آنچه را که در هنگام سربریدن نام غیر خداوند بدان برده شده است که خوردن گوشت آن به بدن و عقیده انسان ضرر دارد.<sup>(۳)</sup>

در آیت دیگر چنین آمده است: **{وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ}**<sup>(۴)</sup>

ترجمه: ای مؤمنان آنچه بخاطر دیگران جز از خداوند ذبح گردیده یا در هنگام ذبح نام دیگران جز از خداوند بدان برده شده، از آن نخورید، همان حیوانی که بنام بتان ذبح می گردد، خوردن از گوشت آن خروج از حدود اطاعت خداوند به حساب می آید.<sup>(۵)</sup>

**مالکيه ميگویند:** ذبایح اهل کتاب ولو که بنام مسیح و عزیر هم ذبح گردیده باشد، مکروه است، اما حرام نیست.<sup>(۶)</sup>

دلایل مالکيه:

اول: بدلیل عموم آیت: **{وَطَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلٌّ لَكُمْ}**<sup>(۷)</sup>

ترجمه: و ذبایح اهل کتاب برای شما حلال است.

دوم: الله متعال میدانست که اینها بر ذبیحه های شان چنین میگویند، و هم تسمیه شان بر الله حقیقت

---

۱- مغنی المحتاج: ج ۳ ص ۱۸۷. البحر الرائق شرح كنز الدقائق: ج ۸ ص ۱۹۱. مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر: ج ۱ ص ۴۸۳. شرح الوقاية: ج ۵ ص ۳۱۲. تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق: ج ۵ ص ۲۸۷. الحاوي في فقه الشافعي - الماوردي: ج ۱ ص ۹۳.

۲- {المائدة، آیه ۵}

۳- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۲ ص ۳۵۳.

۴- {الانعام، آیه ۱۲۱}

۵- ترجمه فارسی صفة التفسیر، ج ۱ ص ۴۸۹.

۶- مغنی المحتاج: ج ۳ ص ۱۸۷.

۷- {المائدة، آیه ۵}

است نه بر طریقه عبادت، پس گفتن و نگفتن آنها یکسان است.<sup>(۱)</sup>

امام عطاء<sup>(۲)</sup> گفته است: از ذبیحه نصرانی خورده شود حتماً اگر بهنگام ذبح بنام مسیح هم بگوید، چون خداوند ذبیحه شان را مباح کرده است و خداوند می داند که چه می گویند.<sup>(۳)</sup>

و قاسم بن المخیمره<sup>(۴)</sup> گفته است: بخور از گوشت ذبیحه او حتی اگر بهنگام ذبح بگوید بنام سرجس (نام کلیسایی بوده است)، امام زهری<sup>(۵)</sup>، ربیعہ<sup>(۶)</sup>، شعبی<sup>(۷)</sup> و مکحول<sup>(۸)</sup> نیز بر این قولند. و از دو نفر صحابی یعنی ابوالدرداء<sup>۹</sup> و عبادہ بن الصامت<sup>۱۰</sup> نیز روایت شده است.<sup>(۱۱)</sup>

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی قول جمهور فقهاء است، بنابر چند دلیل:

۱- اهل کتاب مانند مسلمان است در ذبح، و قتیکه مسلمان به غیر از الله متعال ذبح کند، حرام

- 
- ۱- خلیل بن إسحاق، المَلِکِ، منج الجلیل شرح مختصر خلیل، بیروت، دارالفکر، ب ط: ج ۵ ص ۸۹.
  - ۲- عطاء بن أبي رباح، امام، شیخ الاسلام، مفتی حرم، أبو مُحَمَّدِ الْقُرَشِيِّ است، یکی از تابعین مشهور و بزرگوار است، از صحابه احادیث زیاد روایت کرده است، به سیدالمسلمین در زمانش مشهور بود، در سنه ۱۱۴ هـ وفات یافت. سیر اعلام النبلاء: ج ۹ ص ۹۷.
  - ۳- أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی دمشقی، (۷۰۰- ۷۷۴ هـ)، تفسیر القرآن العظیم، الناشر: دار طیبة للنشر والتوزیع، الطبعة: الثانية ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹ م: ج ۳ ص ۴۲.
  - ۴- قاسم بن مُحَمَّدِ الْهَمْدَانِيِّ، امام، قدوه، حَافِظُ، أَبُو عَزْوَةَ الْهَمْدَانِيُّ، از دمشق بود، از جمله متوسطین در روایت حدیث است، در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز در دمشق وفات یافت. سیر اعلام النبلاء: ج ۹ ص ۲۳۴.
  - ۵- الزُّهْرِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، امام، نشانه، حَافِظُ زَمَانِهِ، أَبُو بَكْرِ الْقُرَشِيُّ، الزُّهْرِيُّ، الْمَدَنِيُّ، از شام است، احادیث زیاد روایت کرده است، و فقیه مشهور تابعین است، در سنه ۱۲۳ هـ به عمر ۷۲ سالگی وفات یافت. سیر اعلام النبلاء: ج ۹ ص ۳۲۷.
  - ۶- رَبِيعَةُ الرَّائِي بْنِ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ فَرُّوخِ النَّيْمِيِّ، امام، مفتی مدینه، عالم وقت، فقیه مشهور، از علماء و مجتهدین تابعین است، احادیث زیاد روایت کرده است، سیر اعلام النبلاء: ج ۱۱ ص ۱۱۶.
  - ۷- الشَّعْبِيُّ عَامِرُ بْنُ شَرَّاحِيلَ بْنِ عَبْدِ بْنِ ذِي كَبَارٍ، امام و علامه عصر در زمانش بود، از فقهاء مشهور تابعین است، صحاح سته از او روایت کرده اند، بعد از صدم هجری وفات یافت. سیر اعلام النبلاء: ج ۷ ص ۳۲۹.
  - ۸- مَكْحُولُ بْنُ الْفَضْلِ أَبُو مُطِيعِ النَّسْفِيِّ، امام، حافظ، فقیه، رحال، أَبُو مُطِيعِ النَّسْفِيِّ، صَاحِبُ كِتَابِ (الْوَلَدِيَّاتِ) فِي الزُّهْدِ وَالْآدَابِ مِيَابَشِد، از جمله: تابعین است، احادیث هم روایت کرده است. سیر اعلام النبلاء: ج ۲۹ ص ۲۹.
  - ۹- أَبُو الدَّرْدَاءِ عُوَيْمِرُ بْنُ زَيْدِ بْنِ قَيْسِ الْأَنْصَارِيِّ، امام و قدوه و قاضی دمشق و صحابه مشهور رسول الله صلی الله علیه و سلم بود، مشهور به حکیم امت و سیدالقراء در دمشق بود، از پیامبر چندین احادیث روایت کرده است، در ۳۲ هـ ق وفات یافته است. سیر اعلام النبلاء: ج ۳ ص ۲۹۴.
  - ۱۰- عبادة بن الصامت بن قيس بن أصرم بن فهر الأنصاري الخزرجي، أبو الوليد المدني، یکی از صحابه های رسول الله صلی الله علیه و سلم است، یکی از اشتراک کننده های بیعت عقبه است، به زهد و تقواء شهرت داشت در ۳۴ هجری وفات یافت. سیر اعلام النبلاء: ج ۳ ص ۱.
  - ۱۱- ترجمه فارسی فقه السنه: ج ۶ ص ۳۰۹.



است، اهل کتاب بطریق اولی حرام است.<sup>(۱)</sup>

۲- الله متعال در هیچ جای قرآن، اهل کتاب را مستثناء نکرده است، که در صورت ذبح به

غیر از الله متعال انجام دهند، باز هم ذبیحه شان حلال است.<sup>(۲)</sup>

اما امروزه آن ها چندان به دستورات دینی خود توجهی ندارند و عملاً مرتد شده اند. لذا کوشش شود از ذبیحه ی آن ها استفاده نشود؛ مگر آن هایی که به شیوه ی شرعی ذبح میکنند.<sup>(۳)</sup>

### مطلب چهارم: حکم ذبیحه ماتریالیست ها و دهریانی ها که خود را مسیحی می دانند

شرط در حلال بودن ذبایح اهل کتاب اینست که: شخص ذبح کننده بر دین مسیحیت و یا یهودیت باشد، اعتقاد به مبادی اساسی دین شان داشته باشد، اگرچند این مبادی مخالف اسلام باشد، مثل عقیده تثلیث و کفاره، ایمان داشتن به تورات و انجیل تحریف شده، زیرا؛ الله متعال مسمی کرده است اینها را به اهل کتاب در حالیکه اینها این عقائد باطله را داشتن در وقت نزول قرآن هم، طوریکه به صراحت در قرآن کریم گفته شده است: **{ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرُ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ }**<sup>(۴)</sup>

ترجمه: یهودیان عزیر را پسر خدا گفتند و بخداوند بی نیاز و یکتا فرزند را نسبت دادند، نصارا مسیح را پسر خدا پنداشتند، این سخن زشت را فقط به زبان می گویند و دلیلی بر صحت آن ندارند، با این سخن زشت به گفتار مشرکان پیشین مشابعت می جویند خداوند آنان را نابود کند چگونه از حق با وجود روشنی آن به باطل می گروند تا آنجا که بخدا فرزند قایل می شوند.<sup>(۵)</sup>

همچنان الله متعال میفرماید: **{ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثٌ ثَلَاثَةٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ }**<sup>(۶)</sup>

ترجمه: بیگمان کسانی کافر اند که می گویند خداوند یکی از سه خدا است، در حال که جز معبودی

۱- البحر الرائق شرح كنز الدقائق: ج ۸ ص ۱۹۱.

۲- العناية شرح الهداية: ج ۴ ص ۱۳۴.

۳- دکتر خالد بن عبدالرحمن جریسی، ترجمه ی کتاب فتاوی علماء البلد الحرام، پشاور، مکتبه رشیدییه، چاپ دوم: ج ۳ ص ۳۵۸.

۴- {التوبة، آیه ۳۰}

۵- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۲ ص ۹۲.

۶- {المائدة، آیه ۷۳}

یگانه وجود ندارد و اگر از قول تثلیث باز نگردند، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت آنها را فرا خواهد گرفت.<sup>(۱)</sup>

در جای دیگری الله متعال میفرماید: {يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ} <sup>(۲)</sup>

ترجمه: آنها تورات را تأویل ناجایز و تحریف کردند و سخنان را که گفته خداوند نبود به او تعالی بستند.<sup>(۳)</sup>

جصاص<sup>(۴)</sup> رحمه الله میگوید: یکی از عاملین عمر بن خطاب رضی الله عنه برایش نوشت که مردم سامره (قریه در عراق) تورات را میخوانند و روز شنبه را تجلیل میکنند ولی به بعث (برانگیخته شدن بعد از مرگ) ایمان ندارند، پس آنها را چی میبینی؟ عمر رضی الله عنه در پاسخش نوشت: که آنها طایفه از اهل کتاب هستند.<sup>(۵)</sup>

پس ثابت گردید که شرط نیست که شخصی اهل کتاب ایمان به توحید خالص داشته باشد مثل عقیده مسلمانان، و هم ثابت گردید که شرط نیست که شخص اهل کتاب ایمان به تحریف تورات و انجیل موجود داشته باشد، و هم ثابت گردید که شرط نیست که شخص اهل کتاب ایمان به نسخ دین موسی و دین عیسی علیهما الصلاة والسلام داشته باشد، بلکه کفایت میکند که ایمان داشته باشند به عقائد اساسی که یهود و نصاری ایمان دارند، تا تفکیک گردد از ملت های ادیان دیگر. ولی کفایت نمیکند و اعتبار ندارد آن شخص که اسمش مانند اسم اهل کتاب باشد، و هم کفایت نمیکند اعتبار دادن شخص را از اهل کتاب که اشتراک در روزهای رسمی عبادت مسیحی ها و یهودیها در کلیساها و کنیسه ها میکند، بلکه باید عقیده اش مانند عقیده ی آنها باشند.<sup>(۶)</sup>

۱- ترجمه فارسی صفوة التفسیر، ج ۱ ص ۴۱۴.

۲- {المائدة، آیه ۱۳}

۳- ترجمه فارسی صفوة التفسیر، ج ۱ ص ۳۸۲.

۴- أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر، یکی از مفسرین قرآن و صاحب تفسیر احکام القرآن است، امام، حافظ، علامه، ناقد، از شهریار نیساپور بود، و روایات زیادی دارد، به عمری ۵۰ و چند سالگی در منطقه طابران بتاریخی ۳۱۵ هـ ق وفات یافت (سیر اعلام النبلاء: ج ۲۹ ص ۲۲۷).

۵- أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر، أحكام القرآن، للجصاص، بیروت، دار إحياء التراث العربي - بیروت، ۱۴۰۵ هـ ق: ج ۲ ص ۳۲۳.

۶- مجلة مجمع الفقه الإسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۶۵.

در زمان ما ظاهر شده است مخصوصاً در شهرهای غرب که بسیاری از مردم نامهای شان مانند نامهای مسیحی هستند، و حتی در تذکره های شان مسیحی نوشته میکنند، در حالیکه آنها ماتریالیست و دهریانی هستند، ایمان بوجود خالق این کائنات ندارند، بر علاوه از عقائد، استهزاء میکنند تمام ادیان را، پس اینها و مثل اینها پیرو دین مسیحی نیستند ولو که ادعا هم بکنند، پس جایز نیست اعتبار اهل کتاب به آنها داده شود. و معلوم گردید که ذبیحه آنها درست نیست.<sup>(۱)</sup>

دلیل بر این دیدگاه واضح است و آن عبارت است از اینکه: اهل کتاب تفکیک میشوند از سایر کفار به برکت عقیده شان، بوجود الله متعال و هم به ایمان داشتن شان به پیامبران و کتابهای آسمانی، پس کسیکه عقیده بوجود الله متعال و ارسال پیامبران و نزول کتابهای آسمانی نداشته باشند، از اهل کتاب محسوب نمیگردد.<sup>(۲)</sup>

از علی بن ابی طالب رضی الله عنه مثل این حکم در نصاری بنی تغلب نقل شده است.<sup>(۳)</sup> طوریکه محمد بن سیرین<sup>(۴)</sup> از عبیده<sup>(۵)</sup> روایت دارد که فرمود: سألت علیاً عن ذبائح نصاری بنی تغلب فقال: «لَا تَأْكُلُوا ذَبَائِحَ نَصَارَى بَنِي تَغْلِبَ فَإِنَّهُمْ لَمْ يَتَمَسَّكُوا مِنْ دِينِهِمْ إِلَّا بِشَرْبِ الْخَمْرِ».<sup>(۶)</sup> ترجمه: سؤال کردم علی رضی الله عنه را از ذبیحه های نصاری بنی تغلب؟ پس گفت: حلال نیست ذبایح شان، بخاطریکه آنها به دین نصاری تعلق ندارند مگر فقط در نوشیدن شراب.

به این معنی که آنها به تورات و انجیل، و هم به عقائد اساسی نصاری ایمان ندارند، از همین جهت

---

۱- مجلة مجمع الفقه الإسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۶۶.

۲- مجلة مجمع الفقه الإسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۶۶.

۳- محمد ناصر الدین الألبانی، الإیمان، عمان، الأردن، الناشر: المكتب الإسلامي، الخامسة، ۱۴۱۶هـ/۱۹۹۶م: ج ۲ ص ۶۳.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ سَيْرِينَ أَبُو بَكْرٍ الْأَنْصَارِيُّ، امام، شيخ الاسلام، مولاى انس بن مالك رضى الله عنه، در ۲۱ هـ تولد گردید، احادیث زیادی روایت کرده است، از تابعین مشهور و با ۳۰ تن صحابی ملاقات کرده است، شخص عالم، ادیب، حلیم، فقیه، متقی و عدیل بود، در ۱۱۰ هـ ق وفات یافت. (سیر اعلام النبلاء: ج ۸ ص ۱۹۶).

۵- عبيد بن عمرو السلماني المُرَادِيُّ الكُوفِيُّ، فقيه، امام و یکی از اعلام زمانش بود، یکی از یاران عبدالله بن مسعود بود و فتوا میداد، و هم در حدیث شخص متفق بود، در مدحش روایات زیادی از شاگردان و اعلام زمانش وجود دارد، در ۷۲ هـ ق وفات یافته است. سیر اعلام النبلاء: ج ۷ ص ۴۵.

۶- الطحاوي، أبو جعفر، بيان مشكل الآثار - الطحاوي، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت، دارالفكر، ب ط: ج ۱۵ ص ۱۵۱. این روایت صحیح است. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، (المتوفى: ۸۵۲هـ)، تغليق التعليق على صحيح البخاري، الأردن، الناشر: المكتب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۵هـ: ج ۴ ص ۵۱۱.

آنها از جمله بی اهل کتاب محسوب نمی گردند بمجرد نسبت دادن شان به اهل کتاب.<sup>(۱)</sup>

ولی این حکم را در شخصی میتوان گفت که: ایمان به الله، پیامبران، کتابهای آسمانی ندارد، اما اگر اشخاص که اسم و عقاید شان مانند مسیحیان است، در آنصورت درست که از مسیحی محسوب گردد، تا عقیده شان مانند ماتریالیست نباشد.<sup>(۲)</sup>

### مطلب پنجم: ذبح شخص نامعلوم

وقتیکه شخص ذبح کننده و طریقه ذبحش نامعلوم بود، این کار از احوال ذیل خالی نیست:

۱- وقتیکه شهری مسلمان باشد، به این معنا که اغلباً مسلمانها زندگی میکنند، پس آنچه در این شهر از گوشت یافت؛ میگردد خوردنش حلال است خوردنش، هر چندی که ذبح کننده اش را نشناسیم و هم نفهمیم که تسمیه بالای ذبیحه ذکر گردیده است و یاخیر؛ زیرا: چیزیکه در شهرهای اسلامی یافت می گردد، معمولاً موافق اسلام است، و هم ما مأمور هستیم بر مسلمانان به گمان نیک بنگریم.<sup>(۳)</sup>

اصل و قاعده در اینجا حدیث عائشة رضي الله عنها است: أن قوماً قالوا للنبي صلى الله عليه وسلم: إن قوماً يأتوننا بلحم لا ندري أذكر اسم الله عليه أم لا، فقال: «سموا عليه أنتم وكلوه». <sup>(۴)</sup>

ترجمه: قومی به رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتند: مردمی برایمان میآورد گوشت را و ما نمیدانیم که اسم الله متعال بالایاش ذکر شده است و یاخیر؟ پیامبر فرمود: تسمیه بگوید شما و بعداً بخورید.

**وجه استدلال از حدیث:** رسول الله صلی الله علیه و سلم برای مردم اجازه خوردن ذبیحه را داد که مسلمانان آورده است.<sup>(۵)</sup>

۱- أحكام القرآن، للجصاص: ج ۲ ص ۳۲۳.

۲- مجلة مجمع الفقه الإسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۶۶

۳- محمد بن صالح بن محمد العثيمين، (المتوفى: ۱۴۲۱هـ)، أحكام الأضحية والذكاة، الناشر: دار الثقة للنشر والتوزيع، مكة المكرمة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ م: ص ۱۸۳.

۴- صحيح البخاري: رقم الحديث: ۵۵۰۷.

۵- أحكام الأضحية والذكاة: ص ۱۸۳.

حافظ ابن حجر<sup>(۱)</sup> در شرح این حدیث میگوید: اما تسمیه بر ذبح که متولی بالای آن غیر از اینها هستند، پس تکلیف بالای اینها نیست، وقتی بر غیر صحت حمل میگردد که ثابت شود که ذبح درست نشده است، و هم احتمال دارد که تسمیه بی شما حالا مباح میسازد خوردن آن گوشتی را که شما نمیدانید که اسم الله متعال بالایش ذکر شده است و یاخیر؟ وقتیکه ذبح کننده از کسانی باشد که ذبیحه اش درست است. و از این حدیث فهمیده میشود که هر آنچه در شهرهای مسلمان یافت میشود معمول بر صحت آن است، همچنان آنچه را ذبح میکند اعراب مسلمان، زیرا؛ غالباً آنها تسمیه را میشناسند و میدانند.<sup>(۲)</sup>

۲- اگر در صورتیکه اغلب شهر کفار است غیر از اهل کتاب، پس گوشتی که در شهر برای فروش معروض است، برای مسلمان حلال نیست، تا وقتیکه برای مسلمانان آشکار شود به یقین، یا غالب گمان که این گوشت ذبیحه مسلمان و یا اهل کتاب است و به طریقه مشروع ذبح شده است؛ این موضوع بشکل ظاهر واضح است.<sup>(۳)</sup>

۳- همچنان این حکم است وقتیکه اهالی شهر مختلط باشد از مسلمان، بت پرست و آتش پرست حلال نیست زیرا؛ در چیزیکه شک واقع گردد حلال نمیشود تا وقتیکه واضح نشده است که حلال است.

دلیل بر این حدیث عدی بن حاتم رضی الله عنه است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود:

«وإن وجدت مع كلبك كلباً غيره وقد قتل فلا تأكل فإنه لا تدري أيهما قتله».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: و اگر با سگی خود، سگ دیگری را دیدی و شکار مرده بود، پس نخور، چرا که تو نمی دانی کدام یک آن را کشته است.

---

۱- أحمد بن علي بن محمد بن محمد بن علي بن محمد بن أحمد العسقلاني حافظ الوقت العلامة شيخ الإسلام شهاب الدين أبو الفضل ابن القاضي نور الدين المعروف بابن حجر المصري الشافعي، پدرش یکی از تجاران مشهور در زمانش بود، در طفولیت یتیم گردید، یکی از علماء جرح و تعدیل بود، صاحب تألیف های زیاد است از جمله: فتح الباری شرح صحیح البخاری که از اهمیت خاص در شروع بخاری برخوردار است، در مصر متولد شده است و در سنه ۷۷۳ هـ وفات یافته است. محمد بن أحمد بن علي، تقي الدين، أبو الطيب المكي الحسني الفاسي (المتوفى : ۸۳۲هـ)، ذیل التقييد في رواية السنن والأسانيد، لبنان، الناشر : دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰هـ/۱۹۹۰م: ج ۱ ص ۳۱.

۲- ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت، الناشر : دار المعرفة ، ۱۳۷۹هـ: ج ۹ ص ۶۳۵ - ۶۳۶.

۳- محمد تقي العثماني، أحكام الذبائح واللحوم المستوردة، پاکستان، پشاور، المكتبة القریشیة، ۱۴۳۷هـ: ص ۱۲.

۴- صحیح البخاری: برقم: ۵۴۸۴.

وجه استدلال از حدیث: نداشتن معلومات است، در قسمت شکارکننده، پس حرام است خوردنش، اینجا هم در قسمت ذبح کننده، حرام است.<sup>(۱)</sup>

۴- اما اگر غالب اهل شهر از اهل کتاب بود، پس اصل و قاعده در آن حکم شهر مسلمان را دارد، بخاطریکه اهل کتاب حکم شان در ذبیحه حکم مسلمان را دارد، لکن وقتی معلوم شد به یقین، یا غالب گمان که اهل کتاب این شهر ذبح نمیکنند حیوان را بطریقی مشروع، در اینصورت حلال نیست خوردن گوشتش تا معلوم شود که این گوشت بطریق مشروع ذبح شده است، این حالت معمولاً امروزه در شهرهای غربی است.<sup>(۲)</sup>

---

۱- أحكام الذبائح واللحوم المستوردة: ص ۱۳.

۲- مجلة مجمع الفقه الإسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۶۷

## مبحث چهارم

حکم گوشت های حیواناتی که از حرام تغذیه می شوند

این مبحث دارای سه مطلب اند:

مطلب اول: تغذیه حیوان از نجاست

مطلب دوم: اختلاف انمه مذاهب اسلامی در رابطه به مدت حبس حیوان نجاست خور

مطلب سوم: حکم حیواناتی وطی شده توسط انسان و حیوانات که از مدفوع انسان تغذیه شده است

## مطلب اول : تغذیه حیوان از نجاست

در قسمت تغذیه حیوانات از نجاست، فقهای کرام حیوانات را بدوبخش تقسیم کرده است.

اول: حیواناتی که گوشتش خورده میشود.

دوم: حیواناتی که گوشتش خورده نمیشود.

حیواناتی که گوشتش خورده نمیشود، برایش جایز است که بخاطر تغذیه اش نجاست داده شود، مانند: گربه، سگ و امثالش؛ زیرا: سگ و امثال اش نجس است و با تغذیه با نجس باز هم نجس است، کدام مشکل پیش نیاید، بخاطریکه: گوشتش خورده نمیشود ولی از وی انتفاع گرفته میشود، و این قول عامه فقهاء است در قسمت حیوانیکه گوشتش خورده نمیشود.<sup>(۱)</sup>

اما تغذیه حیواناتی که گوشتش حلال است از نجاست مانند: گوسفند و شتر، فقهاء در این بخش اختلاف دارند:

**قول اول:** جمهور فقهاء به همراهی وجوب حبس آن جواز داده اند و قتیکه اکثریت علفش مملو از نجاست باشد، تا گوشتش پیش از ذبحش پاک شود، و این جواز برای هردو است، یعنی حیواناتی که گوشتش خورده میشود و یا نمیشود.<sup>(۲)</sup>

بدلیل حدیث عبدالله بن عمر رضي الله عنهما: «أَنَّ النَّاسَ نَزَلُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَرْضَ ثَمُودَ، أَلْجَرَّ، فَاسْتَقَوْا مِنْ بَنْرِهَا، وَاعْتَجَبُوا بِهِ فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنْ يُهْرِيقُوا مَا اسْتَقَوْا مِنْ بَنْرِهَا، وَأَنْ يَعْلِفُوا الْإِبِلَ الْعَجِينَ وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَسْتَقُوا مِنَ الْبَنْرِ الَّتِي كَانَ تَرْدُهَا النَّاقَةُ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: مردم با پیغمبر صلی الله علیه وسلم به سرزمین قوم ثمود به نام حجر<sup>۴</sup> وارد شدند و از

۱- علاء الدین ابی بکر بن مسعود الکاسانی الحنفی الملقب بملك العلماء (المتوفی: ۵۸۷ هـ ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، پاکستان، الناشر المكتبة الحبيبية کانسئی رود حاجی غیبی چوک کونته، (الطبعة الاولى) ۱۴۰۹ هـ ۱۹۸۹ م، ج ۱ ص ۷۸

۲- البحر الرائق شرح كنز الدقائق: ج ۸ ص ۲۰۷. الجوهرة النيرة: ج ۵ ص ۲۷۹. حاشية على الدر المختار شرح تنوير الابصار: ج ۵ ص ۶۵۵.

۳- صحيح البخاري: برقم: ۳۱۹۹.

۴- حجر همان سرزمین قوم ثمود، قوم صالح اند طبرسی گوید: علت این تسمیه آنست که نام شهرشان حجر بود و گفته اند نام دره ای بود که در آن ساکن بودند. بنظر نگارنده قول راغب قوی تر است زیرا حجر محلی محصور از سنگهاست و چون آنها از کوهها خانه



چاهی که ثمود از آن آب می نوشیدند آب نوشیدند و با آن خمیر پختند، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - دستور داد آبی را که از چاه برداشته اند به دور ریزند و خمیرهایی که با آن پخته شده به شترها بدهند، و دستور داد که از چاهی که شتر صالح از آن آب می خورد، آب را بردارند.

**وجه استدلال از این حدیث:** پیامبر صلی الله علیه وسلم امر کرد که غذا دهد شتر را از خمیر، در حالیکه آن خمیر بدلیل مخلوط شدنش با آب نجس خوردنش حرام است، پس به آن هر غذای نجس و پلید، قیاس میشود، و قتیکه تغذیه کردن حیوانی که گوشتش خورده میشود با اشیایی نجس جایز است، جواز حیواناتی که گوشتش خورده نمیشود بطریق اولی جایز است.<sup>(۱)</sup>

**قول دوم:** مذهب احمد بن حنبل رحمه الله است: تغذیه حیواناتی که گوشتش حلال اند از نجاست جایز است.<sup>(۲)</sup>

**دلیل مذهب احمد بن حنبل:** حیواناتی تغذیه شده از نجاست را به گربه قیاس میکند، طوری که گربه از نجاسات تغذیه میگردد، ولی باز هم پس خورده اش پاک است.<sup>(۳)</sup>

**قول سوم:** مذهب شوافع است: حیواناتی حلال گوشت که توسط نجاست تغذیه شود و قتیکه نجاست خالص و معین باشد مکروه است، اما اگر با آب و غیره مخلوط شده بود جایز میباشد.<sup>(۴)</sup>

**دلیل مذهب شوافع:** حدیث است: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْجَلَالَةِ أَنْ يُؤْكَلَ لَحْمُهَا، وَيُشْرَبَ لَبَنُهَا، وَلَا يُحْمَلَ عَلَيْهَا الْأَدْمُ وَلَا يَرْكَبَهَا النَّاسُ حَتَّى تُعْلَفَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً».<sup>(۵)</sup>

ترجمه: منع کرد رسول الله صلی الله علیه و سلم از گوشت حیوان جلاله (تغذیه شده به نجاست)، از نوشیدن شیرش، از حمل کردن بالای آن چیزی را، و از سوار شدن مردم بالایش تا و قتیکه چهل

---

میتراشیدند، و خانه هایشان محصور از سنگها بوده اصحاب حجر خوانده شدند یعنی مردمیکه در محل محاط از سنگ زندگی میکردند. قاموس قرآن: ج ۱ ص ۴۵۴.

۱- الفروع لابن مفلح: ج ۶ ص ۲۷۲.

۲- عَلِيٌّ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ الْمُرْدَاوِيِّ الْحَنْبَلِيِّ، الفروع لابن مفلح، پشاور، الناشر: مكتبة القریشیة، الطَّبَعَةُ الْأُولَى: ج ۶ ص ۲۷۲.

۳- الشرح الكبير: ج ۱ ص ۳۱۳.

۴- محیی الدین، النووي، المجموع، بیروت، دارالفکر، الطبعه الثالثه، ۱۹۹۴م: ج ۹ ص ۲۷.

۵- أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني المعروف بابن البيهقي النيسابوري، (المتوفى: ۴۰۵هـ)، المستدرک علی الصحیحین، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعه: الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰: ج ۲ ص ۴۶ رقم الحدیث ۲۲۶۹. این حدیث صحیح است. الإرواء الغلیل رقم الحدیث ۲۵۰۳.

روز علف پاک بخورد.

**وجه استدلال از حدیث:** منع پیامبر صلی الله علیه و سلم است از استفاده کردن حیوان جلاله، البته این منع کراهیت است، بخاطریکه توسط حبس پاک میشود.<sup>(۱)</sup>

**قول چهارم:** روایت دیگری از احمد رحمه الله: جایز است تغذیه اش به نجاست، وقتیکه ذبح نمیشود.<sup>(۲)</sup>

**قول پنجم:** قول دیگری احمد رحمه الله است: مطلقاً جایز نیست.<sup>(۳)</sup>

**قول راجح:** قول جمهور فقهاء است، به چند دلیل:

- ۱- موافق نصوص حدیث است.
- ۲- و هم در مدت حبس که سه روز برای مرغان، چهار روز برای گوسفند، ده روز برای شتر و گاو است، پاک میشود.
- ۳- در صورتیکه حرام فرض شود، مشکل بزرگ رخ میدهد، زیرا نگاه کردن حیوان از اینکه نجاسات را نخورد سخت و دشوار است.
- ۴- اعتدال در نظر گرفته شده است.
- ۵- دلایلی که شوافع و حنابله گفته اند، اینجا هم همخوانی دارد، زیرا: دلایل اشاره به حبس دارد که باحبس پاک میگردد.<sup>(۴)</sup>

## **مطلب دوم : اختلاف ائمه مذاهب اسلامی در رابطه به مدت حبس حیوان نجاست خور**

گوشت حیوانی که جلاله شده است، نزد احناف حیوانی جلاله آنست: حیوان حلال گوشتی که بدنبال مدفوع بگردد و آنرا بخورد، مانند شتر و گاو و گوسفند و بز و مرغ و غاز و امثال آنها که آنقدر بخورند تا بویشان تغییر کند. اگر آن حیوان را مدتی از خوردن مدفوع و نجاسات دور نگه دارند و خوراک پاک به آن دهند، در نتیجه گوشت آن، پاک می گردد و نام جلاله از آن برداشته میشود،

۱- أسنی المطالب فی شرح روض الطالب: ج ۱ ص ۵۶۸.

۲- الفروع لابن مفلح: ج ۶ ص ۲۷۲ . عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسی أبو محمد، المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی، بیروت، دارالفکر، الطبعة الأولى، ۱۴۰۵هـ:ق: ج ۹ ص ۳۴۱.

۳- الفروع لابن مفلح: ج ۶ ص ۲۷۲.

۴- البحر الرائق شرح کنز الدقائق: ج ۸ ص ۲۰۷.

آن وقت گوشت و شیری شان، حلال می گردد، زیرا علت نهی از آن، تغییر بود که بوسیله خوراک ناپاک، در آنها پدید آمده بود و حالا که آن علت برطرف شده است حکم نیز بر طرف می شود. و نزد غیر از احناف: جلاله حیوانیکه اکثریت طعمش نجاست باشد، علماء در خوردن گوشت این حیوان اختلاف کرده اند، نزد مذهب مالکیه مباح است.<sup>(۱)</sup>

اما امام مالک<sup>(۲)</sup> و احمد در روایتی<sup>(۳)</sup> و احناف<sup>(۴)</sup> و شوافع<sup>(۵)</sup> خوردنش را مکروه میدانند.

و حنابله حرام میدانند.<sup>(۶)</sup>

حالا در قسمت پاک شدن گوشت حیوان جلاله، حیوان باید حبس گردد که در قسمت حبس بین علماء اختلاف نظر است:

احناف میگویند: حیوان جلاله حبس گردد تا بوی گوشتش از بین برود، که اندازه کرده است این حبس را در سه روز برای مرغان، چهار روز برای گوسفند، ده روز برای شتر و گاو بنا بر ظاهر روایت. ولی اگر حیوان جلاله به اندازه یی که گوشتش بوی و تعفن نکرده است نجاست را خورد، بدون حبس حلال است، زیرا: گوشتش تغییر نکرده، و به آنچه که تغذیه شده است، مستهلک گردیده و اثر آن باقی نمانده است.<sup>(۷)</sup>

دلایل احناف: اول: احادیث است: ۱- عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّهُ كَانَ يَحْبِسُ الدَّجَاجَةَ ثَلَاثَةً إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْكَلَ بَيْضَهَا.<sup>(۸)</sup>

۱- ترجمه فارسی فقه السنه: ج ۱ ص ۹۶. بدایة المجتهد: ج ۱ ص ۴۵۱.

۲- أبو الحسن علي بن سعيد الرجراجي، (المتوفى: بعد ۶۳۳هـ)، مَنَاهِجُ النَّحْوِيِّ وَنَتَائِجُ لَطَائِفِ التَّأْوِيلِ فِي شَرْحِ الْمَدُونَةِ وَحَلِّ مُشْكَلَاتِهَا، الناشر: دار ابن حزم، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م: ج ۳ ص ۲۱۴.

۳- عبد السلام بن عبد الله بن الخضر بن محمد، ابن تيمية الحراني، أبو البركات، مجد الدين (المتوفى: ۶۵۲هـ)، المحرر في الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل، الناشر: مكتبة المعارف- الرياض، الطبعة: الثانية ۱۴۰۴ هـ - ۱۹۸۴ م: ج ۲ ص ۱۸۹.

۴- الدر المختار: ج ۵ ص ۲۳۹.

۵- مغني المحتاج: ج ۴ ص ۳۰۴.

۶- المغني: ج ۸ ص ۵۹۳.

۷- تبیین الحقائق: ج ۱ ص ۱۰.

۸- أبو بكر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري اليماني الصنعائي، (المتوفى: ۲۱۱هـ)، المصنف، الناشر: المجلس العلمي- الهند، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۳ هـ: ج ۴ ص ۵۲۲. حديث حسن است. شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي، (المتوفى: ۷۴۸هـ)، تنقيح التحقيق في أحاديث التعليق، الناشر: دار الوطن - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م: ج ۲ ص ۲۹۸.

ترجمه: از عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که حبس می کرد مرغان را سه روز، وقتیکه میخواست تخمش را بخورد.

**وجه استدلال از حدیث:** در این حدیث واضح شد که حبس مرغ به مدت سه روز است.<sup>(۱)</sup>

۲- حدیث ابن عمر رضی الله عنهما: **تعلف الجلالة علفاً طاهراً: إن كانت ناقة أربعين يوماً، وإن كانت شاة سبعة أيام، وإن كانت دجاجة ثلاثة أيام.**<sup>(۲)</sup>

ترجمه: علف پاک داده شود حیوانی جلاله را: اگر شتر باشد چهل روز، گوسفند هفت روز، مرغان سه روز.

**وجه استدلال از حدیث:** حبس شود و علف پاک داده شود، شتر را چهل روز، گوسفند هفت روز، مرغان سه روز.<sup>(۳)</sup>

شوافع میگویند: مکروه است خوردن حیوان جلاله: و جلاله نزد آنها عبارت است از حیوانیکه اکثر غذایش مواد فاضلات (غائطه) باشد، و این حیوان عبارت است از شتر، گوسفند، گاو، خروس و مرغان.<sup>(۴)</sup>

ولی خوردنش حرام نیست، زیرا: نیست به اندازه پی که گوشتش را تغییر دهد و این تقاضای تحریم را نمیکند، پس اگر طعام و علف پاک داد حیوان جلاله را، در آنصورت مکروه نیست خوردنش.<sup>(۵)</sup>

دلایل شوافع هم دلایل احناف است.<sup>(۶)</sup>

---

۱- بدائع الصنائع: ج ۵ ص ۴۰.

۲- محمد بن علی بن محمد، الشوکانی، نیل الأوطار من أحادیث سید الأخیار شرح منتقى الأخبار، دمشق، الناشر: إدارة الطباعة المنيرية: ج ۸ ص ۱۹۷. این روایت از طریق روایات دیگر حسن لغیره است و قابل استدلال را دارد. التلخیص الحبیر فی تخریج أحادیث الرافعی الکبیر، رقم الحدیث ۲۰۰۸.

۳- بدائع الصنائع: ج ۵ ص ۴۰.

۴- الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی وهو شرح مختصر المزنی: ج ۱۵ ص ۱۴۷.

۵- أبو الحسین یحیی بن أبی الخیر بن سالم العمرانی الیمنی الشافعی، (المتوفی: ۵۵۸هـ)، البیان فی مذهب الإمام الشافعی، الناشر: دار المنهاج - جدة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م: ج ۴ ص ۵۰۸.

۶- الحاوی الکبیر - الماوردی: ج ۱۵ ص ۳۳۰.

حنابله میگویند: جلاله حرام است و آن عبارت از حیوانی است که اکثر طعماش نجاست باشد، همانطوریکه شیرش حرام است و این روایت از احمد است، و در روایت دیگر مکروه است، حرام نیست، کراهت اش توسط حبس به اتفاق حنابله دور میشود، اختلاف در اندازه حبس است، از احمد روایت است که حبس سه روز است، برابر است پرنده باشد و یا حیوانات.<sup>(۱)</sup>

دلیل احمد: حدیث است: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْجَلَالَةِ أَنْ يُؤْكَلَ لَحْمُهَا، وَيُشْرَبَ لَبَنُهَا، وَلَا يُحْمَلَ عَلَيْهَا الْأَدَمُ وَلَا يَرْكَبَهَا النَّاسُ حَتَّى تُغْلَفَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: رسول الله صلى الله عليه و سلم از گوشت حیوان جلاله (تغذیه شده به نجاست)، از نوشیدن شیرش، از حمل کردن بالای آن چیزی را، و از سوار شدن مردم بالایش منع کرد تا وقتیکه چهل روز علف پاک بخورد.

وجه اسدلال از حدیث: منع پیامبر صلی الله علیه و سلم است از خوردن گوشت جلاله، و این نهی حرمت است.<sup>(۳)</sup>

همچنان گوشت حیوان جلاله از نجاست تغذیه شده است، بناءً نجس گردید، مانند خاکستری که نجس گردد.<sup>(۴)</sup>

**قول راجح:** قول احناف و شوافع است، به چند دلیل:

۱- موافق حدیث است، زیرا در احادیث منع حرمت آن نیامده است، بلکه راه حل برای پاک کردن آن آمده است، که حبس است.

۲- برخی روایت ها است، که پیامبر صلی الله علیه و سلم از حیوان جلاله خورده است، اگر حرام می بود، چرا رسول الله از آن تناول کرد.<sup>(۵)</sup>

۱- الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل: ج ۴ ص ۳۱۱.

۲- أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني المعروف بابن البيع النيسابوري، (المتوفى: ۴۰۵هـ)، المستدرک علی الصحیحین، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰: ج ۲ ص ۴۶ رقم الحدیث ۲۲۶۹. این حدیث صحیح است. الإرواء الغلیل رقم الحدیث ۲۵۰۳.

۳- المغني لابن قدامة: ج ۹ ص ۴۱۴.

۴- المغني لابن قدامة: ج ۹ ص ۴۱۴.

۵- أحمد بن محمد بن إسماعيل الطحاوي، الحنفي، حاشية على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح، مصر، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية ببولاق، ۱۳۱۸هـ: ج ۱ ص ۲۲.

## مطلب سوم: حکم حیوانات وطی شده توسط انسان و حیواناتی که از مدفوع انسان تغذیه شده است

الله متعال برای انسان حلال ساخته است که از همسرش غریزه جنسی اش را استمتاع و پوره بسازد مگر در حالاتی که منع شده است از قبیل: حیض، نفاس... و الله متعال پوره کردن غریزه جنسی را در غیر از این صورت، حرام ساخته است، و نوعی از تجاوز در حدود الله خوانده است، الله متعال میفرماید: {وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ} (۱)

ترجمه: این چهارمین صفت مؤمنان است یعنی: آنان از ارتکاب حرام خود را مصئون می دارند و دامن شان را از زنا، لواط و کشف عورت پاک می دارند، آنان شرمگاه خود را در همه احوال نگاه می دارند مگر بر همسران و کنیزان شان، چه آنان در این صورت مؤاخذه نمی شوند، کسانی که غیر از همسران و کنیزان را بطلبند، آنان در ارتکاب فساد و گناه از حد تجاوز کنندگان اند. (۲)

پس وطی کردن انسان حیوان حلال گوشت را حرام است و تجاوز کردن بر حدودی الله متعال است، لکن حد زنا بالایش واجب نمیگردد بلکه فقط تعزیر کرده شود، اما بالای گوسفند نه حد است و نه تعزیر زیرا؛ در برابر احکام شرع مکلف نیست، اما بخاطر خلاصی از این معضله و فراموش شدن آن از ذهنیت مردم باید آن حیوان ذبح گردد. (۳)

بدلیل روایتی که از پیامبر صلی الله علیه و سلم است: «أنه أمر بقتل الدابة الموطوءة». (۴)

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه و سلم امر کرد که حیوانی وطی شده باید کشته شود.

**وجه استدلال از حدیث:** پس نظر به این حدیث در صورتیکه حیوان حلال گوشت باشد، ذبح شود و گوشتش خورده شود. (۵)

۱- {المؤمنون، آیات ۵-۷}.

۲- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۴ ص ۳.

۳- مؤلفین: عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، محمد بن صالح بن عثمان، عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین، فتاوی اسلامیة لأصحاب الفضيلة العلماء، السعودية، الناشر: المكتبة الإسلامية، المطبعة الأولى: ج ۳ ص ۵۲۱.

۴- نیل الاوطار: ج ۷ ص ۱۶۸. این حدیث ضعیف است. سنن الترمذی: رقم الحدیث ۱۵۲۲.

۵- فتاوی اسلامیة لأصحاب الفضيلة العلماء، السعودية، الناشر: المكتبة الإسلامية، المطبعة الأولى: ج ۳ ص ۵۲۱.

اما خوردن گوشتش مکروه تنزیهی است.<sup>(۱)</sup>

اما در قسمت حیوان تغذیه شده از مدفوع انسان:

حیوان حلال گوشتی که بدنیاال مدفوع انسان بگردد و آنرا بخورد، مانند شتر و گاو و گوسفند و بز و مرغ و امثال آنها که آنقدر بخورند تا بویشان تغییر کند. اگر آن حیوان را مدتی از خوردن مدفوع انسان و نجاسات دور نگه دارند و خوراک پاک به آن دهند، در نتیجه گوشت آن، پاک می گردد و نام جلاله از آن برداشته میشود، آنوقت گوشت و شیرشان، حلال می گردد، زیرا علت نهی از آن، تغییری است که بوسیله ی خوراک ناپاک، در آنها پدید آمده بود و حالا که آن علت برطرف شده حکم نیز بر طرف می شود و این اتفاق فقهاء است، اما در قسمت مدت علف دادن پاک و حبس آن قبلاً ذکر گردید که نزد فقهاء چه اندازه است.<sup>(۲)</sup>

همچنان در نزد احناف حیوانی که تغذیه از مدفوع انسان شده باشد، حتی قربانی نمیشود.<sup>(۳)</sup>

---

۱- المبسوط : ج ۹ ص ۱۰۲ . الفقه الاسلام و ادلته: ج ۴ ص ۱۰۱ . العنایة شرح الهدایة: ج ۵ ص ۲۶۵ .

۲- ترجمه فارسی فقه السنه: ج ۱ ص ۹۶ .

۳- الفقه الاسلام و ادلته: ج ۴ ص ۲۶۷ .

## فصل دوم

شیوه های معاصر ذبح و حکم شرعی آن

فصل دوم: دارای دو مبحث است:

مبحث اول: شیوه های مختلف ذبح

مبحث دوم: نتایج بحث کشتار مرغ ها به روش میکائیزه ( ماشینی)



## مبحث اول

### شیوه های مختلف ذبح

این مبحث دارای دو مطلب است:

مطلب اول: روش کشتار مرغ ها

مطلب دوم: استفاده از شوک برقی قبل از ذبح حیوانات و پرنده گان

در عصر امروزی حیوانات به شیوه های مختلف کشته میشوند، این شیوه ها را بسیاری از کشورها توسط ذبحگاه های مدرن ایجاد کرده است، تا ذبح حیواناتی که گوشتش خورده میشود در آنجا صورت گیرد، همچنان این کشورها منع کرده است مردم را، یا مقید کرده است آزادی مردم را در قسمت اینکه ذبح کنند حیوانات را در خانه ها، یا اماکن خاص شان، به هدف تقلیل یافتن و جلوگیری از آفات و امراضی که از مقذورات و فاضلات حیوانات در اماکن خاصه بوجود میآید، حتا در برخی از شهرها ذبح کاملاً به شرکت های خاص سپرده شده است.<sup>(۱)</sup>

این ذبحگاه ها قوانین و قواعد علمی خود را تطبیق میکنند در جمع کردن فاضلات ذبیحه ها و او را توسط: سوختاندن، یا تحویل میدهند به مواد نافع مانند: کود کیمیاوی برای زمین، به منظور مراعات شدن حفظ صحت و زندگی انسان ها از این مخاطرات، ولی باید گفت این ذبحگاه ها در قسمت ذبیحه ها دو هدف را تعقیب میکنند: ۱. کشیدن روح حیوان بدون درد و ألم. ۲. آسان شدن این کار به شکل سرعت و سریع.<sup>(۲)</sup>

حالا این ذبحگاه ها از کدام طریق حیواناتی را مانند: شتر، گاو، گوسفند، مرغ ها، ذبح میکنند، بحث میکنم:

### مطلب اول: روش کشتار مرغ ها

ذبح مرغ ها بوسیله ی دستگاه و سایر آلات تیزی که امروزه در دنیا جهت ذبح بکار می روند به روش های مختلف صورت می گیرند، خوردن گوشت مرغ ها که در این دستگاه ها کشتار می گردند به دو شرط حلال و جایز است، این دو شرط قرار ذیل است:

۱. هنگامی که تیغ دستگاه گردن مرغ ها را در یک لحظه ی واحد می برد، قبل از زدن کلید دستگاه باید شخص متصدی بر روی دستگاه خود، بسم الله بگوید.

۲. متصدی و یا مسئول زدن تیغ بر گردن مرغ ها باید شخصی مسلمان و موحد باشد نه مشرک یا کافر ( البته اگر از اهل کتاب باشد یعنی مسیحی یا یهودی جایز است).<sup>(۳)</sup>

۱- الخلیلی، أحمد بن أحمد، الذبائح والطرق الشرعية في إنجاز الذکاة، عمان، الناشر: المكتبة الاسلامیه، ۱۴۳۱هـ: ص ۱۶.

۲- مجلة مجمع الفقه الاسلامي: ج ۲ ص ۱۹۹۰۲.

۳- احکام ذبائح و اللحوم المستورد: ص ۱۸.

در این مورد هیئت علمای بلند پایه چنین فتوا می دهد:

ذبح مرغ بوسیله ی دستگاه و آلات جدید به شرطیکه تیغ دستگاه تیز و برنده باشد و نیز هم گردن و هم مری مرغ ها را قطع کند، جایز است. و اگر دستگاه بصورت همزمان تعداد زیادی از مرغ ها را سر ببرد، در آنصورت گفتن یکبار بسم الله توسط شخصی که دستگاه را به حرکت درمی آورد تا گردن مرغ ها را قطع کند - البته به نیت ذبح - کافیت، در ضمن شخص متصدی دستگاه یا تیغ بایستی مسلمان یا اهل کتاب باشد.<sup>(۱)</sup>

بر این اساس چنانکه مرغ هایی که توسط دستگاه ذبح می شوند، دارای این شرایط باشند و توسط شخص موحدی تیغ زده شوند، پس خوردن گوشت مرغ نیز حلال می شود و گرنه خیر.<sup>(۲)</sup> ولی باید گفت: کشتار توسط این دستگاهای به شکل های مختلف است که قرار ذیل اند:

### الف - کشتار مرغ ها ذریعه آب گرم و چاقوی متحرک ماشینی

کشتار مرغ ها توسط آب گرم: بطریقه که مرغ بر آب گرم دور داده شود، در حالیکه آن آب داغ و جوش نیست که منجر به نجاست گوشت گردد. اما در چهارپایان از جمله: گاو و گوسفند، ذبح به این طریقه ممکن نیست، چرا که این آله متحرک، کوچک است. موضوع مهم در این دستگاه آب گرم اینست که: آیا رگها را می تواند قطع کند؟ زیرا؛ در این دستگاه آب گرم امکان قطع کردن یک جانب گردن است، یا قطع رقبه است، پس معلوم نمی شود که در این دستگاه، رگها قطع می گردد یا خیر؟ کارمندان این دستگاه جهت تسلط و دست یافتن بر بالای حیوان، قبل از ذبح طریقه بی را را استعمال می کنند، که این طریقه به دقت نیاز دارد، زیرا؛ برای مسلط شدن بر حیوان از طریقه های زیاد استفاده می شود. به قرار مشاهده در بعضی حالات اشخاصی را استخدام می کنند تا بر پیشانی حیوان، اسلحه کمری<sup>(۳)</sup> (شش تیر یا هفت تیر) بزنند تا تسلط بر حیوان حاصل گردد، و بشکل سخت و بی رحمی این کار صورت میگیرد. همچنان دیده شده است که تیری را مانند ناخن در پیشانی حیوان داخل میکنند، سپس خون آن خارج میگردد و حیوان فوراً بر زمین میافتد،

۱- الکبار العلماء السعودیه(عبد العزیز بن عبد الله بن محمد آل شیخ، عبد الله بن عبد الرحمن الغدیان، بکر بن عبد الله أبو زید، صالح بن فوزان الفوزان، اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، السعودیه، الناشر: المکتبه الجامعه الاسلامیه، ۱۴۲۰هـ.ق: ج ۲۲ ص ۴۶۳.

۲- مجله مجمع الفقه الاسلامی: ج ۲ ص ۱۹۹۰۴.

۳- اسلحه کمری به تیرهای گفته می شود که معمولاً در کمری انسان بسته می شود و در عربی بنام «المُسَدَس» نیز می گویند، مانند تیرهای شش ضلعی و هفت ضلعی. فرهنگ ابجدی عربی، ج ۱ ص ۲۱۵۹.

و هم قطع میشود همه حرکات اعضای حیوان بشکل که گویا مرده است، و برای شما میگویند: این عملیه بیهوش کردن حیوان است اما سبب مرگ نیست.<sup>(۱)</sup>

دکتر محمد الهواری میگوید: در کشور (کندا) یک هیئات حکومتی را ملاقات کردم، که بر این دستگاه آب گرم تشریف داشتند، گفتند: بیهوش کردن به این طریق دو احتمال را دارد: ۱. یا حیوان بعد از چند دقیقه می میرد. ۲. یا بعد از چند دقیقه به شعورش بر میگردد. و این عضو هیأت تأکید کرد که: بیهوش ساختن چند حیوان پی در پی صورت میگیرد، سپس عملیه پی ذبح بطریق پی در پی صورت میگیرد، دور از تصوّر نیست که یکی از آن حیوانات بیهوش شده پیش از عملیه پی ذبح بیمیرد، مثلاً: وقتیکه پنج حیوان بیهوش ساخته شد، سپس ذبح کننده برای ذبح آمد حیوان اول را، ذبح کرد، انتقال کرد به ذبح حیوان دوم و سوم، تا به چهارم رسید، پس بعید نیست که حیوان چهارمی قبل از آمدن ذبح کننده مرده است، سپس این عضو هیأت برایم گفت: نزدما زنده ماندن حیوان بعد از بیهوش ساختنش در وقت عملیه پی ذبح زنده باشد.<sup>(۲)</sup>

پس این موضوع نیاز دارد به یک تیم فنی از متخصصین مسلمان موحد و آگاه از دین شان تا در موضوع بشکل تخصصی دقت کنند به حقیقت ذبح درین دستگاه تحقیق نمایند، سپس به مسلمانان تحقیق شان اعلام و اخبار گردد.<sup>(۳)</sup>

و در این شکی نیست که اگر بیهوش سبب مرگ حیوان شود، یا ترس مرگ از آن برده شود، پس خوردن آن جایز نیست، و هم فتوا برای حیوانی که بعد از بیهوشی ذبح میشود، وجود ندارد، پس تا وقتیکه این طریقه مشکوک ادامه داشته باشد، مُسَلِّماً باید از خوردن گوشت آن خود داری کرد. و مشهور است که یهود طریقه بیهوش ساختن حیوان را قبول ندارد، پس مسلمان باید بهتر از یهود از خوردن گوشت آن خود داری کنند.<sup>(۴)</sup>

**اما ذبح مرغ ها توسط چاقوی متحرک ماشینی:** این چاقو مشابهت به آسیاب دارد که اطرافش گُند است، و این چرخه همیشه بسرعت دور میخورد، و سرهای مرغ را در اطرافش بیرون میکند

۱- محمد الهواری، الذبائح والطرق الشرعية في إنجاز الذكاة، الناشر: دار المنهاج - جدة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ: ص ۲۳.

۲- الذبائح والطرق الشرعية في إنجاز الذكاة: ص ۲۳.

۳- مجلة مجمع الفقه الإسلامي: ج ۲ ص ۲۰۰۹۷.

۴- مجلة مجمع الفقه الإسلامي: ج ۲ ص ۲۰۰۹۸.

سپس از جانب حلقومش به یک بارگی قطع میکند، ظاهراً رگهای گردن مرغ را قطع میکند، ولیکن گاه گاهی پیش می‌آید که مرغ قبل از بریدن سر به یک شکلی خود را حرکت، پس برابر نمیشود گردن مرغ به طرف چاقوی متحرک ماشینی، که در این حالت یا هیچ گلویش را قطع نمیکند، یا جزء از گلویش را قطع میکند بشکلیکه در هر دوی این حالت ذبح شرعی حاصل نمیگردد.<sup>(۱)</sup>

### ب - کشتار مرغ ها با آویزان کردن توسط گیرا و ذبح آن با دست

آویزان کردن مرغ ها در حالت حیات از پا و سر، توسط آله ی متحرکی که آنها را حرکت و سوق میدهد به جایی که در آن جای ذبح کننده ایستاده است، با کاردی ورید(رگ که به کبد و قلب متصل است که مجرای خون و روح است) مرغهای که در چرخ متحرک یک یک، پیش می آیند، به سرعت قطع می کنند، سپس این آله بعد از عملیه ذبح مرغهای آویزان را سوق می دهد به جایی که در آنجا آب گرم است تا در آن غوطه داده شود و تمام شود گندن پرها و پاک کاری و پارچه پارچه شدنش، سپس آماده میشود برای جابجایی در صندوق ها و کارتن ها تا ا به شهرها و کشورها منتقل گردد.<sup>(۲)</sup>

حکم این نوع ذبیحه ها اینست: که در عملیه ذبح مذکور غالباً متحقق نمیشود قطع رگها، از جهت سرعت عمل در کار ذبح کننده، طوریکه مرغ مذبوحه بعد از مدت کوتاهی از ذبحش غوطه میخورد در آب گرم، در حالیکه نفس مرغ باقی است و قطع نشده است، در نتیجه مرغ توسط خفه شدن از بین رفته است، همانطوریکه واجب است تحقیق و آگاهی در عقیده ذبح کننده که اهل کتاب است و یا بت پرست؟ همچنان واجب است تحقیق در این مورد هم، در نتیجه باید از خوردن ذبح این چنین آله ها و ذبحگاه ها احتیاط کرد، بخاطریکه مشکلات زیاد دارد در ذبح از نگاه شرعی که نمونه اش ذکر گردید.<sup>(۳)</sup>

### مطلب دوم: استفاده از شوک برقی قبل از ذبح حیوانات و پرنده گان

ذبح شرعی و صحیح حیوانات حلال گوشت، یکی از مسایل مهم در شرع مقدس اسلام میباشد. در زمانهای دور ذبح بوسیله ابزارهایی صورت می گرفت که عمدتاً از جنس آهن بوده و دارای شرایط

۱- الذبائح والطرق الشرعية في إنجاز الذكاة: ص ۲۳.

۲- احکام الذبائح و اللحم المستورد: ص ۱۷.

۳- مجلة مجمع الفقه الإسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۹۱.

خاص بوده است. اما با پیشرفت تکنولوژی، ذبح توسط ماشین انجام میگیرد، جهت تذکیر حیوانات، واکنش و حساسیت نسبت به حلال بودن گوشت حیوانی که با انواع دستگاه های امروزی و نوع و روش ذبح جدید، وجود دارد. روشهای جدید ذبح از قبیل بی حسی، شوک برقی، و ... که حکم ذبح شرعی آنها بیان شده است، در این روش حیوان پس از بی حسی، هوشیاری خود را از دست میدهد و درد شدید را احساس میکند و همچنین بی حسی توسط تپانچه، ضربان قلب را بشکل سریعتر در مقایسه با ذبح اسلامی، متوقف کرده و در نتیجه مقدار زیادی از خون داخل گوشت باقی میماند. در روش بی حسی قبل از کشتار نه تنها شدت درد وجود دارد، بلکه این راه سبب گسترش بیماری جنون گاوی است که اخیراً توسط محققان دانشگاه تگزاس و محققان کانادایی بیان شده است. بررسی هر دو روش کشتار با تپانچه و ذبح اسلامی بوضوح، نمایانگر عادلانه بودن قوانین اسلام و رعایت حقوق حیوانات از جانب اسلام میباشد.<sup>(۱)</sup>

امروزه در جهان از انواع شوک بیهوشی قبل از ذبح استفاده می کنند. علت کاربرد شوک بیهوشی را مرگ آرام و بدون درد حیوان، امنیت کافی برای خدمه کشتار، تسریع در کشتار صنعتی و تولید بیشتر ذکر می کنند، که برای آگاهی شوک، به تفصیل و بحث مفصل تر نیاز است.

مجلس مشترک رابطه عالم اسلامی و سازمان صحتی جهان در جده در ربیع الاول ۱۴۰۶ هـ ق دیسمبر ۱۹۸۵ م، توصیه های داشته اند که در توصیه ۳-۱-۴ چنین آمده است که: اگر بیحس ساختن توسط شوک برقی باعث راحت شدن حیوان باشد، جواز دارد و کمیسیون مرکب از فقهاء تشکیل گردید که آثار آنرا ارزیابی کند تا موکد و مطمئن گردند.<sup>(۲)</sup>

استفاده از شوک برقی را قبل از ذبح میتوان چنین بیان کرد:

## ۱. شوک دادن حیوانات

حیوانات چون گاو، گوسفند، بز، شتر و غیره که توانایی آنها خوب است و میتوانند که بعد از شوک معین که متخصصین آنرا تعیین نموده اند، زنده بمانند و قابل ذبح باشند.

۱- عبدالحسین، فخاری، حلال شدن حیوانات، زاهدان، انتشارات: المکه، چاپ اول: ص ۴۶.

۲- احکام ذبح و ذبائح در اسلام تالیف کنفرانس رابطه عالم اسلامی و سازمان صحتی جهان و کمیته منتخبه کنفرانس، ترجمه: نعمت الله شهبانی، کابل: وزارت عامه د.ج.ا.۱ با مساعدت مالی و تخنیک صحتی جهان نومبر ۲۰۰۲م: ص ۸.

کنفرانس رابطهء عالم اسلامی در زمینه چنین بیان داشته است: بیحس ساختن حیوانات توسط شوک برقی که در آن راحت حیوان است با شرایط ذیل جواز دارد:

شوگ برق ممکن است منجر به مرگ حیوان شود، خصوصا اگر درجه آن زیاد باشد، اگر حیوان بر اثر جریان برق کشته شود در آنصورت در حکم موقوذه است، که الله متعال در مورد آن می فرماید: **{حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ}**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: ای مؤمنان برای شما حرام قرار داده شده است خوردن حیوان مردار، خون، گوشت خوک، آنچه که در هنگام ذبح نام غیر از خداوند بدان برده شده یا بخاطر غیر از خداوند ذبح گردیده باشد، آنچه که توسط ریسمان و غیره خفه کرده شود، آنچه که به ضرب عصا یا سنگ جان داده باشد، آنچه که از کوه یا ناحیه بلند به زمین افتاده و مرده باشد، حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر بمیرد، حیوان که قسمتی از آن را درنده بخورد و به سبب آن جان بازدم مگر حیوانی که قبل از مرگ آن را دریابید و به طریقه شرعی آن را ذبح کنید.<sup>(۲)</sup>

و موقوذه حیوانی است که بر اثر ضربه یا تیر خوردن بمیرد.<sup>(۳)</sup>

گاهی جریان برق خفیف تر است و منجر به مرگ حیوان نمی شود و فقط آنرا فلج یا بیهوش می کند، در اینحالت اگر بلافاصله بعد از فلج شدن سربریده شود (بگونه ایکه خون از بدن آن با فشار بیرون آید)، گوشت آن حلال است.<sup>(۴)</sup>

طوری که دکتر محمد سلیمان اشقر در مجله "مجمع فقه اسلامی" شماره دهم، در بحثی تحت عنوان "ذبیح و روش شرعی در سربریدن" گفته است: اگر شوگ حیوان را بکشد، آن حیوان در حکم موقوذه است، ولی اگر منجر به بیهوشی شود نه مرگ آن، در آنصورت: اگر بعد از آن بلافاصله بر روش شرعی ذبح گردد (یعنی سرش بریده و قطع گردد)، حلال است، و اگر بجای ذبح کردن

۱- {المائدة، آیه ۳}

۲- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۳۷۵.

۳- ترجمه مفردات قرآن: ج ۱ ص ۲۳۱۸.

۴- مجلة مجمع الفقه الإسلامی: ج ۲ ص ۱۹۹۰۴.

مشغول سلاخی و قطع اعضایش شود، حلال نیست.<sup>(۱)</sup>

## ۲. تطبیق شوک

تطبیق قطب منفی و مثبت برق در بین چشم، گوش و یا در طرف پیشانی است.<sup>(۲)</sup>

## ۳. ولتاژ برق

ولتاژ برق باید بین ۱۰۰ - ۴۰۰ ولت باشد.<sup>(۳)</sup>

برای تفصیل ولتاژ برق میتوان گفت: برق گرفتگی زمانی رخ می دهد که برق از بدن حیوان عبور کند یعنی بدن حیوان جز مدار شود. اگر سیم برق را با یک دست نگه داشته اما روی یک سطح عایق قرار داشته باشیم هیچ آسیبی نمی بینیم زیرا برق از بدن عبور نکرده است.<sup>(۴)</sup>

برای روشن شدن مطلب باید ابتدا به سوال های زیر پاسخ دهیم.

۱. ولتاژ باعث برق گرفتگی می شود یا جریان الکتریکی؟

۲. وقتی باطری را به یک لامپ وصل می کنیم آیا جریان از قطب مثبت شروع به حرکت می کند تا به قطب منفی برسد یا بیکباره در تمام مدار جریان ایجاد می شود؟

۳. بدن حیوان رساناست یا نارسناست؟

جواب ۱: حقیقت این است که جریان عبور از بدن باعث مرگ می شود، اما عامل ایجاد جریان ولتاژ است و ولتاژ به تنهایی مشکلی ایجاد نمی کند شما هنگامی که با سیم برق تماس پیدا می کنید ولتاژ بدن شما با ولتاژ سیم برابر می شود چون بدن رسان است.

اما این اتفاق زمانی خطرناک است که بدن شما با یک جسم رسانای دیگر مانند زمین یا پنجره یا سیم نول ... تماس پیدا کند در این صورت طبق قانون اهم جریان الکتریکی ایجاد می شود. پس

---

۱- مجله مجمع الفقه الاسلامی: ج ۲ ص ۱۹۹۰۴.

۲- احکام ذبح و ذبایح در اسلام: ص ۹.

۳- عبدالظاهر، داعی، گوشتهای وارداتی از خارج کشور حلال است و یا حرام؟ کابل، انتشارات سیرت، چاپ اول، ۱۳۱۳ هـ ق - ۱۳۸۹ هـ ش: ص ۲۶.

۴- احکام ذبح و ذبایح در اسلام: ص ۱۰.



ولتاژ به تنهایی کافی نیست بایدمداری باشد تا جریان ایجاد شود.

جواب ۲: برخی تصور می‌کنند با بستن کلید، جریان با حوصله! از قطب مثبت راه افتاده و خود را به قطب منفی می‌رساند. در حالی که اینگونه نیست. با بستن کلید به طور آنی در مدار یک میدان الکتریکی ایجاد می‌شود در نتیجه تمامی الکترونها با هم شروع به حرکت در خلاف جهت میدان می‌کنند پس به محض بستن کلید به صورت آنی در تمام مدار جریان الکتریکی ایجاد می‌شود. اما اگر مدار باز باشد میدان الکتریکی صفر شده و جریان قطع می‌شود. (۱)

جواب ۳: چون دو سوم بدن آب است پس بدن یک جسم رساناست اما با مقاومت الکتریکی، تقریباً ۵۰۰ اهم در حالی که مقاومت یک سیم رسانا تقریباً صفر است. البته مقاومت اجزاء داخل بدن ۵۰۰ اهم است و سطح خشک بدن مقاومت بسیار زیادی دارد، در حدود ۱۰۰ کیلو اهم است. (۲)

## ۱. شدت جریان برق

در قسمت شدت جریان برق باید گفت که قرار ذیل اند:

شدت جریان برق مابین ۷۵/۰ - ۰/۱ امپیر برای گوسفند، بز، قچ و آهو و ما بین ۲،۲-۵ امپیر برای حیوانات دیگر چون گاو، گاو میش، شتر و حیوانات معادل آن باشد. (۳)

## ۲. وقت و زمان شوک

مدت جریان برق ۳-۶ ثانیه باشد. (۴)

وقت و زمان شوک از آماده شدن و قدرت بخشیدن جریان برق است بر جای مناسبی از سر حیوان: وقتیکه این حالت حاصل و مساعد گردید، حاصل میشود برای مغز استخوان حیوان يك صدمه ی عصبی که حیوان بر اثر این حالت شعور و احساسات خود را از دست میدهد، حتا برخی از اوقات اگر فشار برق قوی و بالاتر باشد از توان و طاقت حیوان باشد باعث قتلش میشود، اگر فشار برق ضعیف باشد در این صورت حیوان شعور و احساسات خود را از دست نمیدهد، ولی تعذیب میشود

۱- سید فرید فرهی، روش های مختلف ذبح و اثر آن بر کیفیت گوشت، ایران، ناشر: انتشارات پژوهش اخوت، ۱۳۹۲ هـ.ش: ص ۹۹.

۲- روش های مختلف ذبح و اثر آن بر کیفیت گوشت: ص ۹۹.

۳- روش های مختلف ذبح و اثر آن بر کیفیت گوشت: ص ۹۹ - ۱۰۰.

۴- احکام ذبح و ذبایح در اسلام: ص ۹.

حیوان به همان اندازه فشار، دکتور محمد سلیمان اشقر میگوید: اطلاع نداریم از وصف علمی این طریقه که چه مقدار فشار میدهد بر حیوان و چه تأثیر میگذارد بر حیوان و چه اندازه حیوان درد و ألم احساس میکند، و هم از حیث مقارنه بین تطبیق شوک که چه مقدار خون میبرآید از حیوانیکه شوک داده شده و سپس ذبح گردیده و حیوانیکه بدون شوک ذبح گردیده است.<sup>(۱)</sup>

این شوک الکتریکی به بدنش، (که در بیشتر کشورهای غیر اسلامی انجام و تطبیق می‌شود) موجب قطع ضربان قلب می‌شود. در این صورت، خون به مقداری قابل توجه در رگ‌ها باقی می‌ماند که فساد پذیری گوشت را بالا می‌برد. در حالیکه در بسیاری از منابع اسلامی، به مواردی مانند خوشرفتاری با حیوانات، تیز بودن چاقو، سرعت عمل در ذبح و... اشاره شده‌است تا حیوان کمتر عذاب بکشد.<sup>(۲)</sup>

---

۱- مجله مجمع الفقه الاسلامی: ج ۲ ص ۱۹۹۰۴.

۲- روش های مختلف ذبح و اثر آن بر کیفیت گوشت: ص ۹۸.

## مبحث دوم

نتایج بحث کشتار مرغ ها به روش میکانیزه ( ماشینی)

این مبحث دارای دو مطلب است:

مطلب اول: کشتار چهارپایان

مطلب دوم: اختراع و ایجاد اسالیب جدید کشتن حیوانات

خلاصه از چیزهایی که در قسمت ذبح و کشتار مرغ ها به روش میکانیزه بحث کردم، ذبح توسط آله ها و ماشین های فعلی، از نگاه شریعت خلاها و نواقصات متعددی دارد که قرار ذیل است:

۱. در برخی از ذبحگاه ها، مرغ قبل از ذبح در آب سرد غوطه داده میشود، که در آن جریان برق هم آماده و مهیاء شده است، و ترس و خوف اینست که این جریان برق همراهی آب سرد قبل از ذبح مرغ منجر به مرگ آن گردد، زیرا؛ دیدگاه برخی از متخصصین در بخش این موضوع اینست که: جریان برق تا درجه نود (۹۰٪) باعث توقف قلب مرغ میشود.<sup>(۱)</sup>

۲. چاقوهای متحرک هر چند برای قطع کردن رگهای در حیوانات بزرگ کافی است، ولی در مرغ ها در برخی حالات تمام کردن مرغها به لبه چاقو متصل نمیشود، پس حلقوم اش قطع نمی گردد، یا جزءی از گردش قطع میگردد و بعضی از رگها بدون قطع شدن باقی میماند.<sup>(۲)</sup>

۳. با چاقوی متحرک امکان ندارد که تسمیه در هر مرغ گفته شود، تسمیه از نزد خدمتکار دستگاه کشتار، در قسمت ذبح، مطالبات و خواست های شریعت را پوره و ایفاء کرده نمیتواند.

۴. شاید کردن مرغهای که با چاقوی متحرک قطع نگردیده یا قطع ناقص صورت گرفته، آب گرمی که مرغها بعد از ذبح در بین آن دور داده می شوند؛ سبب مرگ آنها شود.<sup>(۳)</sup>

بعد از نظر و فکر در این اسباب چهارگانه، مشخص شد که اصلاح این خلاها و نواقصات سخت و مشکل نیست و امکان دارد که این دستگاههای ذبح دوباره در طریقه ساختارش تعدیلات و نوآوری های را بکار گیرند، که این تعدیلات قرار ذیل اند:

۱. عدم کاربرد جریان برق در آب سرد، یا تأکید صورت گیرد که این جریان برق بحدی نباشد که باعث توقف قلب گردد.

۲. کار نگرقتن از چاقوهای متحرک، استخدام اشخاص مسلمان، یا اهل کتاب بشکل نوبت وار در ذبح کردن مرغها که از پیش شان میگردد، با ذکر تسمیه توسط دست هر مرغ ذبح

---

۱- احکام الذبائح و اللحوم المستورد: ص ۲۶.

۲- مجلة مجمع الفقه الإسلامی: ج ۲ ص ۲۰۰۹۹.

۳- الذبائح والطرق الشرعية في إنجاز الذکاة: ص ۲۹.

گردد، و از اثر تقاضای مسلمانها، این روش و شیوه در برخی از مذابح و ذبحگاه های فعلاً کار برد دارد، و این کار باعث کندی کار هم نگردیده است.

۳. تأکید برای این که: آب گرمی که مرغهای مذبوحه در آن غوطه داده میشود بحدی غلیان(جوش کردن) نرسد.

با مراعت این امور سه گانه، مرغهای مذبوحه توسط این دستگاه ها حلال است.<sup>(۱)</sup>

### مطلب اول: کشتار چهارپایان

#### الف: اختراع و ایجاد اسالیب جدید کشتن حیوانات

در دین مبین اسلام به خصوص در بدست آوردن غذای حلال و پاک سفارشات زیاد است و در بسیاری از آیات قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز به اهمیت این مساله اشاره شده است. تا جایی که می توان قرآن را کتاب سلامت بشر نیز نامید.<sup>(۲)</sup>

طوریکه الله متعال در قرآن میفرماید: {وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ}.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از نعمت های حلال و پاکیزه ای که الله روزی شما قرار داده است، بخورید و از خدایی که به او ایمان دارید، بترسید.

چون کشتار چهارپایان از جمله: گاو، گوسفند و غیره از حیوانات بزرگ، به روش ذبح مرغها، پس توسط دستگاه های با چاقوی متحرک فعلی، ذبح شرعی حیوانات بزرگ صورت گرفته نمی تواند اما وقتی ذبح شرعی این حیوانات امکان پذیر است که به فعل آسان واقع گردد. همچنان ذبح حیوانات بزرگ توسط کارد متحرک، حیوان را خفه می کند و این طریقه انگلیسی است که در آن سینه را از بین دو قبرغه پاره می کند و توسط فشار هوا در ریه<sup>(۴)</sup> می دمنند، تا حیوان خفه گردد.

۱- مجله مجمع الفقه الاسلامی: ج ۲ ص ۱۹۶۸۰.

۲- محمد، رحمانی، پژوهشی تطبیقی در احکام قرآن پیرامون ذبح، تهران، انتشارات خاور، چاپ دوم، ۱۳۸۹ هـ.ش: ص ۱۱.

۳- {المائده، آیه ۸۸}

۴- محلّ تنفّس و عضو ظاهر و گسترده از قلب و جمعش از لفظش رؤون- است. ترجمه مفردات قرآن: ج ۱ ص ۹۶۸.

در حالیکه از جسم حیوان خون بیرون نمیشود.<sup>(۱)</sup>

بناءً واضح می گردد که ذبح حیوان بشکل فوق الذکر از جمله منخنقه<sup>(۲)</sup> است که قرآن کریم از تحریم آن سخن آورده است: **{حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْفُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ}**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ای مؤمنان برای شما حرام قرار داده شده است خوردن حیوان مردار، خون، گوشت خوک، آنچه که در هنگام ذبح نام غیر از خداوند بدان برده شده یا بخاطر غیر از خداوند ذبح گردیده باشد، آنچه که توسط ریسمان و غیره خفه کرده شود، آنچه که به ضرب عصا یا سنگ جان داده باشد، آنچه که از کوه یا ناحیه بلند به زمین افتاده و مرده باشد، حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر بمیرد، حیوان که قسمتی از آن را درنده بخورد و به سبب آن جان بازد مگر حیوانی که قبل از مرگ آن را دریابید و به طریقه شرعی آن را ذبح کنید.<sup>(۴)</sup>

برابر است این خفه کردن توسط مسلمان صورت گیرد و یا اهل کتاب، پس برای حلال شدن حیوان خفه شده با این صفات کدام راهی نیست.<sup>(۵)</sup>

ولیکن در بزرگترین ذبحگاه های امروز به ریختاندن خون بقطع یک جانب از گلو، یا بقطع گردن تمام میشود، و در حالیکه در قسمت کشتن و زخم کردن حیوان راهای متعددی وجود دارد، پس به یقین که این گونه ذبح، رگها را قطع نمی کند و یا حیوان از محل دیگر قطع میشود؟ در حالیکه قطع آن رگهای حیوان، که حین ذبح واجب است، به شکل شرعی قطع نگردد؛ در حالیکه اگر ذبح در اختیار مسلمان باشد، پس بر مسلمان واجب است که حیوان را به طریقه شرعی که همانا قطع رگها است؛ ذبح کند. ولی محل بحث در ذبیحه، این سلاح خانه ها (کشتارگاه ها) است، که آنها بر ذلیل ساختن حیوان، یا بیهوش کردن آن پیش از عملیه ذبح آن حیوان توسط انسان اصرار دارند، و به زعم خود این ذلیل ساختن حیوان را در سلاح خانه های شان از جهت راحت ذبح کردن و تخفیف

۱- مجلة مجمع الفقه الاسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۸۱.

۲- منخنقه: حیوانی که به سبب خفگی مرده، و با دست یا ریسمانی خفه شده باشد، یا اینکه سرش را به جای تنگ و باریکی فرو برده باشد که نتوان آن را بیرون آورد، در نتیجه حیوان بمیرد. تفسیر راستین ترجمه تیسیر الکریم الرحمن: ج ۲ ص ۳۴۵.

۳- {المائدة، آیه ۳}

۴- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۳۷۵.

۵- احکام الذبائح و اللحوم المستورد: ص ۳۱.

درد کشیدن حیوان ضرور و لازم میدانند، و انواعی آلات را از جهت حصر حیوان استعمال میکنند تا عدم فشار دادن حیوان در وقت ذبح و تقدیم کردن گلوی حیوان به ذابح بشکل سهل و آسان تضمین گردد.<sup>(۱)</sup>

اما بیهوش ساختن حیوان به طریقه های مختلف صورت میگیرد، اما بیشتر در این قسمت: بیهوش و ذلیل ساختن حیوان استعمال تیرهای شش پهلو(شش ضلعي) است و این تیر، غیر از تیری است که از سرپ ساخته شده است و گلوله است، آن تیر را بر وسط پیشانی حیوان میزنند، سپس وقتی تیر را خارج میکنند دماغ حیوان سوراخ میشود و حیوان بعد از آن نمی تواند بانگ و فریاد بکشد، سپس به ذبح آن آغاز میکنند.<sup>(۲)</sup>

طریقه دوم: برای بیهوش کردن حیوان: استعمال کردن چکش و پتک آهنگری ضخیم است که بر پیشانی حیوان ضربه می زند، در حالیکه برای حیوان این کار درد دهنده است، از همین جهت در سلاخ خانه ها بیشتر از آن استفاده نمیکنند، و در عوض از کاربرد تیر استفاده میکنند.<sup>(۳)</sup>

طریقه سوم: استفاده و بکارگیری گاز است که در عربی به آن غاز<sup>(۴)</sup> می گویند، و توسط این گاز حیوان در هوا حبس میگردد تا گاز دوم که کربون اکسید<sup>(۵)</sup> است بر دماغ حیوان تأثیر می کند، و پس از حالت خود می برآید و بیهوش میگردد، سپس توسط دست ذبح میگردد.

طریقه چهارم برای بیهوش ساختن: استعمال و بکارگیری توسط نیروی برقی بر بدن حیوان وارد کردن ضربه است بر بدنی حیوان توسط نیروی برقی، که میگذارد آله ی برقی را مانند: انبور بر گیجگاه و شقیقه حیوان و از خلال آن جریان برق را ارسال میکند که با متصل کردن آن، منجر به شوک دماغ میشود، پس حیوان حالت خود را از دست می دهد و توسط این شوک برقی بیهوش میگردد.<sup>(۶)</sup>

۱- مجلة مجمع الفقه الاسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۸۱.

۲- الذبائح والطرق الشرعية في إنجاز الذكاة: ص ۲۶.

۳- مجلة مجمع الفقه الاسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۸۲.

۴- الغاز: ماده ای است هوائی و قابل فشار. این واژه را دانشمند بلژیکی (فون هلمونت) وضع نمود. فرهنگ ابجدی عربی-فارسی: ج ۱ ص ۱۶۸۰

۵- اُکسید: جسمی است مرکب از دو ماده که یکی از آنها اکسیژن باشد. این واژه یونانی است. فرهنگ ابجدی عربی-فارسی: ج ۱ ص ۳۲۵.

۶- مجلة مجمع الفقه الاسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۸۲.

طریقه پنجم: در برخی از کشورها به اساس گزارشات: کشتارگاہای مرغها به شکل حوض های پر از آب میباشد که نخست مرغها را در آن حوض پایین میکنند، سپس برق را در آب جریان میدهند به این طریق مرغها کشته میشوند.<sup>(۱)</sup>

### ب: ذبح حیوان پس از اقدامات بیهوش سازی

حکم شرعی در قسمت بیهوش ساختن حیوان بشکل فوق الذکر، از دو ناحیه به بحث نیاز دارد:

اول: آیا از نگاه شرع بکارگیری این شیوه ها جایز است؟

دوم: آیا ذبیحه حلال میگردد، اگر مسلمان یا اهل کتاب به طریقه مشروع بعد از بیهوش سازی حیوان ذبح کند؟

نخست از همه آیا بکارگیری این شیوه ها از نگاه شرع جایز است؟ باید گفت که: آیا طریقه های بیهوش سازی، تخفیفی در درد کشیدن ذبح بر حیوان میآورد و یاخیر؟ درحالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم امر کرده است به احسان و نرمش در قسمت ذبح کردن حیوان.<sup>(۲)</sup>

طوریکه در حدیث مشهور است: وعن أبي يعلى شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ (۳) رضي الله عنه، عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ وَلْيُجِدَّ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ وَلْيُرْخِ ذَبِيحَتَهُ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: از ابویعلی شداد بن اوس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: همانا خداوند در همه چیز و هر کاری نیکوکاری و احسان را برای شما مقرر داشته و فرض کرده است، پس وقتی (کافری را در جنگ یا شخص مستحق قصاصی را) کشتید، نیکو بکشید (با زجر و بریدن اعضا و شکنجه توأم نباشد) و وقتی حیوانی را ذبح کردید،

۱- البحوث العلمیه جزء ۲ ص ۷۰۱.

۲- ابوزکریا یحیی بن شرف نووی، المتوفی (۶۷۶ هـ ق)، مترجم: مرحوم استاد احمد حواری نسب (ابوسعید)، ترجمه فارسی ریاض الصالحین، تهران، انتشارات کردستان سنندج - ۱۳۸۵ هـ ش: ج ۲ ص ۱۸۵.

۳- شداد بن اوس بن ثابت الأنصاری النجاری، أبو یعلی، و یقال أبو عبد الرحمن، المذنبی: یکی از صحابه جلیل القدر و عالم بود، و از او البخاری - مسلم - أبو داود - الترمذی - النسائی - ابن ماجه روایت کرده است، درسال ۶۰ هـ ق وفات یافت. سیر أعلام النبلاء: ج ۳ ص ۴۰۳.

۴- صحیح المسلم: باب الأمر بإحسان الذبح والقتل: ج ۲ رقم الحدیث: ۱۹۵۵. سنن الترمذی: کتاب الدیات؛ باب النهی عن المثلثة: ج ۲ رقم الحدیث ۱۴۰۹. البیهقی، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی أبو بکر، سنن البیهقی الکبری، مکه المکرمة، الناشر: مکتبة دار البیاز، ۱۴۱۴ هـ ق- ۱۹۹۴م: ج ۹ ص ۶۸ رقم الحدیث ۱۷۸۲۳. أبو داود سلیمان بن الأشعث السجستانی، سنن أبي داود، بیروت الناشر: دار الکتاب العربی، مصدر الکتاب: وزارة الأوقاف المصریة وأشاروا إلى جمعیة المکنز الإسلامی: ج ۳ ص ۵۸ رقم الحدیث: (۲۸۱۷).



نیکو ذبح کنید و باید هر کدام از شما چاقویش را تیز کند و حیوانش را که می خواهد ذبح کند، (زود) راحت کند و او را نیازارد.

**وجه استدلال از حدیث:** لزوم احسان کردن است در ذبح حیوان.<sup>(۱)</sup>

از اموری مسلم است طریقه بی را که اسلام عزیز مشروع کرده است از قطع کردن عروق و رگهای حلق حیوان بهترین طریقه و آسانترین روش برای برآمدن روح حیوان است، اما بیهوش ساختن در برخی حالات به حیوان ضرر میرساند و درد بیشتر می کشد از دردی که در جریان ذبح میبیند، مانند: ضربه وارد کردن در پیشانی حیوان توسط چکش کلان، پس در این شک نیست که این طریق در اسلام جایز نیست، اما به یقین که طریقه های دیگر تخفیف در درد حیوان حین ذبح نمی آورد و یا درد را زیادتیر میکند، زیرا اطلاق تیر بر پیشانی حیوان با ضرب شدید و بشکل بی رحمی حاصل میگردد، اما ضربه وارد کردن توسط نیروی برقی خالی از درد نیست، و حبس کردن حیوان در گاز منجر به تنگی نفس میشود، در حالیکه صاحبان این دستگاهها ادعا میکنند که اینها در درد تخفیف می آورند، وقتیکه این موضوع تحقیق شود و اینکه حیوان توسط آن از بین نگیرد، استعمال کردن و بکارگیری آنها جایز است و اگر مشخص و تحقیق نگردد جایز نیست.<sup>(۲)</sup>

اما حکم حیوانیکه بعد از بیهوش ساختن ذبح میگردد، موقوف است در آن حکمی که این بیهوش ساختن قبل از ذبح سبب مرگ آن شده است و یاخیر؟ در حالیکه امروزه صاحبان این دستگاهها ادعا می کنند که سبب مرگ حیوان نمیگردد، بلکه حیوان شعور و احساسات خود را از دست میدهد و درد را احساس نمیکند، ولی این ادعا محل نظر است: اما بیهوش سازی حیوان توسط تیر، ضربات سختی را در پیشانی و دماغ حیوان ایجاد می کند، در حالیکه بعید نیست که با این ضربات حیوان از بین برود، پس این حیوان حکم موقوذه<sup>(۳)</sup> را بخود گرفت.<sup>(۴)</sup>

۱- المبسوط: ج ۱۱ ص ۲۲۶.

۲- مجلة مجمع الفقه الاسلامی: ج ۲ ص ۱۹۶۸۲.

۳- موقوذه: حیوانی که به سبب کتک زدن با چوب یا سنگ، یا فرو رفتن چیزی بر آن عمدا یا بدون عمد مرده باشد. تفسیر راستین ترجمه تیسیر الکریم الرحمن: ج ۲ ص ۳۴۵.

۴- احکام الذبائح و اللحوم المستورد: ص ۳۳.

محمد تقی عثمانی<sup>(۱)</sup> این حالت را در شهر دیترویت یکی از شهرهای ایالات متحده امریکا مشاهده کرده است، که آن تیر نازکی که از بین تیر شش ضلعی بیرون میشود در دماغ حیوان نزدیک به اندازه طول ناخن داخل شده است، و از دماغ حیوان باکشیدن آن تیری نازک سوراخ، از دماغ حیوان خون بر زمین خارج میشود، و همه حرکاتی اعضای حیوان قطع میگردد مثلیکه مرده باشد، عثمانی میگوید: برای من صاحب این دستگاه که یک شخص امریکای بود گفت: حیوان بعد از خوردن تیر هم چند دقیقه زنده باقی میماند، و اگر در خلال دوازده دقیقه ذبح نشود، حیوان میمیرد. عثمانی میگوید: وقت مساعد نگردید که صحت این ادعا را بررسی میکردم، ولی آنچه را مشاهده کردم در قسمت صحت این ادعا در شک انداخت که اینگونه بیهوش ساختن چگونه سبب مرگ حیوان نگردد؟ ولیکن بعید نیست که برخی از حیوانات توسط اینگونه روش و ضربات سخت بمیرند.<sup>(۲)</sup>

اما صدمه ی نیروی برقی، برخی از خبرها حکایت دارد که حرکت قلب را در برخی حالات توقف میدهد، همچنان وقتیکه گاز تجاوز نماید از حدی معمولش، ممکن سبب مرگ حیوان گردد. و در این موضوع نیاز است به یک تیم تخنیکی و متخصص از جوانان مسلمان و باغیور دینی، که این مسئله به شکل اساسی تحقیق و بررسی کنند، سپس تمام تحقیقات شان را با مسلمانان جهان از طریق رسانه ها و سایت ها پخش و نشر کنند.<sup>(۳)</sup>

و در این جای شک نیست که اگر اینگونه بیهوش سازی ها سبب مرگ حیوان گردد و یا ترس مرگ از آن برده میشود پس استعمال اینگونه وسایل، و هم خوردن گوشت آن حیوانات که در این دستگاهها بیهوش کرده میشوند و سپس ذبح میگردند، جایز نیست. تا وقتیکه این طریقه های مشکوک واضح نگردیده است، نباید از این گوشت ها استفاده صورت گیرد، و هم معلوم و واضح است که یهودیها این طریقه ها را قبول نمیکنند، بناءً ما بطریق اولی باید قبول نکنیم، از جهت شبهه.<sup>(۴)</sup>

---

۱- محمد تقی بن علامه مفتی محمد شفیع بن مولانا محمد یاسین بن خلیفه تحسین علی. در پنجم شوال سال ۱۳۶۲ هجری مطابق با سوم اکتبر سال ۱۹۴۳ میلادی در قریه دیوبند ایالت اتر پردیش هندوستان به دنیا آمدند، علامه عثمانی در زمینه های متعدد دارای تألیفاتی بوده اند: ۱- تلمحه فتح الملهم شرح عربی صحیح مسلم در ۶ جلد. ۲- درس ترمذی. ۳- احکام الذبائح وغیره وفعلا حیات دارد. مفتی محمد تقی عثمانی حفظه الله، درس ختم بخاری شریف، مترجم: ریگی، ابو عبدالفتاح عبدالله، کابل، انتشارات عازم، ۱۳۹۱ هـ.ش: ص ۵.

۲- مجلة مجمع الفقه الاسلامي: ج ۲ ص ۱۹۶۸۳.

۳- عثمانی: محمد تقی، احکام الذبائح، مترجم: ریگی، ابو عبدالفتاح عبدالله، پشاور، قریشی پلورنخی، چاپ اول، ۱۳۸۹ هـ.ش: ص ۷۶.

۴- احکام الذبائح: ص ۷۶.

پیامبر صلی الله علیه و سلم در قسمت شبیه راه حل را واضح ساخته است: عن نُعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ (۱)، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَأَشَارَ بِإِصْبَعَيْهِ إِلَى أُذُنَيْهِ يَقُولُ: «الْحَلَالُ بَيْنٌ، وَالْحَرَامُ بَيْنٌ، وَبَيْنَهُمَا مُشَبَّهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ؛ فَمَنْ اتَّقَى الْمَشَبَّهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ كَرَّاعِي يَزْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يُوَاقِعَهُ؛ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى، أَلَا إِنَّ حِمَى اللَّهِ فِي أَرْضِهِ مَحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ». (۲)

ترجمه: نعمان بن بشیر رضی الله عنهما می فرماید: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم - و با دو انگشتش به دو گوشش اشاره می کرد - که می فرمود: حلال واضح و آشکار است و حرام نیز واضح و آشکار است، و بین این دو امور غیر واضحی هستند که بسیاری از مردم نمی توانند حلال و حرام بودنش را مشخص کنند، هر کس از این امور مشتبه خودداری کند دین و آبروی خود را حفظ کرده است، و هر کس تن به شبهات بدهد در حقیقت در حرام افتاده است، مثل چوپانی که اطراف منطقه ی قرق شده چوپانی می کند، نزدیک است که گوسفندانش را در آنجا بچراند، بداند که هر پادشاهی برای خود مناطق قرق شده ای دارد، و بدانید که منطقه ی قرق شده ی خداوند اموری است که آن را حرام کرده است، و بدانید که در بدن پاره گوشتی است که اگر درست شود تمام بدن درست می شود، و اگر فاسد شود نیز تمام بدن فاسد می شود، بدانید که آن پاره گوشت قلب است.

**وجه استدلال از حدیث:** با توجه به این حدیث مشخص گردید که باید از خوردن گوشت به این شیوه ذبح ها و توسط اینگونه دستگاہا اجتناب نماییم. (۳)

۱- نعمان بن بشیر بن سعد بن ثعلبة بن الجلاس و يقال ابن خلاس الأنصاری الخزرجی، أبو عبد الله المدنی، یکی از اعلام و بزرگان صحابه بود، در سال دوم هجری در مدینه منوره تولد گردید و در سال ۶۵ هجری در حمص سوریه وفات یافت. سیر أعلام النبلاء: ج ۳ ص ۴۱۱.

۲- صحیح البخاری: رقم الحدیث: ۱۹۴۶. سنن الکبری: رقم الحدیث: ۱۰۱۸۰. سنن ابن ماجه: رقم الحدیث: ۳۹۸۴. الترمذی: رقم الحدیث: ۲۵۳۱.

۳- أبي محمد عبد الغني بن عبد الواحد، المقدسي، عمدة الأحكام من كلام خير الأنام مما اتفق عليه الشیخان البخاری و مسلم، مترجم: محمد احمد، پاکستان، خیبرپلورنچی کویتہ، ۱۴۲۸: ج ۱ ص ۲۶۵.

## فصل سوم

### احکام گوشت های وارداتی

این فصل دارای سه مبحث است:

مبحث اول: ذبائح اهل کتاب

مبحث دوم: حکم گوشت های وارداتی از کشورهای غیر اسلامی به کشورهای اسلامی

مبحث سوم: گوشت های موجود مورد استفاده در افغانستان

مبحث اول

ذبائح اهل کتاب

این مبحث دارای دو مطلب است:

مطلب اول: روش مشروع ذبح حیوان توسط اهل کتاب

مطلب دوم: حکم تسمیه بر ذبیحه اهل کتاب

## مطلب اول : روش مشروع ذبح حیوان توسط اهل کتاب

روش مشروع ذبح حیوان توسط اهل کتاب قرار ذیل اند:

### الف: اصل در ذبح اهل کتاب

سه قسم ذبح است:

**قسم اول:** ذبح توسط کسیکه دانسته میشود، که بطریقه شرعی ذبح کرده است، پس این ذبح به اتفاق علمای اسلامی حلال است.

**قسم دوم:** ذبح توسط کسیکه دانسته می شود که بشکل غیر شرعی ذبح کرده است.

**قسم سوم:** ذبح مجهول است که دانسته نشود به کدام طریقه ذبح کرده است.

پس مذبوحه قسم اول به اتفاق علمای اسلام حلال است، طوریکه گفته شد.

قسم دوم: برآستی، فتوهای در حکم ذبایح اهل کتاب، یهود و نصاری از برخی علمای معاصر صادر شده است، جمهوری از علماء ذبایح اهل کتاب را مطلقاً جایز دانسته اند و جمهور علماء به حلال بودن ذبیحه اهل کتاب فتوا داده اند و دلیل گرفته اند از عموم این قول الله متعال: { وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ }<sup>(۱)</sup>

ترجمه: و ذبایح اهل کتاب برای شما حلال است.

قاضی ابن عربی<sup>(۲)</sup> در کتابش احکام القرآن در تفسیر آیت فوق میگوید: این یک دلیل قاطع است که شکار و ذبیحه کسانی که برایشان کتاب داده است، از جمله پاکیزگی های است که الله متعال مباح ساخته است، و این نشان دهنده حلال مطلق است، و اینکه الله متعال چندین بار این موضوع را تکرار آورده است، زیرا؛ تا شک و شبهات رفع گردد و هم اعتراضات زایل گردد، و سخن هم در این قسمت به تطویل نکشد. مسلماً سوال کرد از من، از نصرانی که از بین می برد گلوی مرغ را توسط ریسمان سپس گوشت آن مرغ را پخته میکند، آیا میخورید گوشت آن را همایش یا طعام

۱- {المائدة، آیه ۵}

۲- محمد بن عبد الله أبو بكر بن العربي المعافري الاشبيلي المالكي (المتوفى: ۵۴۳هـ) مشهور به قاضی ابن عربی یکی از مفسرین قرآن و فقیه و قاضی در اسلام بود، تألیفات زیاد دارد از جمله: احکام القرآن. سیر اعلام النبلا: ج ۳۹ ص ۱۹۱.

مخلوطه همراهی آن گوشت را؟ در پاسخ گفتیم: بلی زیرا؛ همین طعام و ذبیحه آنها است و از دانشمندان و علماء اش هم همین است، اگر چند در واقع نزد ما این ذبح شرعی نیست، ولی؛ الله متعال طعام آنها را بشکل مطلق بدون قید مباح ساخته است، به هر شکلیکه آنها در دین شان ذبح کند برای ما و در دین ما حلال است، مگر در صورتیکه الله متعال را تکذیب کنند.<sup>(۱)</sup>

دکتور یوسف قرضاوی<sup>(۲)</sup> میگوید: در اسلام بحث ذبح یک امری مهم و اساسی دانسته شده است، زیرا؛ مشرکین عرب و غیره ملت ها، ذبایح شان را میگردانیدند از امور عبادت حتا از مهمترین رکن عقیده و اصول دین شان، آنها عبادت میکرد معبودان شان را توسط ذبح ذبایح، پس ذبح میکرد حیوانات را نزد بت های شان، یا ذبح میکرد حیوانات را بنام بت های شان، از همین جهت حرام ساخت اسلام ذبح را بر بت ها و ذبح به غیر از اسم الله متعال.<sup>(۳)</sup>

اما اهل کتاب اهل توحید است در اصل، سپس سرایت کرد برایشان شرک از طرف کسانیکه در دین شان داخل شد که مشرکین بودند و آثار شرک قدیم در وجود شان بود، بناءً این موضوع مهم برای مسلمانان بود، لذا الله متعال برای مسلمان خواست که بفهماند، که ذبیحه اهل کتاب برای شما حلال است، مانند: ازدواج کردن با آنان.<sup>(۴)</sup>

الله متعال در سوره مائده فرموده است: {الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ} <sup>(۵)</sup>

ترجمه: امروز برای شما چیزهای پاک حلال شده است، و ذبایح اهل کتاب برای شما حلال است، و ذبایح شما برای آنان حلال است.

۱- القاضي بن العربي، محمد بن عبد الله أبو بكر بن العربي المعافري الاشبيلي المالكي (المتوفى: ۵۴۳هـ) احكام القرآن، بيروت - لبنان، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثالثة، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م: ج ۲ ص ۵۵۶.

۲- د/محمد يوسف قرضاوی، در نهم سپتامبر ۱۹۲۹ در منطقه القریبه در جنوب قاهره به دنیا آمد. وی در رشته اصول فقه اسلامی در سال ۱۹۵۳ از دانشگاه الازهر فارغ التحصیل شد. قرضاوی در سال ۱۹۶۳ به عنوان وزیر اوقاف مصر منصوب شد. وی کتاب های فراوانی در زمینه مقوله های حلال و حرام در اسلام دارد. و در حال حاضر که شبکه های تلویزیونی و سایت های اینترنتی پدیده عصر و محل دید و بازدید جوانان گشته است، او بارزترین ستاره و قوی ترین تأثیرگذار آنها است. بدون این که ابزار مورد عادتش را که گذشت زمان از تأثیر آن می کاهد، مورد بی توجهی قرار داده باشد. آشنایی با دانشمند بزرگ معاصر - شیخ قرضاوی: ص ۱.

۳- د/قرضاوی، محمد یوسف، الحلال والحرام فی الإسلام، بیروت، دار الفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۲۴هـ: جزء ۹ ص ۶

۴- الحلال والحرام فی الإسلام: جزء ۹ ص ۶

۵- {المائده، آیه ۵}

معنای آیه بشكل اجمالی اینست که: امروز حلال است برای شما پاکیزه ها، پس حرام است بحیره و سائبه و وصیله و حام که مشرکین انجام میدادند<sup>(۱)</sup>، ذبیحه اهل کتاب از یهود و نصاری حلال است برایتان به مقتضای اصل، هرگز حرام نساخته است الله متعال برای شما، و ذبیحه و طعام شما برای آنها حلال است، پس برای شما است که از مذبوحه یی آنها و شکار آنها بخورید مطلق(در هر زمان).<sup>(۲)</sup>

و اینکه اسلام در قسمت ذبایح مشرکین عرب تشدد کرده است و در قسمت اهل کتاب تساهل، اینست که اهل کتاب به مسلمانان از جهت اعتراف شان به وحی و نبوت و در کل اصول دین نزدیک است. و مشروع ساخت همراي آنها مودت را توسط خوردن، ازدواج کردن و نیکی معاشرت همایشان، زیرا؛ وقتیکه آنها باما زندگی کردند و از محیط و از اهل، حقیقت اسلام پی بردند علمًا و عملاً و هم اخلاقاً، برایشان آشکار میشود که دین ما همان دین خودشان است در مقاصد، شکل و صورت، و در پاک بودن صحائف اش از خرافات، فوراً خود را از بدعت و اباطیل و تندیس پرستی تبرئه میکنند. و کلمه {وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ} کلمه عام است، شامل هر نوع طعام شان میشود از قبیل: ذبیحه شان، دانه های شان و غیره، همه ی آنها برای ما حلال است، تا وقتیکه حرام معین نباشد مانند: خود مرده، خون مسفوح، گوشت خنزیر، در این صورت خوردن اینها درست نیست به اتفاق اسلامی، برابر است این طعام از طرف اهل کتاب باشد و یا مسلمان.<sup>(۳)</sup>

---

۱- بحیره: ماده شتری بود که اهل جاهلیت گوش آن را می شگافتند و شیر آن را به بتان اختصاص می دادند پس کسی حق دوشیدن آن را برای خود نداشت و شگافتن گوش آن نشانه ای بر این امر بود.

سائبه: ماده شتری بود که نذر بتان می کردند و رهایش می ساختند، یا شتر نری بود که کسی به این نیت مشروط نذر بتان می کرد که اگر مثلاً خداوند - جل جلاله - او را از بیماری ای به سلامت برهاند، یا او را از سفر به منزل و مأوایش برگرداند، در این صورت آن شتر را آزاد بگذارد که در هر جایی می خواهد به چرا و آب برود و کسی بر آن سوار نشود.

وصیله: ماده شتری بود که اگر دوشکم مادینه می زایید، به خودشان تعلق می گرفت اما اگر نرینه ای می زایید، به بتان اختصاص می یافت.

حام: شتر نری بود که چون از پشت وی ده فرزند به وجود می آمد، می گفتند: حالا دیگر پشتش داغ شده پس رهایش می کردند و دیگر نه کسی بر آن سوار می شد، نه او را از آب و علفی باز می داشتند. تفسیر انوار قرآن: ج ۱ ص ۱۲۲. تفسیر راستین: ج ۳ ص ۱۸.

۲- الحلال والحرام في الإسلام: جزء ۹ ص ۵.

۳- الحلال والحرام في الإسلام: جزء ۹ ص ۶.



به همین شکل فتوای شیخ محمد عبده<sup>(۱)</sup> است که میفرماید: اما ذبیح اهل کتاب: پس مسلمانان حکم آن را از نص کتابی الله جل جلاله بگیرد که الله متعال فرموده است: ﴿وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ﴾<sup>(۲)</sup>، پس باید این قول امام الجلیل ابو بکر بن العربی المالکی که آنچه را ذبح میکند اهل کتاب برابر است، که دانشمندانش ذبح میکند و یا عامه اش همه حلال است.<sup>(۳)</sup>

محمد رشید رضا<sup>(۴)</sup> یکی دیگر از دانشمندان اسلامی نیز حرف قاضی ابن العربی و محمد عبده را تأیید میکند.<sup>(۵)</sup>

وهبه الزحیلی صاحب کتاب الفقه الاسلام و ادلته میگوید: ذبیحه اهل کتاب از حیث مبدأ جایز میباشد به اتفاق امت اسلامی از جهت قول الله متعال: ﴿وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ﴾<sup>(۶)</sup> یعنی ذبیحه های شان حلال است، جایز: آنچه هایکه عقیده دارند و در شریعت شان برایشان حلال است، و حرام نباشد بر بالای شان مانند: گوشت خنزیر، ولو اینکه مشخص نشود که آنها در ذبح، اسم الله متعال را بکار برده است، یا ذبیحه برای کنیسه و اعیاد شان باشد، ولو به عقیده تحریم هم باشد مانند: شتر، در همه یی این حالات حلال است.<sup>(۷)</sup>

## ب: ذبح اهل کتاب بطریقه های امروزی

قاضی ابن عربی میگوید: مسلماً از من سوال کرد، از نصرانی که گلوی مرغ را توسط ریسمان از بین می برد سپس گوشت آن مرغ را پخته میکند، آیا گوشت آن را همایش می خورید یا طعام مخلوطه همراهی آن گوشت را؟! در پاسخ گفتم: بلی! زیرا: همین طعام و ذبیحه آنها است و از

---

۱- محمد عبده بن حسن خیر الله، من آل الترمکمانی است، یکی از مؤسسين نهضت جدید در مصر است، و از بزرگان دعوت و اصلاح در مصر بشمار میاید، همچنان یکی از مفتیان دیار مصر بشمار میرفت، و در ۱۲۶۶ هـ تولد و در ۱۳۲۳ هـ (۱۸۴۹ - ۱۹۰۵ م) وفات یافته است. حسن خالد، معجم المفسرین «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، بیروت - لبنان، الناشر: مؤسسة نوبهض الثقافیة للتألیف والترجمة والنشر، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۸ م: ج ۲ ص ۵۶۶.

۲- {المائده، آیه ۵}

۳- محمد رشید رضا، مجلة المنار، بیروت، دارالفکر، الطبعة الاولى: ج ۶ ص ۷۷۱، ۸۱۲، ۹۲۷. و محمد رشید بن علی رضا (المتوفی : ۱۳۵۴ هـ)، تفسیر المنار، مصر، الناشر: الهيئة المصرية العامة للکتاب، سنة النشر: ۱۹۹۰ م: ج ۶ ص ۲۰۰-۲۱۷).

۴- محمد رشید بن علی رضا (المتوفی : ۱۳۵۴ هـ) یکی از شاگردان محمد عبده و نویسنده تفسیر المنار است. تفسیر المنار: ج ۱ ص ۱.

۵- مجلة المنار: ج ۶ ص ۷۷۱، ۸۱۲، ۹۲۷. و تفسیر المنار: ج ۶ ص ۲۰۰-۲۱۷.

۶- {المائده، آیه ۵}

۷- الفقه الاسلام و ادلته: ج ۴ ص ۲۹۴.

دانشمندان و علمای شان هم همین است، اگر چند در واقع نزد ما این ذبح شرعی نیست، ولی؛ الله متعال طعام آنها را بشکل مطلق بدون قید مباح ساخته است، به هر شکلیکه آنها در دین شان ذبح کند برای ما و در دین ما حلال است، مگر در صورتیکه الله متعال را تکذیب کنند.<sup>(۱)</sup>

در جای دیگری ابن عربی میگوید: خود مرده و آنچه را که میخورد اهل کتاب حرام است که بطریق شرعی ذبح نشده باشد، مانند: خفه کردن و شکستن سر حیوان بدون قصد ذبح. بین این دو قول ابن عربی منافات نیست، بخاطریکه مراد اینست: آنچه را که آنها به عنوان ذبح میشناسند نزد شان، حلال است برای ما خوردنش مشکل ندارد، هر چند که نزد ما ذبح صحیح نباشد، و آنچه را که آنها به عنوان ذبح نمیشناسند خوردنش برای ما حرام است. مفهوم مشترک اینست که: ذبح شرعی عبارت است از قصد به برون کردن روح حیوان به نیت حلال شدن گوشتش.<sup>(۲)</sup>

پس طبق روشنی این قاعده: ذبایح اهل کتاب توسط شوک برقی و غیره، تا وقتیکه آنها اعتبار دادن به عنوان ذبح و حلال شمردند، برای ما هم حلال است، به موافق عموم آیت که قبلاً تذکر رفت، اما به هیچ حالت تناول کردن گوشت های وارداتی از شهرهای مشهور دنیا، جایز نیست، زیرا؛ آنها(ذابحین) از اهل کتاب نیستند بلکه به تمام ادیان کافر هستند، و الله متعال و رسولش صلی الله علیه و سلم را انکار میکنند.<sup>(۳)</sup>

## مطلب دوم: حکم تسمیه بر ذبیحه اهل کتاب

### الف: ذبح اهل کتاب به غیر از الله

وقتی دانسته شد که ذبح کننده بر ذبیحه اش اسم غیر از الله را بکار برده است، به اینکه ذبح کرده است نصرانی به اسم مسیح علیه السلام، یهودی به اسم عزیر علیه السلام، در این قسمت جمهور علماء گفته اند: ذبیحه شان حلال نیست، از جهت قول الله متعال: {وَمَا أَهْلٌ بِهِ لغيرِ اللَّهِ} <sup>(۴)</sup>

ترجمه: و آن حیوانی که به نام غیر خدا سر بریده شود، حرام است.

۱- احکام القرآن: ج ۲ ص ۵۵۶.

۲- الحلال والحرام في الإسلام: جزء ۹ ص ۷.

۳- الحلال والحرام في الإسلام: جزء ۹ ص ۷.

۴- {المائدة، آیه ۵}

و هم در جای دیگری الله متعال میفرماید: {وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ} (۱۲۱) (۱).

ترجمه: ای مؤمنان آنچه بخاطر دیگران جز از خداوند ذبح گردیده یا در هنگام ذبح نام دیگران جز از خداوند بدان برده شده، از آن نخورید، همان حیوانی که بنام بتان ذبح می گردد، خوردن از گوشت آن خروج از حدود اطاعت خداوند به حساب می آید، شیطان صفات مشرکان را که در راه ضلالت دوستان آنان اند، وسوسه می کند، تا با حرف های باطل با مؤمنان به مجادله بپردازند و می گویند: عجباً آنچه را که خود ذبح می کنید می خورید و از آنچه که خداوند آن را کشته است نمی خورید، اگر در تحلیل حرام از مشرکان اطاعت کنید و در این زمینه با آنان مساعدت نماید، شما همانند آنها خواهید بود. (۲)

اما مالکیه میگویند: مکروه است اما حرام نیست، از جهت عموم آیت: { وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ} (۳)

ترجمه: و ذبایح اهل کتاب برای شما حلال است.

زیرا؛ الله متعال میدانست که آنها بر ذبایح شان این سخن ها را میگویند، و همچنان تسمیه آنها به اسم إلهه های شان حقیقت است، بر طریق عبادت نیست، پس تسمیه آنها و عدم آن یکسان است. (۴) شوافع مقید کرده اند، حلال بودن ذبیحه اهل کتاب و ازدواج با کتابیه را بشرطیکه: اهل کتاب اسرائیلی نباشد. (۵)

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی قول جمهور فقهاء است، زیرا؛ ذبیحه شان حلال است که مانند ذبیحه مسلمان اسم الله متعال تنها در ذبح شان بکار برند، بخاطریکه این موضوع بسیار مهم است، اگر خوردن گوشت اهل کتاب که بنام غیر الله ذبح میکنند حلال می بود، حتماً الله متعال آنرا تذکر

۱- {الأنعام، آیه ۱۲۱}.

۲- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۱ ص ۴۸۹ - ۴۹۰.

۳- {المائدة، آیه ۵}

۴- الفقه الاسلام و ادلته: ج ۴ ص ۲۹۵.

۵- مغنی المحتاج: ج ۳ ص ۱۸۷.

## ب: عدم معلومات در مورد کتابی، که تسمیه را ذکر کرده است و یاخیر؟

در این قسمت یک قاعده است که: آنچه از چشم ما غائب است، از آن سوال نباید کنیم، مناسب نیست برای یک مسلمان که اینگونه سوالات را مطرح کنند از آنچیزیکه از چشمش غائب است:

۱. تذکیه اش چگونه است؟

۲. آیا شرائط ذبح را ایفاء کرده و یاخیر؟

۳. آیا اسم الله را در ذبح بکار برده است و یاخیر؟

بلکه هر آنچه که از چشم ما غائب است که مسلمان ذبح کرده است و یا مسلمان جاهل یا فاسق و یا اهل کتاب باشد، خوردنش حلال است. (۲)

بدلیل حدیث شریف: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ قَوْمًا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ قَوْمًا يَأْتُونَنَا بِاللَّحْمِ لَا نَدْرِي أَذَكَّرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمْ لَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «سَمُّوا اللَّهَ عَلَيْهِ وَكُلُوهُ». (۳)

ترجمه: از عایشه رضي الله عنها روایت است که گروهی از مردم، گفتند: یا رسول الله! بعضی برای ما، گوشت می آورند ولی ما نمی دانیم که هنگام ذبح کردن، بسم الله گفته اند یا خیر؟ (تکلیف ما چیست)؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: بسم الله بگویید و بخورید.

وجه استدلال از حدیث: اینکه افعال و تصرفات حمل بر صحت و سلامت میشود، تا وقتی که دلیل بر فساد و بطلان آن قایم شود. (۴)

۱- الفقه الاسلام و ادلته: ج ۴ ص ۲۹۵.

۲- الحلال والحرام في الإسلام: جزء ۹ ص ۸.

۳- صحيح البخاری: ج ۲ رقم الحديث: ۲۰۵۷.

۴- الحلال والحرام في الإسلام: جزء ۹ ص ۸.

## مبحث دوم

حکم گوشت های وارداتی از کشورهای غیراسلامی به کشورهای اسلامی

این مبحث دارای دو مطلب است:

مطلب اول : واردات گوشت از کشورهای غیراسلامی (اهل کتاب)

مطلب دوم : واردات گوشت از کشورهای غیراسلامی غیراهل کتاب و کشورهای

غیراسلامی مختلط

کشورهای غیر اسلامی را میتوان به سه بخش اساسی تقسیم نمود:

۱- کشورهای غیر اسلامی اهل کتاب.

۲- کشورهای غیر اسلامی غیر اهل کتاب.

۳- کشورهای غیر اسلامی مختلط.

### **مطلب اول: واردات گوشت از کشورهای غیر اسلامی (اهل کتاب)**

مشکل اساسی که امروز در قسمت خوردن گوشت های وارداتی از کشورهای اهل کتاب، بخصوص کشورهای امریکایی و اروپایی مطرح میگردد، دانستن این نقطه است که: آیا کشورهای امریکایی و اروپایی اهل کتاب هستند که تا با آنها معامله اهل کتاب شود؟، در حالیکه کسانی که این کشورها را از دیدگاه سیاسی میشناسند، و یا هم به این کشورها سفر مینمایند، نظر شان مانند علمایی نیست که بی خبر از قوانین این کشورها بوده و اروپایی امروزی را مانند اروپای قرون وسطی فکر میکنند.<sup>(۱)</sup>

مجله (الدعوه) که در کشور عربستان سعودی نشر میگردد، در شماره ۶۷۶ تاریخ ۲۷ ذی الحجه ۱۳۹۸ هـ تحت عنوان: معلومات عن الدجاج المستورد = معلومات در باره مرغهای وارداتی، چنین نوشته است: در کشورهای غربی انحرافات بسیار زیاد شده است، گروههای مخالف دین مانند کمونیستی که وجود الله جل جلاله را انکار می کنند بسیار زیاد، و در یهود و نصارا کسانیکه خوردنی های شان برای ما حلال است بسیار کم میباشد، زیرا کسانیکه به یهودیت و نصرانیت عقیده دارند تعداد بسیار اندکی هستند که بنام رجال الدین نامیده میشوند، و آنان از ذبح حیوانات بسیار دور هستند، زیرا آنان اشخاص بلند رتبه اند که چنین کارها را نمیکند، و کار کشتار حیوانات را کارگران کوچک از جوانان منحرفی به دوش دارند که به کدام دینی ملتزم نیستند و اکثریت شان دهری های بی دین میباشند.<sup>(۲)</sup>

به اساس این سیستم سیاسی در کشور، مسلخ های این کشورها توجهی به احکام دین نداشته و مطابق قوانین دموکراسی حیوانات را ذبح میکنند، اکنون کشورهای امریکایی و اروپایی در قسمت

---

۱- البحوث العلمیه، تالیف هیأت کبار العلماء بالمملکه العربیه السعودیه، الرياض: رئاسه اداره البحوث العلمیه و الافتاء، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م: ج ۲ ص ۷۰۲.

۲- المجله الدعوه: شماره ۶۷۶.

قوانین شان از کدام دین پیروی نمیکنند، زیرا قانون آنرا پارلمان هایی میسازند که اکثریت آنرا اشخاص تشکیل میدهد که بیدین هستند.<sup>(۱)</sup>

امروز در کشورهای غربی مثل اروپا و امریکا قوانینی وضع شده است که کاملاً با قوانین اهل کتاب در تضاد است، امروز درین کشورها آنچه در ادیان گناه شمرده میشود، مباح و جایز میباشد از قبیل: شراب، قمار، زنا، بی لباسی و غیره از جمله اموری است که امروزه در این کشورها مشروعیت دارد، بناءً کسانی که این کشورها را دیده اند، بصراحت میدانند که نامگزاری این کشورها به کشورهای اهل کتاب ظلم به ادیان میباشد.<sup>(۲)</sup>

بسیاری از مسلمانان، که به کشورهای اروپایی و امریکایی میروند، در روزهای اول چنین گمان میکنند که این کشورها اهل کتاب میباشد، بناءً گوشتهای شان را میخورند، ولی بعد از گذشت چند روز برایشان ثابت میشود که گوشتهایی که در هوتلهای این کشورها توزیع میگردد، در مسلخ های ذبح میشوند که در آن قانونی هیچ دینی مراعات نمیگردد، بناءً از خوردن آن منصرف میشوند، زیرا آنان مشاهده میکنند که مسلمانان درین کشورها، از این گوشتها نمیخورند، زیرا معلوم نیست قصابی که این حیوانات را ذبح میکند پیرو کدام دین است و یا نیست، زیرا بسیاری مردم در اروپا و امریکا کسانی هستند که به هیچ دین عقیده ندارند. بالاخره برایشان ثابت میشود که طریق ذبح در این مسلخ ها بشکل شرعی و درست نیست. بناءً آنده مسلمانانی که علاقمند تطبیق احکام اسلامی بالای شان می باشند، از این گوشت ها نخورده بلکه به عوض استفاده از گوشتهای هوتلها و فارمها می کنند که در آن کشورها، به قصابی های خاصی مسلمانان برای مسلمانان ساخته اند.<sup>(۳)</sup>

یکتن از استادان میگوید: زمانیکه من به امریکا رفتم، به همراهی چند تن از دوستان ما به این فکر بودیم که این مردم اهل کتاب هستند، گوشتهای شان حلال است، زیرا غذای اهل کتاب برای مسلمانان جایز است، و منظور از غذای شان همین ذبایح شان میباشد، ولی بعد از چند روز فهمیدیم که مسلمانان آنجا از این گوشتها نمیخورند، وقتی در مورد تحقیق نمودم، دانستم که این فارمها مرغها و سایر حیوانات را به اشکال مختلف ذبح میکنند، و کسانی که مسؤولیت ذبح را دارند، معتقد به کدام دین نمیباشند، زیرا مالکین شرکت ها، مسائل دینی را مطرح نمیکنند، بلکه توسط آلات و

۱- گوشتهای وارداتی از خارج کشور: ص ۳۵.

۲- البحوث العلمیه: جزء ۲ ص ۷۲۳.

۳- البحوث العلمیه: جزء ۲ ص ۷۲۳.

وسایل دسته شان که هرچیزی باشد، کشتار میکنند. بنابر مشوره مسلمانان آنجا از قصابی های مخصوص مسلمانان که گوشت در آنجا کمی قیمت هم بود، گوشت خریداری نموده، خود ما پخته نموده میخوریم.<sup>(۱)</sup>

## مطلب دوم: واردات گوشت از کشورهای غیراسلامی غیراهل کتاب و کشورهای غیراسلامی مختلط

گوشتهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی که اهل کتاب نیستند، بدون شک حرام میباشد، زیرا در این کشورها بت پرستان، آفتاب پرستان، ملحدان، کمونیستان و غیره کسانی سکونت دارند که اصلاً به وجود الله جل جلاله باور ندارند، و یا هم مشرک اند، بناءً خوردن غذای ملحد، مرتد، دهری، کمونیست، مشرک و غیره برای مسلمانان جایز نمیشود.<sup>(۲)</sup>

علمای فقه اسلامی در مورد ذبح کننده مطابق قرآن و سنت شرط نموده اند که یا مسلمان و یا هم اهل کتاب باشند، بناءً ذبیحه بت پرست و آتش پرست به اتفاق تمام فقهای حنفی<sup>(۳)</sup>، مالکی<sup>(۴)</sup>، شافعی و حنبلی<sup>(۵)</sup> حرام میباشد.

دلیل اصلی آنها اینست که کافران، مشرکان، ملحدان و غیره نام الله متعال را ذکر نمیکنند، بلکه بر عکس آن بنام های دیگر ذبح میکنند.<sup>(۶)</sup>

الله متعال در مورد میفرماید: **{حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَالْحَمُّ الْخَنِزِيرُ وَمَا أَهْلَ لِعَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَبِقَةُ وَالْمُؤَفَّقَةُ وَالْمُتَرَدِّیَةُ وَالنَّطِیْحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّیْتُمْ}**.<sup>(۷)</sup>

ترجمه: ای مؤمنان برای شما حرام قرار داده شده است خوردن حیوان مردار، خون، گوشت خوک،

۱- گوشتهای وارداتی از خارج کشور: ص ۵۰.

۲- احکام الذبائح و اللحوم المستورد: ص ۴۶.

۳- المبسوط: ج ۱۲ ص ۱۸. البناية شرح الهداية: ج ۱۱ ص ۵۳۲. بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع: ج ۵ ص ۴۷.

۴- شرح مختصر خليل للخرشي: ج ۳ ص ۵. مالك بن انس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ۱۷۹هـ)، المدونة، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۴م: ج ۱ ص ۵۳۶.

۵- الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل: ج ۴ ص ۳۲۰. المغني لابن قدامة: ج ۱ ص ۵۲.

۶- الموسوعة الفقهية الإسلامية: ج ۴ ص ۷۴۴۸.

۷- {المائدة، آیه ۳}



آنچه که در هنگام ذبح نام غیر از خداوند بدان برده شده یا بخاطر غیر از خداوند ذبح گردیده باشد، آنچه که توسط ریسمان و غیره خفه کرده شود، آنچه که به ضرب عصا یا سنگ جان داده باشد، آنچه که از کوه یا ناحیه بلند به زمین افتاده و مرده باشد، حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر بمیرد، حیوان که قسمتی از آن را درنده بخورد و به سبب آن جان بازدمگر حیوانی که قبل از مرگ آن را دریابید و به طریقه شرعی آن را ذبح کنید.<sup>(۱)</sup>

همچنان برای یک مسلمان اجازه نیست که از گوشت‌های کشورهای مختلط و غیر مسلمانان، استفاده نماید، زیرا گمان بیشتر اینست که آنرا غیر مسلمانان ذبح نموده باشند. چون درین کشورها بت پرستان، آفتاب پرستان، ملحدان، کمونیستان و غیره کسانی اند که اصلاً به وجود الله متعال باور ندارند، بناءً غذای ملحد، مرتد، دهری، کمونیست، مشرک و غیره برای مسلمان جایز نمیباشد.<sup>(۲)</sup>

---

۱- ترجمه فارسی صفوة التفسیر، ج ۱ ص ۳۷۵.

۲- گوشت‌های وارداتی از خارج کشور: ص ۶۰.

## مبحث سوم

### گوشت های موجود مورد استفاده در افغانستان

این مبحث دارای سه مطلب است:

مطلب اول: گوشت های حاصل دامداری داخلی

مطلب دوم: گوشت های وارداتی در بازارهای افغانستان

مطلب سوم: مشکلات فروشنده ها

## مطلب اول: گوشت های حاصل دامداری داخلی

گوشت های حاصل دامداری افغانها بدو بخش تقسیم میشود:

۱- گوشت های داخلی « چهارپایان »

۲- مرغ های فارم های داخلی

### ۱- گوشت های داخلی « چهارپایان »

اکثریت قصابان ما خودشان گوسفند، گاو، گاومیش و شتر را ذبح میکنند، و این قصابان مسلمان هستند، گوشت های شان حلال میباشد.<sup>(۱)</sup>

### ۲- مرغ های فارم های داخلی

امروز بعضی از فارمهای افغانی مثل فارم هرات مرغها را تولید نموده بعد از ذبح به بازار عرضه میدارند. و ازینکه خودشان مسلمان هستند و با شرایط اسلامی ذبح میکنند، گوشت های شان حلال میباشد.<sup>(۲)</sup>

## مطلب دوم : گوشت های وارداتی در بازارهای افغانستان

گوشت هایی که امروز در بازارهای افغانستان از خارج وارد میگردد به سه شکل میباشد:

۱- مرغ های پاکستانی

۲- مرغ های برازیلی و امریکایی

۳- گوشت های هند

اینکه حکم اینها چیست؟ قرار ذیل اند:

### ۱- مرغ های پاکستانی

این مرغها که به شکل زنده و یا ذبح شده از پاکستان وارد میشوند، بناءً خوردن گوشت مرغهای

---

۱- گوشت های وارداتی از خارج کشور: ص ۶۱.

۲- عبدالصیر عثمانی، احکام ذبائح، کابل، انتشارات سیرت، چاپ اول ۱۳۹۳ هـ.ش: ص ۳۴.

پاکستان با این صورت حلال می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

## ۲- مرغ های برازیلی و امریکایی

مرغهای یکه در پاکتھا از کشورھای غیر اسلامی مثل برازیل و امریکا وارد میشود، خوردن این گوشتھا ناجایز است، در حالیکه بسیاری از مردم ما باوجود دانستن زبان انگلیسی و عربی این گوشتھا را حلال دانسته میخورند، حتا برخی از فروشنده ها این مرغھا را از پاکتھا برون کشیده، در چنگگ های خویش آویزان نموده، بنام مرغهای پاکستانی و داخلی بفروش میرسانند، که در این زمینه مسلمانان با تقوا که میخواهند از گوشت حلال استفاده کنند، باید توجه جدی نمایند، همچنان برخی از رانهای مرغھا که بنام گوشتهای ایرانی در بازار فروخته میشوند، به اساس تحقیقاتی که صورت گرفته است، اصلا از ایران هیچ ران مرغ به افغانستان نمیآید.<sup>(۲)</sup>

عبدالظاهر داعی در کتابش "گوشتهای وارداتی از خارج کشور" از حاجی زمری که یکی از تجاران کشور است و با وی صحبت نموده است، چنین نقل قول کرده است: که من یک مرتبه یک کانتینر گوشت ران مرغ ایرانی وارد کردم، مبلغ هنگفتی فایده نموده، وقتی بارگیری به آن شرکت که مرکزش در ترکیه بود تماس گرفتم، آنان گفتند که: گوشت یک ماه بعد میرسد، وقتی پرسیدم که مسافه بین ایران و ترکیه بسیار زیاد نیست، آنان گفتند که: این رانها از امریکا توسط کشتی ها به ترکیه انتقال داده میشوند، سپس بنام گوشتهای ایرانی به کشورهای اسلامی خصوصاً افغانستان فرستاده میشوند.

به همین شکل از مسؤول شرکت حبیب حسام سید نورالله که در مارکیت جدید میوهء تهیه مسکن کابل دفتر داشته، و فروشگاهی بنام فروشگاه گوشت حلال دارد، و این شرکت از جمله شرکت های وارداتی گوشت به افغانستان میباشد، در مصاحبه با عبدالظاهر داعی چنین گفته است: که شرکت شان اکثریت گوشتھا را به افغانستان از کشورهای امریکا، کانادا و برازیل وارد میکند.<sup>(۳)</sup>

۱- احکام ذبائح: ص ۳۳.

۲- گوشتهای وارداتی از خارج کشور: ۶۲-۶۳.

۳- گوشتهای وارداتی از خارج کشور: ۶۴-۶۵.

### ۳- گوشت های هند

گوشت های هندی هم به افغانستان وارد می‌گردد، در مورد ذبح حیوانات در هندوستان استاد عبدالظاهر داعی با یک تن از استادان پوهنتون محترم عبدالجلیل فقیهی صحبتی نموده است، که استاد فقیهی شخصاً از هندوستان و از این شرکتها دیدن نموده است و چنین ابراز نظر نموده است:

من به مرکز ذبح آن که در شهر پونه هندوستان است رفتم، در آنجا مالک این شرکت ها چاچا مصطفی است که یک شخص مشهور میباشد و کشتارگاه دارد، من ذبح حیوانات را در آنجا مشاهده نمودم، دیدم که بالای تیغ و یا کارد بزرگی که حیوانات را ذبح میکند، الله اکبر نوشته شده است. اکنون باید از مفتیان و علماء نخست پرسیده شود که هرگاه کسی بالای تیغ و یا کارد الله اکبر بنویسد، و در هنگام ذبح به زبان خود قصاب الله اکبر نگوید، خوردن این حیوان حلال است و یا حرام؟ استاد فقیهی گفت: اکنون این اشخاص در هندوستان اسلوب جدیدی را در پیش گرفته اند، مثلاً در سال ۲۰۰۹م آنان کست و یا سی دی را در کشتار گاه میگذارند که در آن کسی الله اکبر میگوید، و هنگامیکه ماشین سر حیوانات را قطع میکند این کست یا سی دی روشن است، و صدای یکه ثبت شده است الله اکبر میگوید.<sup>(۱)</sup>

اکنون باز سوال متوجه مفتیان و فقهای اسلام می‌گردد که آنان در مورد ذبح حیوانات که توسط کست و یا سی دی الله اکبر گفته میشود، چه فتوا میدهند؟ استاد فقیه در مورد اینکه درین کارتن ها حلال نوشته شده است، چه نظر دارد گفت: به اساس چشم دید خودش تمام حیوانات یکجا کشته میشود. سپس کارتن های وجود دارد که این گوشتها در آن کارتن ها جابجا میشود، فقط در کارتن هایی که به کشورهای اسلامی صادر می‌گردد، حلال نوشته شده است، صرف فرق در کارتن ها همین است، ورنه گوشت حیوانات همه یکسان میباشد.<sup>(۲)</sup>

همچنان کشور هند کشوری اسلامی یا کتابی نیست، بناءً باید از خوردن تماماً مذبوحه های آن

---

۱- گوشتهای وارداتی از خارج: ص ۷۰-۷۱.

۲- گوشتهای وارداتی از خارج: ص ۷۱-۷۲.

خود داری کرد.<sup>(۱)</sup>

در کشوری که اغلب آن بت پرست هستند مثل هندوستان، ذبیحه های آنها حرام است، زیرا الله متعال تنها ذبح اهل کتاب که یهود و نصاری است حلال ساخته است.<sup>(۲)</sup>

## مطلب سوم: مشکلات فروشنده ها

فروشنده های گوشت ها مشکلات ذیل را دارا میباشند:

### ۱- فروشنده های آگاه

برخی از فروشنده ها برای فریب کاری در حالیکه از اصل قضیه آگاه هستند، گوشت های وارداتی کشورهای برازیل، امریکا و هندوستان را بنام ایرانی، ترکی و عربی به فروش میرسانند، برخی دیگر قصداً گوشت های برازیلی و امریکایی را از پاکت ها کشیده بنام گوشت های وطنی و پاکستانی به فروش میرسانند، و قصداً رانهای گوشت های امریکایی و برازیلی را در بین رانهای گوشت های امریکایی داخل میکنند.<sup>(۳)</sup>

### ۲- فروشنده های غیر آگاه

برخی از فروشنده ها بیخبر و نا آگاه هستند و نمیدانند که گوشت هایی را که میفروشند از کشورهای غیر اسلامی است، بناءً بنام عربی، ایرانی، ترکی به فروش میرسانند.<sup>(۴)</sup>

---

۱- المؤلف: لجنة الفتوى بالشبكة الإسلامية، فتاوى الشبكة الإسلامية، تم نسخه من الإنترنت: في ۱ ذو الحجة ۱۴۳۰ هـ = ۱۸ نوفمبر، ۲۰۰۹ م: ج ۱۷ ص ۴۱۹.

۲- عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى: ۱۴۲۰ هـ)، مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز رحمه الله، أشرف على جمعه وطبعه: محمد بن سعد الشويعر، عدد الأجزاء: ۳۰ جزء: ج ۲۳ ص ۳۲.

۳- گوشت های وارداتی از خارج: ص ۷۳-۷۴.

۴- گوشت های وارداتی از خارج: ص ۷۳.

## نتیجه گیری

از بحث و تحقیق در مورد ذبح شرعی و گوشت های وارداتی به این نتیجه رسیدیم:

- ۱- ذبح در لغت به معنای شق نمودن و در اصطلاح: قطع کردن عروق گردن گاو، گوسفند و مانند آنها را گفته می شود، نحر در لغت به معنای گردن و محل قلاده را گویند و در اصطلاح: قطع رگهای شتر است، که در آخرین قسمت گردن و نزدیک سینه اش می باشد، عقر در لغت به معنای بریدن و قطع پای را گویند و در اصطلاح: مجروح نمودن حیوان به قصد قتلش در هر قسمتی از بدنش در هنگام قدرت نداشتن به ذبح آن میباشد.
  - ۲- در ذبح شرعی باید رگهای گلو که باعث ریختاندن خون و از بین رفتن روح میگردد، قطع گردد.
  - ۳- برای اینکه یک حیوانی که گوشتش حلال است برای خوردن پاک شود، باید شرایط آن مراعات گردد.
- الف - شرایط درحیوان:** ۱. حیوان در وقت ذبح زنده باشد. ۲. حلقوم، مری و ودجین(دوشاه رگ) حیوان قطع گردد. ۳. روح حیوان به محض ذبح کردن از بین رود. ۴. در هنگام ذبح حیوان تسمیه و گفتن نام الله متعال بکاربرده شود.
- ب - شرایط در ذبح کننده: ۱. صاحب ملت توحید باشد. ۲. محرم نباشد. ۳. تسمیه گفتن را بداند. ۴. ضبط و آگاهی داشته باشد شرایط ذبح را. ۵. نام غیر از الله را ذکر نکرده باشد. ۶. ذبح از مقدم گردن صورت گیرد.
  - ج - ۱. الله متعال تنها در ذبح ذکر گردد. ۲. ذبح کننده خودش تسمیه را در جریان ذبح بگوید. ۳. ذبح مستقیماً بعد از تسمیه شروع گردد بدون ایجاد فاصله و تبدیل کردن مجلس. ۴. هدف از ذکر تسمیه قصد ذبح حیوان باشد. ۵. در ذکر تسمیه تعظیم الله متعال مراد باشد.
- ۴- در قرآن کریم، سنت نبوی و اجماع امت ذبح شرعی من حیث یک رکن اساسی اسلام ثابت گردیده است.
  - ۵- هر آنچه‌یکه خون را میریزاند و رگها را قطع میکند، برابر است از آهن باشد، یا از سنگ، یا از شاخه درخت و یا از شیشه، ذبح کردن با آنها درست است. کشتن حیوان بدون بریدن رگ ها جز در حالات اضطرار حلال نمیشود.

- ۶- تسمیه گفتن در هنگام ذبح هم در قرآن کریم و هم در دها حدیث از جمله شرایط ذبح خوانده شده است.
- ۷- ذبیحه اهل کتاب، از حیث مبدأ به اتفاق اسلام جایز است، اما وقتی دانسته شد که ذبح کننده اهل کتاب بر ذبیحه اش غیر از اسم الله را گرفته است، به شکلیکه: مسیحی به اسم مسیح، یهودی به اسم عزیر ذبح کردند. جمهور فقهاء بر عدم حلال بودن آن گوشت حکم میکنند.
- ۸- از خوردن ذبیحه ماتریالیست و دهرایون خود داری گردد.
- ۹- در قسمت تغذیه حیوان از نجاست باید گفت: حیواناتی که گوشتش خورده نمیشود، برایش جایز است که بخاطر تغذیه اش نجاست داده شود. اما تغذیه حیواناتی که گوشتش حلال است از نجاست مانند: گوسفند و شتر، فقهاء در این بخش اختلاف دارند، که قول راجح حیوان حبس گردد تا بوی گوشتش از بین برود، که اندازه کرده است این حبس را در سه روز برای مرغان، چهار روز برای گوسفند، ده روز برای شتر و گاو.
- ۱۰- از خوردن گوشت هایی که توسط دستگاه هایی که معمولاً حیوان را خفه و موقوده میسازد، وحتا باعث تعذیب بیشتر حیوان میگردد، خود داری شود.
- ۱۱- مسلمانان باید در قسمت گوشت هایی که مورد استفاده قرار میگیرند، متوجه باشند که از کدام کشورها وارد میگردد.
- ۱۲- گوشتهاییکه از کشورهای برازیل، امریکا، استرلیا و هندوستان به افغانستان وارد میگردد، گوشتهای اند که ذبح آنان بطریقه اسلامی ثابت نبوده، بناءً مسلمان باید از خوردن آن پرهیز نمایند.
- ۱۳- کشورهای اروپایی و امریکایی را نمیتوان اهل کتاب نامید، زیرا در این کشورها قانون سیکولرستی تطبیق میگردد که در قوانین دولتی و شرکت ها، قانون اهل کتاب هیچ نقشی ندارد.



## پیشنهادات

برای اینکه مردم مسلمان افغانستان بتوانند از گوشت‌های حلال استفاده کنند، امور ذیل را پیشنهاد می‌نمایم:

- ۱- در اول به اداره محترم نورم و استندرد، دارالافتای ستره محکمه، وراثت حج و اوقاف، وزارت تجارت و صنایع، وزارت صحت عامه و دیگر ارگان‌های ذیربط که بررسی لازم را در زمینه انجام نمی‌دهند، باید در زمینه سعی جدی مبذول نمایند.
- ۲- برای خلاصی از گوشت‌های حرام و مشکوک، تاجران محترم ما سعی و تلاش ورزند که در داخل کشور فارمهای مرغداری و مالداری را تأسیس نمایند و توسط قصابان مسلمان خود ما حیوانات را ذبح نموده، در خدمت هموطنان خویش قرار دهند.
- ۳- تاجران محترم افغان هنگام وارد نمودن گوشت و غذاها احکام اسلامی را در نظر گیرند، زیرا تجارت در حرام سرمایه و عایدات را حرام میسازد، برای یک تاجر مسلمان جایز نیست آنچه را که شریعت اجازه نمیدهد به کشور وارد کند.
- ۴- هرگاه ضرورت به واردات مرغها از کشورهای خارجی باشد، میتوانند با قراردادهای مناسب با شرایط اسلامی با این شرکت‌ها، پروتوکول نمایند، تاحیوانات به شکل اسلامی ذبح و در دسترسی هموطنان عزیز ما قرار گیرد.
- ۵- در صورت امکان اگر حیوانات به شکل زنده خریداری شده و توسط قصابان خود ما ذبح گردند خوبتر است، چنانچه مرغهای پاکستانی به شکل زنده به افغانستان آورده میشوند و در اینجا ذبح میشوند، برای وارد نمودن مرغهای زنده، تاجران ما سعی و تلاش ورزند.
- ۶- هرگاه مسئولین بخواهند که مردم از گوشت‌های حلال استفاده کنند، میتوانند که با شرکت‌های خارجی قرار داد نمایند، که قصابخانه‌های مخصوص برای مسلمانان بسازند.
- ۷- علماء و دعوتگران مسلمان باید در منابر و مراکز دعوت شان این موضوع را در اولویت شان قرار دهند و برای مردم بفهمانند، تا مردم از خریداری آن خود داری نمایند.
- ۸- همچنان علماء و دعوت گران مسلمان وقتیکه در رسانه‌های صوتی و تصویری حضور بهم میرسانند، این موضوع را زیاد انعکاس دهند، تا از این طریق مردم آگاهی حاصل نمایند.

## فهرست آیات های قرآنی

شماره	آیات	سوره	صفحه
۱	{يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ}	{البقره، آیه {۴۹}	۹
۲	{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً}	{البقره، آیه {۶۷}	۹، ۸
۳	{فَذَبِّحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ}	{البقره، آیه {۷۱}	۸
۴	{وَمَا أَهْلٌ بِهِ لغيرِ اللَّهِ}	{البقره، آیه {۱۷۳}	۲۷
۵	حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلٌ لغيرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْفُوذَةُ وَالْمُنْتَرِيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ	{المائدة، آیه { ۳}	۲۳، ۱۶، ۴۵، ۳۰، ۸۲، ۷۵، ۱۰۰
۶	يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ	{المائدة، آیه {۴}	۴۴
۷	{ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّلٌ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّلٌ لَهُمْ }	{المائدة، آیه {۵}	۴۹، ۴۶، ۲۴، ۹۱، ۹۰، ۵۱، ۹۵، ۹۴، ۹۳
۸	يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ	{المائدة، آیه {۱۳}	۵۴
۹	لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ	{المائدة، آیه {۷۳}	۵۳
۱۰	وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ	{المائدة، آیه {۸۸}	۸۱

٢٥، ٢٣	{المائدة، آيه ٩٥}	{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيِّدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ}	١١
٤٤، ٣١	{الأنعام، آيه ١١٨-١١٩}	{فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (١١٨) وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لِيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنْ رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ }	١٢
٤٦، ٣١، ٢٠، ٩٥، ٥١	{الأنعام، آيه ١٢١}	{وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ}	١٣
٤٦	{الأنعام، آيه ١٣٨}	وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرَّتْ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءَ بَرِّعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتُرُونَ	١٤
٥٠	{الأنعام، آيه ١٤٦}	وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظَفَرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ	١٥
١١، ٩، ٨	{الاعراف، آيه ٧٧}	{فَعَقَرُوا النَّاقَةَ}	١٦
٥٣	{التوبة، آيه ٣٠}	وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيزُ ابْنِ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ	١٧
٢٦	{النحل، آيه ١١٥}	{ وَمَا أَهْلٌ لِعَيْرِ اللَّهِ بِهِ }	١٨
٤٥	{الحج، آيه ٣٤}	وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	١٩

٤٥	{الحج، آيه ٣٦}	وَالْبُدْنَ جَعَلْنَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَنَاعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	٢٠
٦٦	{المؤمنون، آيات - ٥-٧}.	وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (٥) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (٦) فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ	٢١
٩ ، ٨	{الصافات، آيه ١٠٧}	{وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ}	٢٢
١٠ ، ٨	{الكوثر، آيه ٢}	{فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ}	٢٣

## فهرست آحادیث و آثار

شماره	حدیث	صفحه
۱	اذْبَحُوا بِكُلِّ شَيْءٍ فَرَى الْأَوْدَاجَ، وَأَنْهَرَ الدَّمَ، مَا خَلَا السِّنَّ وَالظُّفْرَ.	۱۱
۲	الدَّكَاةُ مَا بَيْنَ اللَّبَّةِ وَاللَّحْيَةِ	۱۳
۳	بَعَثَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بُدَيْلَ بْنِ وَرْقَانَ الْخَزَاعِيَّ يَصِيحُ فِي فِجَاجٍ مَنَىٰ إِلَّا إِنَّ الدَّكَاةَ فِي الْحَلْقِ وَاللَّبَّةِ».	۱۴

۴	(فَنَدَّ مِنْهَا بَعِيرٌ فَطَلَّبُوهُ فَأَعْيَاهُمْ ، وَكَانَ فِي الْقَوْمِ خَيْلٌ يَسِيرَةٌ فَأَهْوَى رَجُلٌ مِنْهُمْ بِسَهْمٍ ، فَحَبَسَهُ اللَّهُ ، فَقَالَ: إِنَّ لِهَذِهِ الْبَهَائِمِ أَوَابِدَ كَأَوَابِدِ الْوَحْشِ ، فَمَا نَدَّ عَلَيْكُمْ مِنْهَا فَاصْنَعُوا بِهِ هَكَذَا».	۱۷
۵	عن رافع بن خديج - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (مَا أَنْهَرَ الدَّمَ، وَذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ فَكُلُوهُ؛ لَيْسَ السِّنُّ وَالظُّفْرُ).	۱۷، ۳۹، ۴۴
۶	أَنَّ قَوْمًا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ قَوْمًا يَأْتُونَنَا بِاللَّحْمِ لَا نَدْرِي أَذَكَرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمْ لَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : سَمُّوا اللَّهَ عَلَيْهِ وَكُلُوهُ.	۱۷، ۱۹
۷	إِذَا أُرْسِلَتْ كَلْبِكَ الْمُعَلَّمُ وَذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ فَكُلْ	۲۰
۸	رُفِعَ عَنِّي الْخَطَا وَ النَّسِيَانُ وَ مَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ.	۲۰
۹	عَنِ الصَّلْتِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ذَبِيحَةُ الْمُسْلِمِ حَلَالٌ، ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ أَوْ لَمْ يَذْكُرْ.	۲۱
۱۰	عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مِمَّا يَذْبَحُ وَيُنْسِي أَنْ يُسَمِّيَ اللَّهَ؟ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اسْمُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. و في الروايه: اسْمُ اللَّهِ عَلَى فَمِ كُلِّ مُسْلِمٍ.	۲۲
۱۱	سَنَوَاهُمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ غَيْرَ أَكْلِي ذَبَائِحِهِمْ وَنَاكِحِي نِسَائِهِمْ.	۲۴

٢٥	وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي قِصَّةِ صَيْدِهِ الْحِمَارَ الْوَحْشِيَّ وَهُوَ غَيْرُ مُحْرَمٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ وَكَانُوا مُحْرَمِينَ: «هَلْ مِنْكُمْ أَحَدٌ أَمَرَهُ أَوْ أَشَارَ إِلَيْهِ بِشَيْءٍ؟» قَالُوا: لَا قَالَ: «فَكُلُوا مَا بَقِيَ مِنْ لَحْمِهِ».	١٢
٢٧	عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- أَمَرَ بِكَبْشٍ أَقْرَنَ يَطَأُ فِي سَوَادٍ وَيَبْرُكُ فِي سَوَادٍ وَيَنْظُرُ فِي سَوَادٍ فَأَتَى بِهِ لِيُضْحِيَ بِهِ قَالَ: يَا عَائِشَةُ هَلُمِّي الْمُدْيَةَ اشْحَذِيهَا بِحَجَرٍ. فَفَعَلْتُ ثُمَّ أَخَذَهَا وَأَخَذَ الْكَبْشَ فَأَضْجَعَهُ ثُمَّ دَبَحَهُ ثُمَّ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ. ثُمَّ ضَحَى بِهِ.	١٣
٤٧، ٢٩	عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أُرْسِلُ الْكِلَابَ الْمُعْلَمَةَ، فَيَمْسِكُنَّ عَلَيَّ، وَأَذْكَرُ اسْمَ اللَّهِ، فَقَالَ: إِذَا أُرْسِلْتَ كَلْبَكَ الْمُعْلَمَ وَذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ، فَكُنْ.	١٤
٣٢، ٣٥	عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا لَأَقْوَى الْعَدُوِّ غَدَاً، وَلَيْسَتْ مَعَنَا مُدَى، فَقَالَ: «اعْجَلْ، أَوْ أَرْنِ، مَا أَنْهَرَ الدَّمَ وَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَكُنْ، لَيْسَ السِّنُّ وَالظُّفْرُ، وَسَأَحْدِثُكَ: أَمَّا السِّنُّ فَعَظْمٌ، وَأَمَّا الظُّفْرُ فَمُدَى الْحَبْشَةِ». وَأَصَبْنَا نَهَبَ إِبِلٍ وَغَنَمٍ، فَذَنَدَ مِنْهَا بَعِيرٌ فَرَمَاهُ رَجُلٌ بِسَنَمِهِ فَحَبَسَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: «إِنَّ لِهَذِهِ الْإِبِلِ أَوَابِدَ كَأَوَابِدِ الْوَحْشِ، فَإِذَا غَلَبَكُمْ مِنْهَا شَيْءٌ فَافْعَلُوا بِهِ هَكَذَا».	١٥
٣٣، ٩٦، ٥٦	عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ قَوْمًا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ قَوْمًا يَأْتُونَنَا بِاللَّحْمِ لَا نَدْرِي أَذْكَرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمْ لَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: سَمُّوا اللَّهَ عَلَيْهِ وَكُلُّوهُ.	١٦
٨٤، ٣٦	إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا دَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الدَّبْحَ، وَلِيُجِدَّ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ وَلِيُرْخَ دَبِيحَتَهُ.	١٧
٣٧	لَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ تُمِيتَهَا مَوْتَاتٍ.	١٨
٤٠	عَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ: أَنَّهُ كَانَتْ لَهُمْ غَنَمٌ تَرَعَى بِسُلْعٍ، فَأَبْصَرَتْ جَارِيَةً لَنَا بِشَاةٍ مِنْ غَنَمِنَا مَوْتًا، فَكَسَرَتْ حَجْرًا فَدَبَحَتْهَا بِهِ، فَقَالَ لَهُمْ: لَا تَأْكُلُوا حَتَّى أَسْأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَوْ أُرْسِلَ إِلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ يَسْأَلُهُ، وَأَنَّهُ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذَلِكَ، أَوْ أُرْسِلَ، «فَأَمَرَهُ بِأَكْلِهَا».	١٩
٤١، ٣٥	أَفْرَأُ الْوُدَاجَ بِمَا شَنَّتْ	٢٠

٤٨	عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَقِيَ زَيْدَ بْنَ عَمْرٍو بْنَ نُفَيْلٍ بِأَسْفَلِ بَلَدِ حِمْيَرَ قَبْلَ أَنْ يَنْزِلَ عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - الْوَحْيَ، فَقَدِمَتْ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - سُفْرَةٌ، فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا، ثُمَّ قَالَ زَيْدٌ: إِنِّي لَسْتُ أَكُلُ مِمَّا تَذْبَحُونَ عَلَى أَنْصَابِكُمْ، وَلَا أَكُلُ إِلَّا مَا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَأَنَّ زَيْدَ بْنَ عَمْرٍو كَانَ يَعِيبُ عَلَى فُرَيْشٍ ذَبَائِحَهُمْ، وَيَقُولُ: الشَّاةُ خَلَقَهَا اللَّهُ، وَأَنْزَلَ لَهَا مِنَ السَّمَاءِ الْمَاءَ، وَأَنْبَتَ لَهَا مِنَ الْأَرْضِ، ثُمَّ تَذْبَحُونَهَا عَلَى غَيْرِ اسْمِ اللَّهِ، إِنْكَارًا لِذَلِكَ، وَإِعْظَامًا لَهُ.	٢١
٤٨	عَنْ جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ النَّحْرِ، ثُمَّ حَطَبَ، ثُمَّ ذَبَحَ وَقَالَ: مَنْ ذَبَحَ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ فَلْيَذْبَحْ أُخْرَى مَكَانَهَا، وَمَنْ لَمْ يَذْبَحْ فَلْيَذْبَحْ بِاسْمِ اللَّهِ.	٢٢
٥٠	إنما أحلت ذبائح اليهود والنصارى لأنهم آمنوا بالتوراة والإنجيل	٢٣
٥٥	سألت علياً عن ذبائح نصارى بني تغلب فقال: لا تأكلوا ذبائح نصارى بني تغلب فإنهم لم يتمسكوا من دينهم إلا بشرب الخمر.	٢٤
٥٧	وإن وجدت مع كلبك كلباً غيره وقد قتلت فلا تأكل فإنك لا تدري أيهما قتلت.	٢٥
٦٠	أَنَّ النَّاسَ نَزَلُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَرْضَ ثَمُودَ، الْحَجَرَ، فَاسْتَقَوْا مِنْ بِنْرِهَا، وَاعْتَجَنُوا بِهِ فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنْ يُهْرِيشُوا مَا اسْتَقَوْا مِنْ بِنْرِهَا، وَأَنْ يَغْلِفُوا الْإِبِلَ الْعَجِينَ وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَسْتَقُوا مِنَ الْبِنْرِ الَّتِي كَانَ تَرُدُّهَا النَّاقَةُ	٢٦
٦١	نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْجَلَالَةِ أَنْ يُؤْكَلَ لَحْمُهَا، وَيُشْرَبَ لَبْنُهَا، وَلَا يُحْمَلَ عَلَيْهَا الْأَدَمُ وَلَا يَرْكَبَهَا النَّاسُ حَتَّى تُغْلَفَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.	٢٧
٦٣	عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّهُ كَانَ يَحْبِسُ الدَّجَاجَةَ ثَلَاثَةَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْكُلَ بَيْضَهَا.	٢٨
٦٤	تغلف الجلالة علفاً طاهراً: إن كانت ناقه أربعين يوماً، وإن كانت شاة سبعة أيام، وإن كانت دجاجة ثلاثة أيام.	٢٩
٦٥	نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْجَلَالَةِ أَنْ يُؤْكَلَ لَحْمُهَا، وَيُشْرَبَ لَبْنُهَا، وَلَا يُحْمَلَ عَلَيْهَا الْأَدَمُ وَلَا يَرْكَبَهَا النَّاسُ حَتَّى تُغْلَفَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً.	٣٠

<p>٨٧</p>	<p>عن نُعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَأَشَارَ بِإِصْبَعَيْهِ إِلَى أُذُنَيْهِ يَقُولُ: الْحَلَالُ بَيِّنٌ، وَالْحَرَامُ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهُمَا مُشَبَّهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ؛ فَمَنْ اتَّقَى الْمُشَبَّهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ كَرَّاعِي يَزْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يُوَاقِعَهُ؛ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى، أَلَا إِنَّ حِمَى اللَّهِ فِي أَرْضِهِ مَحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ</p>	<p>٣١</p>
-----------	---	-----------



## فهرست اعلام

شماره	اسم	صفحه
۱	راغب اصفهانی	۹، ۱۰، ۱۱
۲	آلبانی	۱۵
۳	امام مالك	۱۹، ۲۱، ۶۳
۴	ابن سيرين	۱۹، ۵۲
۵	امام ابوحنيفه	۲۰، ۲۱، ۴۱، ۴۰
۶	امام شافعي	۱۹، ۲۰، ۲۱
۷	سر خسی	۲۴
۸	ابویوسف	۴۱
۹	امام محمد	۴۱
۱۰	عطاء	۵۲
۱۱	قاسم بن المخيمره	۵۲
۱۲	زهري	۵۲
۱۳	ربيعه	۵۲
۱۴	شعبي	۵۲
۱۵	مكحول	۵۲
۱۶	جصاص	۵۴
۱۷	عبيده	۵۵
۱۸	ابن حجر عسقلانی	۵۷
۱۹	احمد بن حنبل	۶۱، ۶۲، ۶۳
۲۰	محمد الهواری	۷۲
۲۱	محمد تقي عثمانی	۸۶

٩٤ ،٩٣ ،٩٠	ابن عربى	٢٢
٩١	يوسف قرضاوى	٢٤
٩٣	محمد رشيد رضا	٢٥
٩٣	شيخ محمد عبده	٢٦
٩٣	وهبة الزحيلي	٢٧

## فهرست منابع

قرآن كريم

١. ابن أبي شيبة أبو بكر عبد الله بن محمد الكوفي، المصنف في الأحاديث والآثار (مصنف ابن أبي شيبة)، الرياض، الناشر: مكتبة الرشد، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ هـ.
٢. ابن الأثير، مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري (المتوفى: ٦٠٦ هـ)، جامع الأصول في أحاديث الرسول، الناشر: مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة: الأولى، ١٣٨٩ هـ، ١٩٦٩ م.
٣. ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت، الناشر: دار المعرفة، ١٣٧٩ هـ ق.
٤. ابن دريد، جمهرة اللغة، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م.
٥. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين دمشقي الحنفي (المتوفى: ١٢٥٢ هـ)، رد المحتار على الدر المختار، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الثانية، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
٦. ابن قُطُوبغا، أبو الفداء زين الدين أبو العدل قاسم بن قُطُوبغا السوداني الجمالي الحنفي (المتوفى: ٨٧٩ هـ)، تاج التراجم، دمشق، الناشر: دار القلم، الطبعة: الأولى، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٢ م.
٧. أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي، (المتوفى: ٤٧٦ هـ)، المهذب في فقه الإمام الشافعي، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية.
٨. أبو الحسن علي بن أحمد بن محمد بن علي الواحدي، النيسابوري، الشافعي، (المتوفى: ٤٦٨ هـ)، التفسيرُ البسيطُ، الناشر: عمادة البحث العلمي - جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ.
٩. أبو الحسن علي بن سعيد الرجرجي، (المتوفى: بعد ٦٣٣ هـ)، مناهجُ التَّحْصِيلِ ونتائج لطائف التَّأْوِيلِ في شرحِ المدَوَّنَةِ وحلِّ مُشْكِلَاتِهَا، الناشر: دار ابن حزم، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
١٠. أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري الماوردي، البغدادي (المتوفى: ٤٥٠ هـ)، الحاوي في فقه الشافعي - الماوردي، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م.
١١. أبو الحسين يحيى بن أبي الخير بن سالم العمراني اليمني الشافعي، (المتوفى: ٥٥٨ هـ)، البيان في مذهب الإمام الشافعي، الناشر: دار المنهاج - جدة، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.

١٢. أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي، (٧٠٠ - ٧٧٤ هـ)، تفسير القرآن العظيم، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.
١٣. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، (المتوفى: ٨٥٢ هـ)، فتح الباري، بيروت، الناشر: دار الفكر (مصور عن الطبعة السلفية)، ب. ط.
١٤. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، (المتوفى: ٨٥٢ هـ)، تعليق التعليق على صحيح البخاري، الأردن، الناشر: المكتب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ هـ.
١٥. أبو القاسم محمد بن أحمد بن جزي الكلبي الغرناطي، (المتوفى: ٧٤١ هـ)، القوانين الفقهية، بيروت، دار الفكر.
١٦. أبو المنذر محمود بن محمد بن مصطفى بن عبد اللطيف المنياوي، التحرير شرح الدليل (شرح دليل الطالب)، مصر، الناشر: المكتبة الشاملة، الطبعة: الأولى، ١٤٣٢ هـ - ٢٠١١ م.
١٧. أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد الحفي، القرطبي الشهير بابن رشد (المتوفى: ٥٩٥ هـ)، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، الناشر: دار الحديث - القاهرة، تاريخ النشر: ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م.
١٨. أبو بكر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري اليماني الصنعاني، (المتوفى: ٢١١ هـ)، المصنف، الناشر: المجلس العلمي - الهند، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣ هـ.
١٩. أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، سنن أبي داود، بيروت الناشر: دار الكتاب العربي، مصدر الكتاب: وزارة الأوقاف المصرية وأشاروا إلى جمعية المكنز الإسلامي.
٢٠. أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي، (المتوفى: ٦٧٦ هـ)، منهاج الطالبين وعمدة المفتين في الفقه، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ / ٢٠٠٥ م.
٢١. أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م.
٢٢. أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني، (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، صحيح الجامع الصغير وزياداته، الناشر: المكتب الإسلامي.
٢٣. أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني، (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة، دار النشر: دار المعارف، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ / ١٩٩٢ م.

٢٤. أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نُعيم بن الحكم الضبي الطهماني المعروف بابن البيع النيسابوري، (المتوفى: ٤٠٥هـ)، المستدرك على الصحيحين، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠م.
٢٥. أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع المطلبي القرشي المكي الشافعي (المتوفى: ٢٠٤هـ)، مسند الإمام الشافعي، الكويت، الناشر: شركة غراس للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م.
٢٦. أبو عبد الله محمد بن يزيد ابن ماجة، القزويني (المتوفى: ٢٧٣هـ)، سنن ابن ماجه، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.
٢٧. أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي، (المتوفى: ٤٦٣هـ)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، الناشر: دار الجيل، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
٢٨. أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني، (المتوفى: ٨٥٥هـ)، البناءة شرح الهداية، بيروت، لبنان، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م.
٢٩. أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني، (المتوفى: ٨٥٥هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ١٤٢٧ هـ.
٣٠. أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي، (المتوفى: ٦٢٠هـ)، الكافي في فقه الإمام أحمد، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م.
٣١. أبوبكر بن علي بن محمد الحدادي العبادي اليميني الزبيدي، الحنفي (المتوفى: ٨٠٠هـ)، الجوهرة النيرة، الناشر: المطبعة الخيرية، الطبعة: الأولى، ١٣٢٢هـ.
٣٢. ابوزكريا يحيى بن شرف نووي، المتوفى (٦٧٦ هـ ق)، ترجمه فارسي رياض الصالحين، مترجم: مرحوم استاد احمد حوارى نسب (ابوسعيد)، تهران، انتشارات كردستان سنندج - ١٣٨٥ هـ ش.
٣٣. ابو عبد الله محمد بن ادريس الشافعي، (١٥٠ - ٢٠٤هـ ق)، الأم، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى ١٤٠٠ هـ - ١٩٨٠ م.

٣٤. أبو محمد عبد الغني بن عبد الواحد، المَقْدِسِي، عمدة الأحكام من كلام خير الأنام مما اتفق عليه الشيخان البخاري ومسلم، مترجم: محمد احمد، باكستان، خيريلورنحي كويته، ١٤٢٨.
٣٥. أحمد بن أحمد، الخليلي، الذبائح والطرق الشرعية في إنجاز الزكاة، عمان، الناشر: المكتبة الاسلاميه، ١٤٣١هـ.
٣٦. أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي، سنن البيهقي الكبرى، مكة المكرمة، الناشر: مكتبة دار الباز، ١٤١٤ - ١٩٩٤م.
٣٧. أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجْردي الخراساني، أبو بكر البيهقي، (المتوفى: ٤٥٨هـ)، معرفة السنن والآثار، المنصورة - القاهرة، الناشر: دار الوفاء، الطبعة: الأولى، ١٤١٢هـ - ١٩٩١م.
٣٨. أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر، أحكام القرآن، للجصاص، بيروت، دار إحياء التراث العربي - بيروت، ١٤٠٥هـ ق.
٣٩. احمد بن محمد بن إسماعيل الطحاوي، الحنفي، حاشية على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح، مصر، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية ببولاق، ١٣١٨هـ.
٤٠. أحمد بن محمد بن الحسين بن الحسن، أبو نصر الكلاباذي، البخاري (المتوفى: ٣٩٨هـ)، الهداية والإرشاد في معرفة أهل الثقة والسداد، بيروت، الناشر: دار المعرفة، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧.
٤١. البحوث العلمية، تاليف هيأت كبار العلماء بالمملكة العربية السعودية، الرياض: رئاسه إداره البحوث العلميه و الافتاء، ١٤٢٥هـ - ٢٠٠٤م.
٤٢. تاليف كنفرائس رابطة عالم اسلامي و سازمان صحي جهان و كميته منتخبيه كنفرائس، احكام ذبح و ذبائح در اسلام، ترجمه: نعمت الله شهراني، كابل: وزارت عامه د.ج.ا. با مساعدت مالي و تخنيكي صحي جهان نومبر ٢٠٠٢م.
٤٣. جلال الدين عباسي، فضل ائمه اربعة اهل سنت، كابل، انتشارات عازم، چاپ دوم، ١٣٨٩ هـ.ش.
٤٤. حسن خالد، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، بيروت - لبنان، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٩ هـ - ١٩٨٨ م.

٤٥. حسين بن محمد راغب اصفهاني، ابو القاسم، ترجمه مفردات قرآن- راغب اصفهاني، مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا، تهران - ايران، ناشر: مرتضوی، ٣ جلد، چاپ دوم، سال نشر: ١٣٧٤ هـ.ش.
٤٦. خلیل بن إسحاق، المَالِکِيّ، مُنح الجليل شرح مختصر خليل، بيروت، دار الفكر، ب ط.
٤٧. د/ محمد يوسف، قرضاوی، الحلال والحرام في الإسلام، بيروت، دار الفكر، الطبعة الاولى، ١٤٢٤ هـ.
٤٨. دکتر عبدالحسين، فخاری، حلال شدنی حیوانات، زاهدان، انتشارات: المکه، چاپ اول.
٤٩. الدكتور محمد الهوارى، الذبائح والطرق الشرعية في إنجاز الزكاة، الناشر: دار المنهاج - جدة، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ.
٥٠. زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى السنيكي، (المتوفى: ٩٢٦ هـ)، الغرر البهية في شرح البهجة الوردية، الناشر: المطبعة الميمنية، ب ط.
٥١. زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: ٩٧٠ هـ)، الأشباه والنظائر على مذهب أبي حنيفة النعمان، بيروت - لبنان الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م.
٥٢. سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، المعجم الكبير، الموصل، الناشر: مكتبة العلوم والحكم، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ - ١٩٨٣ م.
٥٣. سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، الطبراني، أبو القاسم (المتوفى: ٣٦٠ هـ)، المعجم الأوسط، الناشر: دار الحرمين - القاهرة، ب ط.
٥٤. سليمان بن عمر بن منصور العجلي الأزهرى، المعروف بالجمل (المتوفى: ١٢٠٤ هـ)، فتوحات الوهاب بتوضيح شرح منهج الطلاب المعروف بحاشية الجمل، بيروت، الناشر: دار الفكر، عدد الأجزاء: ٥.
٥٥. سليمان بن محمد اللهمي، إيقاظ الأفهام شرح عمدة الأحكام، بيروت، دار الفكر، ١٤٢٦ هـ.
٥٦. سيد فريد فرهی، روش های مختلف ذبح و اثر آن بر کیفیت گوشت، ايران، ناشر: انتشارات پژوهش اخوت، ١٣٩٢ هـ.ش.
٥٧. سيد محمد علی ایازی، قرآن پژوه و مفسر قرآن، بررسی شخصیت راغب اصفهانی و تاثیر احوالات و عصر راغب بر مباحث قرآن پژوهی وی. مطالعات روش شناسی دینی؛ بهار و تابستان ١٣٩٣، سال اول - شماره ١، چاپ اول، ايران، انتشارات امیرکبیر.

٥٨. سيد على اكبر ابن سيد محمد قرشي، قاموس قرآن فارس، دار الكتب الاسلاميه، ايران، طبع دوم، جمادى الاولى ١٣٩٥ هـ ق مطابق ٢ / ١٣٥٤ هـ ش،
٥٩. شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي، سير أعلام النبلاء، بيروت، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م.
٦٠. شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي، (المتوفى: ٧٤٨هـ)، تاريخ الإسلام وَوَفِيَاتِ الْمُشَاهِيرِ وَالْأَعْلَامِ، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ٢٠٠٣ م.
٦١. شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي، (المتوفى : ٧٤٨هـ)، تنقيح التحقيق في أحاديث التعليق، الناشر : دار الوطن – الرياض، الطبعة : الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.
٦٢. شمس الدين، محمد بن أحمد الخطيب الشربيني، الشافعي (المتوفى: ٩٧٧هـ)، مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م.
٦٣. الشيخ نظام وجماعة من علماء الهند، الفتاوى الهندية في مذهب الإمام الأعظم أبي حنيفة النعمان، بيروت، الناشر: دار الفكر، سنة النشر ١٤١١ هـ - ١٩٩١ م.
٦٤. صالح عبد السميع الابي الأزهرى، ، الثمر الدانى في تقريب المعاني شرح رسالة ابن أبى زيد القيرواني، بيروت لبنان، الناشر: المكتبة الثقافية.
٦٥. عبد الرحمن بن محمد بن سليمان الكليبولى المدعو بشيخي زاده (الوفاة ١٠٧٨هـ)، مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر، مكان النشر لبنان/ بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، سنة النشر ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م.
٦٦. عبد الرحمن بن محمد عوض الجزيرى، الجزيري (المتوفى: ١٣٦٠هـ)، الفقه على المذاهب الأربعة، بيروت – لبنان، الناشر: دار الكتب العلمية، عدد الأجزاء: ٥، الطبعة: الثانية، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م.
٦٧. عبد السلام بن عبد الله بن الخضر بن محمد، ابن تيمية الحراني، أبو البركات، مجد الدين (المتوفى: ٦٥٢هـ)، المحرر في الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل، الناشر: مكتبة المعارف- الرياض، الطبعة: الثانية ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.
٦٨. عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز رحمه الله، أشرف على جمعه وطبعه: محمد بن سعد الشويعر، عدد الأجزاء: ٣٠ جزءا.



٦٩. عبد الغني بن طالب بن حمادة بن إبراهيم الغنيمي الدمشقي الميداني الحنفي (المتوفى: ١٢٩٨هـ) اللباب في شرح الكتاب، بيروت - لبنان، الناشر: المكتبة العلمية.
٧٠. عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي أبو محمد، المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني، بيروت، دار الفكر، الطبعة الأولى، ١٤٠٥هـ ق.
٧١. عبد الله بن محمود بن مودود الموصلية، الحنفي، الاختيار لتعليل المختار، بيروت / لبنان، دار النشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثالثة، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م.
٧٢. عبد البصير عثمانى، احكام ذبائح، كابل، انتشارات سيرت، چاپ اول ١٣٩٣ هـ ش.
٧٣. عبدالرحمن بن ناصر، السعدي، متوفاي (١٣٧٦ هـ ق . ١٣٣٤ هـ ش)، تفسير راستين ترجمه تيسير الكريم الرحمن، ترجمه: محمد گل گمشاد زهي، ايران، انتشارات خاور، چاپ اول، ١٣٩١ هـ.
٧٤. عبدالظاهر، داعي، گوشتهاي وارداتي از خارج كشور حلال است و يا حرام؟ كابل، انتشارات سيرت، چاپ اول، ١٣١٣ هـ ق - ١٣٨٩ هـ ش.
٧٥. عبدالعزيز، خالقي، زندگاني ملكة عفت أم المؤمنين عائشه - رضي الله عنها - تهران: ناشر: احمديان، ١٣٨٠ هـ ش.
٧٦. عبدالله بن يوسف أبو محمد الزيلعي، الحنفي، نصب الراية لأحاديث الهداية، مصر، الناشر: دار الحديث.
٧٧. عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين الزيلعي، الحنفي (المتوفى: ٧٤٣ هـ)، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي، الحاشية: شهاب الدين أحمد بن محمد بن أحمد بن يونس بن إسماعيل بن يونس الشلبي (المتوفى: ١٠٢١ هـ)، بولاق، القاهرة، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، الطبعة: الأولى، ١٣١٣ هـ.
٧٨. علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: ٥٨٧ هـ)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت - لبنان، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.
٧٩. علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني، أبو الحسن برهان الدين المرغيناني، (المتوفى: ٥٩٣ هـ)، الهدايه شرح البدايه، بيروت - لبنان، الناشر: دار احياء التراث العربي.
٨٠. عَلِيّ بْن سُلَيْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ الْمُرْدَاوِيِّ الْحَنْبَلِيِّ، الفروع لابن مفلح، پشاور، الناشر: مكتبه القریشیه، الطَّبْعَةُ الْأُولَى.
٨١. علي بن عمر أبو الحسن البغدادي الدارقطني، سنن الدارقطني، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٨٦ - ١٩٦٦ م.

٨٢. فخر الدين عثمان بن علي الزيلعي، الحنفي، تبين الحقائق شرح كنز الدقائق، مكان النشر القاهرة، الناشر: دار الكتب الإسلامي، سنة النشر ١٣١٣هـ.
٨٣. فريدون سپهري، پژوهشي درباره امامان اهل سنت، (امام ابوحنيفه، امام مالك، امام شافعي امام احمد)، كردستاني، انتشارات غريقي، چاپ دوم، ١٣٦٤هـ.
٨٤. فواد افرام بستاني، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی: ترجمه كامل المنجد الابجدی، مترجم: رضا مهيارزبان، تهران، ناشر: اسلامي، نوبت چاپ: دوم، سال چاپ: ١٣٧٦هـ ش.
٨٥. الكبار العلماء السعوديه(عبد العزيز بن عبد الله بن محمد آل شيخ، عبد الله بن عبد الرحمن الغديان، بكر بن عبد الله أبو زيد، صالح بن فوزان الفوزان، اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، السعوديه، الناشر: المكتبة الجامعه الاسلاميه، ١٤٢٠هـ ق.
٨٦. كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسي المعروف بابن الهمام الحنفي، (المتوفى: ٨٦١هـ)، تكملة فتح القدير، بيروت، الناشر: دار الفكر، ب ط.
٨٧. لجنة الفتوى بالشبكة الإسلامية، فتاوى الشبكة الإسلامية معدلة، في ١ ذو الحجة ١٤٣٠ هـ = ١٨ نومبر، ٢٠٠٩ م.
٨٨. مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ١٧٩هـ)، المدونة، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ١٤١٥هـ - ١٩٩٤م.
٨٩. مالك بن أنس بن مالك بن عامر المدني، الأصبحي (المتوفى: ١٧٩هـ)، موطأ الإمام مالك، بيروت - لبنان، الناشر: دار إحياء التراث العربي، عام النشر: ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٥ م.
٩٠. مجلة مجمع الفقه الإسلامي، وهي مجلة معروفة تصدر عن مجمع الفقه الإسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الإسلامي، المجلد: اربعون.
٩١. مجموعة من المؤلفين، الفقه الميسر في ضوء الكتاب والسنة، السعوديه، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، سنة الطبع: ١٤٢٤هـ.
٩٢. محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي، (المتوفى: ٤٨٣هـ)، المبسوط، بيروت، الناشر: دار المعرفة، تاريخ النشر: ١٤١٤هـ-١٩٩٣م.
٩٣. محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي، المالكي (المتوفى: ١٢٣٠هـ)، الشرح الكبير، بيروت، الناشر: دار الفكر، ب ط.

٩٤. محمد بن أحمد بن علي، تقي الدين، أبو الطيب المكي الحسني الفاسي (المتوفى : ٨٣٢هـ)،  
ذيل التقييد في رواة السنن والأسانيد، لبنان، الناشر : دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى،  
١٤١٠هـ/١٩٩٠م.
٩٥. محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، [الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور  
رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري]، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة:  
الأولى، ١٤٢٢هـ ق.
٩٦. محمد بن صالح بن محمد العثيمين، (المتوفى: ١٤٢١هـ)، أحكام الأضحية والذكاة، الناشر:  
دار الثقة للنشر والتوزيع، مكة المكرمة، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
٩٧. محمد بن عبد الله المالكي أبو عبد الله الخرشي، (المتوفى: ١١٠١هـ)، شرح مختصر خليل  
للخرشي، الناشر: دار الفكر للطباعة - بيروت.
٩٨. محمد بن علي بن محمد الحصني المعروف بعلاء الدين الحصكفي، الحنفي (المتوفى:  
١٠٨٨هـ)، الدر المختار شرح تنوير الأبصار وجامع البحار، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة:  
الأولى، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٢م.
٩٩. محمد بن علي بن محمد، الشوكاني، نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى  
الأخبار، دمشق، الناشر : إدارة الطباعة المنيرية.
١٠٠. محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال  
الدين البابرّي، الرومي (المتوفى: ٧٨٦هـ)، العناية شرح الهداية، الناشر: دار الفكر.
١٠١. محمد بن يوسف بن أبي القاسم بن يوسف العبدري الغرناطي المالكي، أبو عبد الله المواق  
(المتوفى: ٨٩٧هـ)، التاج والإكليل لمختصر خليل، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى،  
١٤١٦هـ-١٩٩٤م.
١٠٢. محمد تقي العثماني، أحكام الذبائح واللحوم المستوردة، باكستان، پشاور، المكتبة القريشية،  
١٤٣٧هـ.
١٠٣. محمد تقي عثمانى حفظه الله، درس ختم بخاري شريف، مترجم: ريغي، ابو عبدالفتاح عبدالله،  
كابل، انتشارات عازم، ١٣٩١هـ ش.
١٠٤. محمد رشيد بن علي رضا (المتوفى : ١٣٥٤هـ)، تفسير المنار، مصر، الناشر: الهيئة  
المصرية العامة للكتاب، سنة النشر: ١٩٩٠ م.
١٠٥. محمد رشيد رضا، مجلة المنار، بيروت، دار الفكر، الطبعة الاولى.

١٠٦. محمد معين، فر هنگ معين، تهران، ناشر: مؤسسه انتشاراتي اميركبير، چاپ سوم، ٦ جلدی، ١٣٨٨ هـ ش.
١٠٧. محمد ناصر الدين الألباني، إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية - ١٤٠٥ - ١٩٨٥ م.
١٠٨. محمد ناصر الدين الألباني، الإيمان، عمان، الأردن، الناشر: المكتب الإسلامي، الخامسة، ١٤١٦ هـ / ١٩٩٦ م.
١٠٩. محمد ناصر الدين الألباني، صحيح وضعيف الجامع الصغير، بيروت، دار الفكر، ب ط.
١١٠. محمد، رحمانی، پژوهشی تطبیقی در احکام قرآن پیرامون ذبح، تهران، انتشارات خاور، چاپ دوم، ١٣٨٩ هـ ش.
١١١. محمود بن أحمد بن الصدر الشهيد النجاري برهان الدين مازة، الميحق البرهاني، بيروت، الناشر: دار إحياء التراث العربي، ب ط.
١١٢. محيى الدين، النووي، المجموع، بيروت، دار الفكر، الطبعة الثالثة، ١٩٩٤ م.
١١٣. مسلم بن الحجاج بن مسلم، أبو الحسين القشيري النيسابوري، الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، بيروت، الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة.
١١٤. منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس البهوتى الحنبلى، (المتوفى: ١٠٥١ هـ)، كشف القناع عن متن الإقناع، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، عدد الأجزاء: ٦.
١١٥. موسى بن أحمد بن موسى بن سالم بن عيسى بن سالم الحجاوي، ثم الصالحي، شرف الدين، أبو النجا المقدسي، (المتوفى: ٩٦٨ هـ)، الإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل، بيروت - لبنان، الناشر: دار المعرفة.
١١٦. مؤلفين: عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، محمد بن صالح بن عثيمين، عبدالله بن عبدالرحمن الجبرين، فتاوى إسلامية لأصحاب الفضيلة العلماء، السعوديه، الناشر: المكتبة الاسلاميه، المطبعه الاولى.
١١٧. نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي، (المتوفى ٨٠٧ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بيروت، طبعة دار الفكر، طبعة ١٤١٢ هـ، الموافق ١٩٩٢ ميلادي.
١١٨. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية و ملاحق تراجم الفقهاء الموسوعة الفقهية.

١١٩. وهبة الزُّحَيْلِيّ، الفِئَةُ الإسلاميَّةُ وأدلَّتُهُ، سوريَّة، الناشر: دار الفكر - سوريَّة - دمشق، الطبعة:  
الطبعة الرَّابِعة، عدد الأجزاء: ١٠

8. Refrain from eating material and Dehraean sacrifices.
9. Regarding the feeding of animal from impurity, it should be said: It is permissible for animals whose meat is not eaten to be given impurity because of their nutrition. But the feeding of animals whose meat is halal from impurity such as sheep and camels, the jurists differ in this section, that the animal promises to be imprisoned to eliminate the smell of its meat, which has measured this imprisonment in three days for birds, four days for sheep, ten days for camel and cows.
10. Avoid eating meat by devices that usually suffocate the animal, and even cause more torment to the animal.
11. Muslims should be aware of the countries from which the meat is consumed.
12. Meats imported to Afghanistan from Brazil, the United States, Australia and India are meat whose slaughter has not been proven in an Islamic way, so Muslims should refrain from eating them.
13. European and American countries cannot be called the People of the Book, because in these countries the law of secularism is applied, which in government and corporate law, the Law of the People of the Book has no rule.

## **The result of the discussion:**

### **From the discussion and research on religious and imported meat, we came to this conclusion:**

1. Slaughter in the word means to cut and in the term: cutting the arteries of the neck of cows, sheep and the like, Nahr in the word means the neck and the place of the collar. And in the term: it is the cutting of the camel's veins, which is in the last part of the neck and near its chest. The word "Aqr" means to cut off and amputate a leg. And in the term: Injuring an animal with the intention of killing it in any part of its body when it has no power is to slaughter it.
2. In sharia slaughter, the blood vessels of the throat, which cause bloodshed and destruction of the soul, must be cut off.
3. In order for an animal whose meat is halal to eat be clean, its condition must be observed
  - a. Condition in the animal: 1. the animal is alive at the time of slaughter. 2. The throat esophagus, and the two main veins are cut off. The animal's soul is destroyed as soon as it is slaughtered. When slaughtering an animal, use the name of God Almighty.
  - b. Conditions is the slaughterer: 1. Be the owner of the nation of monotheism. 2. Not be a Muharram. 1. Know the naming (tasmeia). 2. be aware of the condition of slaughter. 1. Dose not mention a name other than Allah. Slaughter should be done from the front of the neck.
  - c. God Almighty should be mentioned only in slaughter. The slaughterer himself should say the name of God during the slaughter. Slaughter Should begin immediately after naming of Allah without creating a gap and turning the parliament.  
The purpose of mentioning the name is the intention to slaughter the animal. Mentioning the name is meant the bow of Almighty God.
4. In the Holy Quran, the prophetic tradition and consensus of the ummah have been proven as a fundamental pillar of Islam.
5. Anything that spills blood and cuts blood vessels, should be it iron, stone, tree branch or glass, it is right to slaughter with them. Killing an animal without cutting the arteries is not permissible except in emergencies.
6. Naming at the time of slaughter is mentioned in both the Holy Quran and dozens of hadiths ass conditions for slaughter.
7. The slaughter of the People of the Book is permissible in term of origin according to Islam, but when it was known that the slaughterer of the People of the Book took his slaughter other than the name of God, in the form. Christians were slaughtered in the name of Christ, Jews were slaughtered in the name of Uzair, The jurists rule that the meat is not halal.



**Salam University**

**Faculty of Sharia and law**

**Master Program in Jurisprudence & Law**



**Islamic Republic of Afghanistan**

**Ministry of Higher Education**

**Private Universities Presidency**

**Investigation of the sentence of slaughter  
in contemporary slaughterhouse and the  
sentence of imported meat  
A Master's Thesis**

**Investigator: Friba (Fahim)**

**Supervisor: Dr. Mohammad Younes (Ibrahimi)**

**Year: 2021**





**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Jurisprudence & Law**



**Islamic Republic of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**Private Universities Presidency**

# **Investigation of the sentence of slaughter in contemporary slaughterhouses and the sentence of imported meat**

**A Master's thesis**

**Investigator: Friba Fahim**

**Supervisor: Dr. Mohammad Younes Ibrahimi**

**Year: 2021**